

## آموزش فا در کنفرانس فای شرق ایالات متحده

(نیویورک، ۲۷ و ۲۸ مارس ۱۹۹۹)

لی هنگجی

قرار بود این کنفرانس که توسط مریدان فالون دافای ایالات متحده در کرانه شرقی سازمان‌دهی شد برای به اشتراک گذاشتن درک‌ها و بینش‌ها از مطالعه فا باشد، اما اکنون بسیاری از افراد حاضر در اینجا به نظر می‌رسد در واقع از مناطق یا کشورهای دیگر هستند. خیلی از شما احتمالاً فکر کرده‌اید که شاید معلم بیاید. بگذارید قبل از هر چیز بگویم که در آینده وقتی در هر منطقه‌ای یک کنفرانس تبادل تجربه برگزار می‌شود، ممکن است شرکت نکنم. این را به شما می‌گویم بنابراین بیهوده [در جستجوی من] سفر نکنید. کنفرانس‌های دافا تقریباً هر هفته در سراسر دنیا برگزار می‌شود، و من نمی‌توانم در تک‌تک آنها شرکت کنم. خواستم قبل از هر چیز این را به شما بگویم.

به‌علاوه، این کنفرانس بخصوص کاملاً خوب سازمان‌دهی شده است. بسیاری از شاگردان در سکوت تلاش زیادی کرده و برای این رویداد بسیار همکاری کرده‌اند. به جای همه شما، من بدین‌وسیله از این شاگردان تشکر می‌کنم که چنین محیطی را برای ما فراهم کردند. هم‌زمان، ما باید این کنفرانس را تبدیل به یک موفقیت کنیم. یک کنفرانس دافا نباید فقط یک تشریفات باشد. باید آن را رویدادی بسازید که حقیقتاً شما را قادر کند رشد کنید و کوتاهی‌های خود را پیدا کنید، و آن واقعاً کمک خواهد کرد که به سوی کمال پیش بروید. در آن صورت، تلاش‌های شاگردانی که در این کنفرانس همکاری کردند ارزنده خواهد بود، و کنفرانس ما واقعاً به خوبی به هدف خود می‌رسد. این برای کنفرانس‌های برگزار شده در مناطق دیگر نیز صدق می‌کند - شما باید کنفرانس‌هایی مانند این را به [موقعیتی] مفید برای تزکیه و رشد همه تبدیل کنید، و اجازه ندهید تبدیل به تشریفات شوند.

تزکیه نباید با تعداد افرادی که تمرین می‌کنند قضاوت شود. گفته‌ام که برای من مهم نیست تعداد زیاد یا تعداد کمی از مردم تمرین می‌کنند. حتی اگر یک‌درصد از مردم تزکیه را تمرین می‌کردند، کاری که انجام داده‌ام بیهوده نبوده است، لازم به ذکر این حقیقت نیست که تزکیه‌کنندگان بسیاری داریم. همه شما تمرین تزکیه را انجام می‌دهید، و پیشرفت‌های قابل توجهی دارید - همگی شما در میان رشد سریع هستید، و همین‌طور می‌بینم که بسیار کوشا هستید. اکنون مردم بیشتری از سراسر دنیا آمده‌اند تا دافا را بهتر و بهتر درک کنند، و افراد بیشتر و بیشتری خواهند بود که دافا را یاد می‌گیرند. بنابراین به همان نسبت، این برخی مسائل را ایجاد می‌کند؛ یعنی وقتی که در ابتدا شروع به مطالعه این فا کردید، شاید سؤالات و شک‌های بسیاری داشتید، و بسیاری مسائل که درک کافی از آنها نداشتید ظاهر شدند. فکر می‌کنم در میان تمام شاگردان جدید که اینجا نشسته‌اند، بدون توجه به اینکه چه ملیت یا قومیتی دارید، در مطالعه فا، باید به خواندن کتاب ادامه دهید. فقط با این‌گونه انجام دادن، سؤالات گیج‌کننده در ذهن تان پاسخ داده خواهند شد. درباره این در همه کنفرانس‌ها صحبت می‌کنم: در طول تزکیه باید کتاب را مکرراً بخوانید. چرا این کلمات را دوباره می‌گویم؟ زیرا هر روز افراد تازه‌وارد ملحق می‌شوند. بنابراین این کلمات باید در آینده دوباره تکرار شوند. به بیانی دیگر، هدفم از اشاعه این فا این است که مردم را قادر کنم تزکیه کنند و بتوانند رشد کنند - هیچ شکی درباره این نیست، و واقعیت نشان داده است که این هدف می‌تواند کسب شود.

با این حال، ما همگی می‌دانیم که من در دنیای انسانی فقط این یک بدن بشری را دارم. اگر به تک‌تک شاگردان می‌گفتم که چطور تزکیه کنند واقعاً سخت می‌بود، زیرا صد میلیون نفر در حال یادگیری این هستند و تعداد بسیار زیادی در آینده خواهند بود. این دافا عمومی شده است و در این دنیای بشری من نمی‌توانم تک به تک با همه شما رودررو صحبت کنم، اما همچنین

می‌خواهم شما رشد کنید- حقیقتاً رشد کرده و حتی به کمال برسید. اگر نمی‌توانستم به این دست یابم، آیا در حال گمراه کردن شما نبودم؟ اما واقعیت نشان داده است که مردم نه تنها از طریق تزکیه صعود می‌کنند، بلکه خیلی هم خوب تزکیه می‌کنند. پس این ثابت می‌کند که من می‌توانم در قبال همه مسئول باشم و کلماتم بی‌پایه و اساس نیستند. آنچه اکنون در حال گفتن هستم این است که با وجود تعداد زیاد شاگردان، من نمی‌توانم تک به تک شما را ببینم و شخصاً آموزش دهم، اما تا وقتی که کتاب *جوآن فالون* را بخوانید، هر چه مستحقش باشید دریافت می‌کنید. (تشویق) شما همگی می‌دانید که این یک کتاب معمولی نیست. این فا است. قوانین، تئوری‌ها، و ایدئولوژی‌های مختلفی در اجتماع بشری ما وجود دارند، اما به شما می‌گویم که تمام آنها چیزهای بشری هستند- آنها چیزهای بشری در سطح اجتماع بشری عادی هستند. اما آنچه من امروز به شما آموزش می‌دهم بسیار فراتر از هر تئوری در اجتماع بشری و هر قانونی در سطح بشر عادی می‌رود. بنابراین همانطور که هست، آن مطمئناً معانی درونی بسیار ژرف و با عظمت خود را دارد. به کلام دیگر، اگر بخواهید تزکیه کنید، این فا حقیقتاً می‌تواند شما را راهنمایی کند که پیشرفت کنید. در سطح ظاهری، کتاب درست مانند هر کتاب معمولی دیگر به نظر می‌رسد، با جوهر سیاه که بر کاغذ سفید است. اما چشمان بشری صرفاً می‌تواند چیزها را در این بُعد اجتماع بشری عادی تشخیص دهد، و هر چیزی که فراتر از این دامنه باشد برای انسان‌ها مرئی نیست. در حال حاضر، علم هنوز نتوانسته به آن سطح برسد، و همینطور نمی‌تواند این چیزها را درک کند. اما در بُعدهای دیگر، در قلمروهای بالاتر و عمیق‌تر که هنوز برای نوع بشر ناشناخته هستند، محیط‌های زندگی مختلف و بُعدهای مختلفی وجود دارند که موجودات زنده در آن هستی دارند. به عبارت دیگر، آن در این بُعد بشری به شکل یک کتاب ظاهر می‌شود، اما وقتی از یک بعد دیگر نگریسته شود اینطور نیست. آن قانون آسمان است. در حال صحبت درباره این نیستیم که لی‌هنگجی چقدر بزرگ است. اغلب به شما می‌گویم که فقط یک موجود بشری هستم و نباید مرا خیلی بزرگ در نظر بگیرید. به خاطر اینکه آنچه آموزش می‌دهم این فا است، که شما را قادر می‌کند جمع شوید و تمرین تزکیه را انجام دهید، و شما را قادر می‌سازد تا رشد کرده و درکی از این فا بدست آورید.

از آنجایی که بسیار از شاگردان نمی‌توانند مرا ببینند، بارها به شما گفته‌ام که باید «فا را به عنوان معلم در نظر بگیرید.» این فا می‌تواند در مورد هر چیزی در تزکیه‌تان شما را هدایت کند. در پشت جوهر سیاه که بر روی کاغذ سفید چاپ شده است بوداها، داثوها، و خدایان بی‌شماری وجود دارند. وقتی کتاب را می‌خوانید و می‌خواهید خود را رشد دهید و به یک قلمرو خاص برسید، خدایان در پشت هر حرف، به شما اجازه می‌دهند معنای حقیقی پشت آن حرف در سطوح مختلف را درک کنید، اگر آن سطح جایی است که قلمروی شما باید باشد. به همین دلیل وقتی کتاب را مکرراً می‌خوانید، مهم نیست چند مرتبه آن را خوانده‌اید، هر بار درکی متفاوت از همان جمله خواهید داشت. آنهایی از شما که در بین حضار کتاب را بیش از صد بار خوانده‌اند دیگر تعداد کمی نیستند. و درمیان تقریباً صد میلیون شاگردان فا، آنهایی که کتاب را بیش از صد بار خوانده‌اند دیگر تعداد کمی نیستند. و هنوز در حال خواندن آن هستید. حالا نمی‌توانید این فا را زمین بگذارید، زیرا هر چه بیشتر می‌خوانید، چیزهای بیشتری در آن پیدا می‌کنید؛ هر چه بیشتر بخوانید، بیشتر درک می‌کنید، و بسیار فراتر از آنچه اکنون نوع بشر می‌تواند بفهمد رفته‌اید، شامل آنچه علم مدرن می‌تواند بفهمد. به این ترتیب می‌توانید رشد کرده و صعود کنید. البته، فا می‌تواند شما را به سطوح بالا هدایت کرده و در تزکیه راهنمایی کند. همچنین فا می‌تواند در مورد چیزهای بسیار زیادی به شما کمک کند. اما به همه شما می‌گویم که تزکیه خودتان مهم‌ترین است. اگر شخصی برای تزکیه قلبی نداشته باشد، هر چیز دیگری بی‌فایده است. باید قلبی داشته باشید که بطوری محکم به تزکیه متعهد است. از طریق خواندن فا، به تدریج این اصول را درک می‌کنید و به دنبال آن مصمم‌تر می‌شوید. از داشتن سؤال نترسید. من از اینکه بتوانید سؤالات خود را تشخیص دهید خوشنود می‌شوم. سؤالات بسیار زیادی که جوابی برای آنها ندارید و می‌خواهید برسید واقعاً می‌تواند به هنگام تزکیه با خواندن مداوم کتاب پاسخ داده شوند. همانطور که بسیاری از شاگردان قدیمی هم‌اکنون می‌دانند، وقتی برای بار اول کتاب را می‌خوانید پرسش‌های بسیاری خواهید داشت: «چرا؟ چرا؟» بسیاری از افکار حتی در سطح مقدماتی خواهند بود، مانند اینکه، «آیا واقعاً اینطور است؟» شاید این نوع افکار را داشته باشید. اما وقتی برای بار دوم آن را می‌خوانید، تمام آن سؤالات و ایده‌ها که در ذهن خود داشتید پاسخ داده خواهند شد. همزمان، وقتی برای بار دوم کتاب را می‌خوانید سؤالات جدیدی مطرح می‌شوند. اما وقتی برای بار سوم کتاب را می‌خوانید، آن سؤالات

پاسخ داده می‌شوند. پس آن روندی تدریجی به این شکل دارد. به نظر ساده می‌آید، اما در حقیقت، می‌توانم به شما بگویم: تزکیه این‌گونه پیش می‌رود، زیرا هر بار که آن را کامل می‌خوانید خودتان را رشد می‌دهید.

همانطور که می‌دانید، بیش از صد میلیون نفر فا را کسب کرده‌اند. در سرتاسر تاریخ وقتی فای راستین آموزش داده شد هرگز این تعداد افراد نبودند. البته، می‌خواهم حتی تعداد بیشتری از مردم را نجات دهم. شاگردان قدیمی در میان شما می‌دانند که من فای به این عظمت را آموزش داده‌ام فقط به این خاطر که ما هم‌اکنون در یک دوره خاص تاریخی هستیم. پس باید در طول تزکیه خود کتاب را بسیار زیاد بخوانید. این رشدتان تعیین‌کننده است - باید این کار را انجام دهید. با زندگی در اجتماع بشری، هر چیزی که مردم با آن در تماس هستند چیزهای عملی جامعه بشری است. اگر از زمان برای خواندن کتاب استفاده نکنید، ذهن و قلبی که برای تزکیه دارید ممکن است ضعیف شود. شاید کوشایی در تزکیه‌تان کمتر شود، حتی تا جایی که از آن دست بکشید. ممکن است آن اتفاق بیفتد. اما اغلب می‌اندیشم: شما فا را کسب کرده‌اید، که آسان نبود، پس اگر آن را گرامی ندارید، بسیار حیف خواهد بود زیرا از آغاز زمان در طول هزاران سال تاریخ، این هرگز انجام نشده است. در گذشته، فای حقیقی کیهان چگونه می‌توانست برای موجودات بشری فاش شود؟ مطلقاً غیرممکن بود.

گفته‌ام که این را آموزش می‌دهم فقط به این خاطر که ما در یک [دوره] زمانی خاص در تاریخ هستیم. اجتماع بشری در آینده از میان تغییرات عظیمی خواهد گذشت؛ پدیده‌های خاص بسیاری در کیهان به نمایش درخواهد آمد. علم مدرن هم‌اکنون کشف کرده است که بدن‌های آسمانی بطور مستمر شکل می‌گیرند و قدیمی‌ها منفجر می‌شوند. آیا روزنامه‌ها گزارش نمی‌دهند که کهکشان‌های جدید در حال پیدایش در جایی هستند که قبلاً نبودند، و اینکه بسیاری از بدن‌های آسمانی کهن در حال متلاشی شدن هستند، با تعداد زیادی بدن آسمانی جدید که در حال پدیدار شدن هستند؟ این در بدن‌های کیهانی بسیار دور و دورافتاده در حال وقوع است. به آهستگی، آن در حال نزدیک و نزدیکتر شدن به بعدی است که برای چشمان بشری ما قابل دیدن است. این صحنه‌ها ظاهر خواهد شد. البته دلیل اینکه این چیزها را ذکر می‌کنم این است که به شما بگویم صرفاً در حال آموزش این فا تحت این شرایط خاص تاریخی هستیم. پس باید این فا را گرامی بدارید. اگر فا را مطالعه نکنید، مطمئناً قادر نخواهید بود درک کنید که این فا چقدر باارزش است. اگر بتوانید فا را مطالعه کنید، هر چه بیشتر بخوانید بیشتر خواهید فهمید که این فا چقدر ارزشمند است.

مذاهب در جامعه بشری از میان یک دوره زمانی حدوداً بیش از هزار سال گذشته‌اند، و در طول زمان، آنها آنچه برای یک مذهب اساسی و ضروری است را از دست داده‌اند. به عبارت دیگر، آنها دیگر نمی‌توانند بوسیله ارتقاء دادن مردم برای اینکه مطابق با استاندارد کمال باشند هدف بازگرداندن مردم به آسمان را به انجام برسانند. [منظور] این است که بگویم در اعصار مدرن آنها دیگر نمی‌توانند این هدف را برآورده سازند، و اینکه مردم صرفاً در پنداشت‌های خود زندگی می‌کنند. به همین خاطر است که اکنون خواستم دافا را آموزش دهم. باید بدانید که وقتی فا را آموزش دادم، اگر هدف نمی‌توانست برآورده شود، به مسئله‌ای وحشتناک منجر می‌شد. هرگز این را برای شما ذکر نکردم. قبل از اینکه درباره آن صحبت کنم، اجازه دهید ابتدا یک مشکل اجتماعی را یادآور شویم. همانطور که می‌دانید، در اجتماع بشری، مخصوصاً در یک یا دو هزار سال گذشته، انواع و اقسام تئوری‌ها، خوب، شیطانی، یا خنثی ظاهر شده است؛ همینطور تعالیم مذهبی مختلف. در آغاز، تعداد اندکی از مذاهب راستین مهم این قصد را داشتند که موجودات انسانی را تبدیل به مردمی خوب کنند. آنها بطور مؤثری بر استانداردهای اخلاقی جامعه بشری پایدار ماندند، و در همان زمان، آنهایی که افراد بهتری شده بودند را قادر کردند که صعود کنند، حتی تا نقطه‌ای که آنها را به بهشت‌های خودشان بازگردانند. اما در طول دوره وسیعی از زمان، آن تعالیم کم‌کم با باورها و تفکر مردم مدرن ضعیف شده‌اند. مردم بیشتر و بیشتر قادر به پذیرفتن آن تعالیم نیستند، و کمتر و کمتر به آنها ایمان دارند. آنها کلیسا رفتن در یکشنبه‌ها را وظیفه اجتماعی در نظر می‌گیرند به جای اینکه بطور واقعی سعی کنند با خود بر طبق آموزه‌های مسیح، مریم مقدس، یا یهوه رفتار کنند. اگر نمی‌توانید این را انجام دهید نمی‌توانید به بهشت بروید. نمی‌توانید بدون پیروی از آموزه‌های یک بودا به بهشت بروید. برخی ادعا می‌کنند: «من از تعالیم او پیروی می‌کنم.» درواقع، شما حتی نمی‌دانید چطور از تعالیم او پیروی کنید. به این دلیل اساسی است که می‌گویم مذاهب، دیگر نمی‌توانند بگذارند مردم تزکیه کرده و به خانه برگردند.

اما امروز فای بسیار عظیم را اشاعه داده‌ام که می‌تواند عمیقاً قلب همه را تکان دهد. تا وقتی که کتاب را می‌خوانید، خواهید دانست که آن خوب است. تا وقتی که کتاب را می‌خوانید، عظمت فا را درک خواهید کرد. آنچه آموزش می‌دهم اصول حقیقی کیهان هستند، و هر کسی با این فا عمیقاً به حرکت درمی‌آید. آن افرادی که بسیار فاسد شده‌اند و کاملاً خلاف سرشت کیهان پیش می‌روند نیز عمیقاً توسط این فا تکان می‌خورند. چرا؟ زیرا آنها کاملاً ضد این فا هستند، آنها واقعاً خواهند ترسید، و از آن متنفر خواهند شد. به عبارت دیگر، افرادی مانند این بطور کامل محکوم به فنا هستند! پس، هر کسی با این فا به جنبش درمی‌آید- هم موافق فا خواهند بود هم مخالف فا.

همان‌گونه که می‌گفتم، اشاعه دادن این فا مسئله‌ای بسیار جدی ایجاد می‌کند. هیچ یک از تعالیم از زمان‌های باستان تا به امروز دیگر نمی‌تواند قلب مردم را به بهترین دوره زمانی [شکلی که قبلاً بودند] برگرداند، اما واقعیت ثابت کرده است که این فای بنیادین کیهان که آموزش می‌دهم می‌تواند مردم را قادر سازد به کمال برسند. اما اگر این فا نتواند کمک کند شما دوباره صعود کنید، آنوقت هیچ راه دیگری وجود ندارد- از زمان باستان بسیار دور نوع بشر تا عصر مدرن و حتی تا آینده- آن شما را قادر می‌کند که دوباره صعود کنید، و بشریت هیچ امید دیگری ندارد. آن بی‌نهایت خطرناک است! اگر این فا نمی‌توانست حقیقتاً آن هدف را برآورده کند یا اگر فا خراب شده بود، هیچ راهی برای نجات نوع بشر وجود نمی‌داشت. (تشویق) زیرا آن عالی‌ترین فای کیهان است، هیچ فای دیگری نیست که بتواند قدرت یکسانی با فای بزرگ و بنیادین کیهان داشته باشد. اما حقیقت این است که شما را راهنمایی کردم که از آن مرحله بگذرید: من بطور حقیقی شاگردان را قادر ساختم که خودشان را بهتر کنند و مریدان را [قادر ساختم] بطور واقعی در تزکیه خود بالا برونند، و مردم بیشتری را قادر ساختم که این فا را درک کنند. هر چند اخلاقیات جامعه بشری به سرعت در حال نزول است و بد شده است، متوجه شده‌ام که اگر چه مردم از روی جهالت مرتکب اعمال بد و کارهای اشتباه می‌شوند، وقتی این فا را بشناسند با خود بر طبق فا رفتار می‌کنند. [منظور] این است که بگوییم، مردم هنوز سرشت بودایی و افکار خوب دارند، و افکار مهربان آنها هنوز وجود دارد- فقط اینطور است که از روی نادانی، اعمال اشتباه بسیاری انجام داده‌اند.

من شما را از آن مرحله گذرانده‌ام. این چیزی است که واقعاً مرا خشنود می‌کند. (تشویق) برای شاگردان مان و اجتماع بشری، این چیزی است که بیشترین ارزش شادی کردن را دارد، زیرا شما واقعاً [از آن] گذر کرده‌اید و از خطرناکترین شرایط بیرون آمده‌اید. (تشویق) همانطور که می‌دانید، در تاریخ پیامبران بسیاری بوده‌اند، استادان چی‌گونگ، و مردمی که در مذاهب روشن بین شده بودند و درباره فجایع مختلف که در پایان این قرن در جامعه بشری اتفاق می‌افتند اظهارنظرات بسیاری کرده‌اند. آنها حتی گفته‌اند که موجودات انسانی نابود می‌شوند. البته، اینها کلمات من نیستند- صرفاً به شما می‌گویم که آن پیامبران چه گفتند.

من می‌توانم جوابی روشن به مردم بدهم که آیا آن چیزها اتفاق خواهند افتاد یا خیر. می‌دانید، درست مانند چیزی است که گفتم، مثالی که در *جوآن فالون* بکار بردم. یک سیب فاسد وجود دارد- در این جهان بیکران، زمین درست مانند یک سیب است- سیبی که از داخل و بیرون فاسد شده است. درست مانند هر یک از موجودات بشری، هر ذره از درون این سیب فاسد است. آنوقت آیا این سیب نباید نابود شود، دور انداخته شود، یا دفع شود؟ اگر اخلاقیات اجتماع بشری تا این مرحله منحرف شده است، در چشم خدایان، آیا آن مانند یک سیب فاسد شده نیست که باید نابود شود؟ اما خدایان، همانطور که همگی می‌دانیم- مخصوصاً آنهايي که به سطح بشریت نزدیک هستند- تمام آنها به انسان‌ها رحمت دارند، بنابراین می‌خواهند انسان‌ها را نجات دهند. اما همگی درباره آن فکر کنید: شما می‌خواهید یک سیب فاسد را نجات دهید و نمی‌خواهید آن را دور بیندازید، پس آن را در فضایی می‌گذارید، اما آن بیشتر و بیشتر فاسد می‌شود، با کرم‌هایی که در سرتاسر آن می‌خزند. اکنون یک سیب فاسد با کرم‌هایی در همه جای آن در فضای بی‌نقص شما قرار دارد- چرا باید آن را آنجا رها کنید؟ اگر به گذاشتن آن در آنجا اصرار دارید، آیا کار بدی انجام نمی‌دهید؟ اما خدایان با مردم متفاوت هستند. آنها قدرتی دارند که می‌توانند آن را از اصلی‌ترین ذراتش به سیبی جدید تبدیل کنند. آنها می‌توانند سیب را به شکل سیبی تازه برگردانند؛ با تغییر دادن ترکیب آن، سیب دوباره خوب می‌شود. آنوقت اگر کسی بخواهد آن را دور بیندازد، آیا مرتکب کاری اشتباه نمی‌شود؟ اما آن چیزی نیست که خدایان متوسط بتوانند انجام دهند.

امروز، صد میلیون نفر هستند که تزکیه می‌کنند، تفکر خود را تغییر می‌دهند، افراد خوبی می‌شوند و باتقواتر می‌شوند. آنها واقعاً تلاش می‌کنند تا اشخاصی شوند که مطابق با استانداردهای موجود در سطوح مختلف جهان هستند. پس آیا زمین می‌توانست منفجر شود؟ آیا می‌توانست نابود شود؟ آیا می‌توانست پیشگویی آن پیامبران تحقق یابد؟ آنها دیگر نمی‌توانند محقق شوند. می‌گویم که دیگر هیچ پیشگویی حقیقت ندارد، زیرا امروز دافا در این اجتماع بشری منتشر شده است، و قلب مردم تعالی می‌یابد- به سرعت تعالی می‌یابد. دیروز یک روزنامه‌نگار از من سؤالاتی پرسید و ذکر کرد که اکنون صد میلیون نفر در حال یادگیری این [روش] هستند. به علاوه، روند آن به سرعت رو به رشد است. مردم بیشتری خواهند بود که این را یاد بگیرند. همین الان، صد میلیون نفر هستند که اخلاقیات خود را رشد می‌دهند. اگر هر یک از این صد میلیون نفر به یک نفر دیگر بگوید که بیاید و یاد بگیرد، تعداد دویست میلیون خواهد شد. تعداد سریعاً به مقدار زیادی افزایش خواهد یافت. وقتی هر کسی به مهربانی و انسانی خوب بودن بازگردد و استانداردهای اخلاقی خود را بهبود بخشد، اجتماع بشری درست مانند آنچه توصیف کردم خواهد شد- سببی که تازه و نو شده است. چه کسی می‌تواند آن را نابود کند؟

رشد اجتماع بشری و هر شرایطی در جهان توسط خدایان نظم و ترتیب داده می‌شود. این چیزها همگی الگوهای خاصی را دنبال می‌کنند. اجتماع بشری شرایط بدی را تجربه می‌کند، از جمله جنگ‌ها، زمین لرزه‌ها، سیل‌ها، بیماری‌های همه‌گیر، آفت و بلا و غیره، و تعداد بسیار زیادی بلایای طبیعی دیگر وجود دارد. در واقع، تمام اینها یک هدف دارند. آنها کارما را برای بشریت پاک می‌کنند. افکار موجودات بشری توسط خدایان هدایت می‌شود. انسان‌ها هرگز به این فکر نمی‌کنند که افکارشان از کجا می‌آیند. وقتی می‌خواهند کاری را به روشی بخصوص انجام دهند، وقتی افکارشان ظاهر می‌شود، وقتی به اصطلاح الهام پدیدار می‌شود، یا وقتی به ناگهان چیزی به خاطر می‌آورند، همگی فکر می‌کنند که آنها افکار خودشان هستند، درحالی‌که بسیاری از آنها افکار خودشان نیستند. خدایان هر جنبه از جامعه بشری را بطور سفت و سخت تحت کنترل دارند. در عین حال یک چیز وجود دارد. اصلی در این جهان هست که می‌گوید: وقتی به این می‌رسد که یک انسان بخواهد کاری انجام دهد، آنچه بخواهد به عنوان یک موجود مستقل انجام دهد، هنوز باید به افکار شخص نگاه کنید. اگر بخواهد تزکیه کند، عالی است، به او کمک خواهیم کرد تزکیه کند؛ اگر نخواهد خوب باشد، می‌گذارم باشد، و او فردی بسیار بد خواهد شد. اما در مجموع، جامعه بشری توسط خدایان کنترل می‌شود. بنابراین، وقتی یک شخص خوب است، آینده درخشانی خواهد داشت، و اگر [خوب] نباشد، [آینده‌ای خوب] نخواهد داشت، تاریکی خواهد داشت و کارمای شیطانی در انتظار او است.

علت آنچه اکنون گفتم بحث تزکیه شما و فای من است. منظور این است که همه آن را گرامی بدانند. امروز، صد میلیون نفر فا را مطالعه می‌کنند. شما دوباره تاریخ را نوشته‌اید. آیا آن ارزش جشن و شادی ندارد؟ آیا آن باشکوه نیست؟ (تشویق) اما، هنوز افراد بد بسیاری هستند که کارهای بد انجام می‌دهند. پس اگرچه بشریت آنطور که پیامبران پیشگویی کردند فجایع بزرگ نخواهد داشت، اما هنوز چیزهایی منفی در برخی مناطق خواهد بود، زیرا آنها آنجا فا ندارند.

از آنجا که امروز این کنفرانس برای تبادل درک‌ها و بینش‌ها از مطالعه فا است، نمی‌خواهم زمان زیادی از شما بگیرم. فقط می‌خواستم با شما ملاقات کنم. هدف از کنفرانس ما این است که همه شما پیشرفت کنید و از شنیدن تبادل تجربه و سخنان شاگردان دیگر درک‌های بیشتری بدست آورید. مطمئناً سؤالات بسیاری دارید. هر لحظه شاگردان جدیدی هستند که شروع می‌کنند این را یاد بگیرند، و شاگردان جدید سؤالاتی خواهند داشت. شاگردان قدیمی نیز سؤالاتی دارند. بیایید این را انجام دهیم: فردا بعد از ظهر به سؤالات شما پاسخ می‌دهم. اکنون به همه شما گفتم که باید فا را گرامی بدانید، و آن را زیاد مطالعه کنید. باید کتاب را بارها و بارها بخوانید، و با اینطور انجام دادن رشد می‌کنید. من توانایی‌های خود را درون این دافا ریخته‌ام. تا زمانی که آن را مطالعه کنید، دستخوش تغییرات می‌شوید. تا وقتی که آن را مطالعه کنید، رشد خواهید کرد. تا زمانی که آن را تا انتها تمرین کنید، قادر خواهید بود به کمال برسید. (تشویق)

چند چیز جزئی را بطور گذری مطرح می‌کنم. اول اینکه، از حالا به بعد، شاگردان قدیمی، تا وقتی که به کمال نرسیده‌اید، باید بیرون آمده و تمرین کنید. من این را یک بار دیگر ذکر می‌کنم. چرا این را می‌گوییم؟ به این دلیل که محیط تزکیه‌مان، محیط مطالعه فای‌مان، و آنچه شاگردان وقتی با هم هستند بحث کرده و صحبت می‌کنند، باشکوه است و پاک‌ترین و ناب‌ترین محیط

را شکل می‌دهد. این چیزی است که یافتن آن در اجتماع بشری سخت است، و نیک‌خواه‌ترین و شگفت‌انگیزترین قطعه سرزمین پاک است، بنابراین نباید این محیط را از دست بدهید. به این خاطر که اجتماع بشری مدام رو به نزول است، و بدتر و بدتر می‌شود. شما همگی در این اجتماع عادی بشری شغل‌هایی دارید، و فعالیت‌های اجتماعی دارید- همه شما با مردم عادی و اجتماع بشر عادی در تماس هستید. در نتیجه، آنچه می‌بینید و می‌شنوید، چه آن قصد را داشته باشید چه نداشته باشید، همه با امور مردم عادی در ارتباط هستید، که با تزکیه شما مداخله خواهد کرد. پس آن برای شما مفید است که اغلب فا را با یکدیگر مطالعه کنید و این سرچشمه آب پاک را برای پاک کردن خود استفاده کنید.

همچنین اخیراً دو مقاله نوشتیم، که شما دست‌نوشته می‌نامید. مسائل مطرح شده مهم هستند؛ همچنین در حال حاضر آشکارتر هستند. یعنی، افرادی هستند که در سطوح پایین به نیمه روشن‌بینی رسیده‌اند، افرادی که، به خاطر اینکه سطح‌شان بالا نیست، درک زیادی از فا ندارند، و نمی‌توانند چیزهای بسیاری را که آموزش داده‌ام کاملاً درک کنند. از آنجا که در وضعیت نیمه روشن‌بینی در سطوح پایین قرار دارند، برخی موجودات سطح بالا را می‌بینند که فاسد شده‌اند و از بعدهای سطح بالا به سه قلمرو گریخته‌اند (زیرا اصلاح فا آن بالا در حال وقوع است، کیهان کهن در حال متلاشی شدن است، کیهان جدید در حال پیدایش است، بنابراین برای فرار از این واقعیت، این موجودات به این بعد موجودات بشری گریخته‌اند- به این بعد انسان‌ها آمده‌اند تا از فاجعه فرار کنند)، یا برخی خدایان سطح متوسط که در اصل در سه قلمرو وجود داشتند. آنها نمی‌توانند تصویر واقعی چیزی که در این کیهان در حال وقوع است را ببینند. البته پیش از اینکه به اینجا بیایند درباره آن می‌دانستند، اما از وقتی [اینجا] رسیده‌اند درباره اینکه چه روی داده است هیچ ایده‌ای ندارند. می‌توان اینطور گفت، آنها اینجا بطور کامل مهر و موم شده‌اند.

بسیاری از آنان در برابر اصلاح فا مقاومت کردند و با دافا مخالفت کردند، اما خیلی از آنها موقعیت حقیقی را نمی‌دانند. حتی خدایانی که در اصل در این بعد بودند این واقعیت برایشان ملموس نبوده است، و در نتیجه، آنها از حقیقت آگاه نیستند. پس آنها نیز با شاگردان دافا مداخله می‌کنند. بعضی از آنان به عمد مداخله می‌کنند، نمی‌دانند که با قانون بزرگ کیهان مداخله کرده و جنایتی خطرناک را مرتکب می‌شوند- نمی‌توانند این را تشخیص دهند. زیرا حقیقت جهان از آنها پنهان مانده است، فقط می‌توانند چیزها درون سه قلمرو را ببینند. اکنون دافا به سه قلمرو وارد شده است- کار در سه قلمرو شروع شده است.

این مزاحمت‌های نسبتاً قابل توجهی را برای افرادی که چشم سوم‌شان در سطوح پایین باز است ایجاد کرده است. برخی شاگردان، از طریق چشم سوم خود، یک خدای باشکوه و عالی را می‌بینند که کلماتی در افترا به دافا بیان می‌کند. البته آنها تماماً چیزهایی هستند که او از خود درمی‌آورد. قصدش این است که شاگردان را گیج کرده و آنها را از دافا جدا کند. برخی از آنان خودشان را به شکل بدن‌های قانون من تغییر چهره می‌دهند، و به شما می‌گویند چه کار کنید. هر کسی که به یک مرید در حال تزکیه به روشنی می‌گوید که چه کاری انجام دهد قطعاً کسی است که برای آسیب زدن به دافا و شاگردان آمده است. چرا اجازه می‌دهید از شما سوءاستفاده شود؟ فقط به خاطر اینکه وابستگی‌هایی قوی دارید. خودتان مسیر خود را انتخاب می‌کنید، و موقعیت آینده شما جایی است که هستی شما قرار است آنجا باشد. همگی درباره آن فکر کنید: قبل از اینکه تعهد من به این بعد رسیده باشد، آن نیز تحت کنترل است.

چرا آنها اجازه پیدا می‌کنند که آن کار را انجام دهند؟ زیرا تزکیه شما نمی‌تواند تمام مسیر مانند حرکت آرام یک قایق باشد. در آینده، وقتی به عنوان خدای باشکوهی که به کمال دست یافته در بهشتی آسمانی ظاهر شوید، تمام خدایان از شما خواهند پرسید: چگونه تا این مکان بالا تزکیه کردید؟ این بسیار مهم است که آیا از میان آزمایش‌های سخت گذشته‌اید، آیا در تزکیه خود چیزی را تجربه کرده‌اید که در آن واقعاً مجبور بودید تصمیم بگیرید به تزکیه در این دافا ادامه می‌دهید یا نه، و اینکه آیا در طول سختی‌ها استوار بودید. از این رو، ما این مداخله را به کار می‌بریم که قلب شما را ببینیم. برخی افراد نتوانستند این آزمایش‌ها را بگذرانند، و فا را رها کردند. برخی شروع به تزلزل کردند. اما این موارد شدیدتر و شدیدتر شده‌اند. در نتیجه، موضوع را مطرح کردم، به آنهایی که فا را ترک کردند آخرین فرصت را دادم؛ در غیر این صورت، آنها فرصت خود را از دست می‌دادند. همگی درباره آن فکر کنید: در حین اصلاح فای کیهان، بسیاری از خدایان سطح بالا خیلی خوب نشده‌اند و فرو افتادند. آنها حتی این فرصت که موجودی بشری باشند را از دست دادند. بسیاری از آنان حتی به مکان‌هایی پایین‌تر از موجودات بشری نزول کردند، و

برخی کامل نبود شده‌اند. پس در مورد انسان‌ها چطور؟ اگر این فرصت را از دست بدهید هیچ فرصت دیگری نخواهد بود. البته، آنچه می‌خواهید را خودتان تصمیم می‌گیرید. من آن مقاله را نوشتم تا به شما بگویم این فرصت را از دست ندهید.

مقاله دیگر درباره افرادی بود که طرفدار مذاهب دیگر بودند یا افرادی که سابقاً چیزهای دیگر را تمرین کردند. آنها نیز برای یاد گرفتن این دافا آمده‌اند زیرا حقیقت کیهان بیشتر و بیشتر در حال آشکار شدن است. گذشته از تمام اینها، موجودات سطح بالا توانایی‌های خاصی دارند. آنها نیز فهمیده‌اند که فقط این دافا می‌تواند بطور حقیقی مردم را قادر به بازگشت کند، و اینکه دیگر هیچ راه تزکیه‌ای در اجتماع بشری قادر نیست به آن [هدف] دست یابد. بنابراین آنها مردم خودشان، یا برخی که درک کاملی از این نداشتند را آماده ورود به دافای ما کردند. هدف‌شان این بود که از دافای ما استفاده کنند تا به جایگاه‌هایی که آرزو داشتند بازگردند. درواقع آنها نمی‌توانند چیزهای خود را رها کنند، و به جای اینکه حقیقتاً بخواهند در دافا تزکیه کنند صرفاً از دافا و من استفاده می‌برند. نمی‌توانند از آن به اصطلاح خدایان در قلب‌شان جدا شوند، چیزهایی که به آن چسبیده‌اند، یا حتی چیزهایی که هم‌اکنون پاکسازی شده‌اند و دیگر وجود ندارند.

آنها اینجا در این بعد بشری هستند، و اصلاً درباره این چیزها نمی‌دانند. می‌خواهند از این دافا استفاده کنند، و این قصد به خودی خود یک گناه است. می‌توانستم به راحتی آنان را نادیده بگیرم و بگذارم باشند، اما فکر می‌کنم از تمام اینها گذشته، آنها آمده‌اند تا این فا را بشناسند. حتی با اینکه قلب و ذهن آنها خالص نیست، اما کتاب را خوانده‌اند. پس می‌خواهم به آنها فرصت بدهم و این را روشن کرده و به وضوح توضیح دهم. اگر هنوز نتوانید برگردید شانس خود را برای همیشه از دست می‌دهید. می‌توانم به شما بگویم، چنین مجالی نباید از دست برود، و فرصت دوباره پیش نخواهد آمد. دافا باوقار است، و تزکیه موضوعی جدی است - آن بازی بچه‌گانه نیست. آیا فکر می‌کنید می‌توانستید هر زمان که بخواهید صرفاً آن را بدست آورید؟ آیا فکر می‌کنید می‌توانستید هر زمان در آسودگی خود صرفاً آن را بدست آورید؟ آن به شما بستگی ندارد. اگر آن را از دست بدهید برای همیشه از دست خواهید داد.

می‌خواهم درباره موضوع دیگری صحبت کنم. تعداد زیادی مرید جوان در میان تمرین‌کنندگان وجود دارند. شما باید برای زندگی شخصی خود اهمیت قائل شوید. درباره موضوع روابط نامشروع، شما نباید با رفتار فاسدشده جامعه بشری عادی همگام شوید. می‌توانید زن یا شوهر داشته باشید - آن خوب و مناسب است. این مسئله‌ای نیست که تزکیه کنید در حالی که تا بیشترین حد ممکن با جامعه مردم عادی مطابقت داشته باشید. برای شما زندگی به عنوان زن و شوهر خوب است، اما اگر زن و شوهر نیستید و روابط جنسی دارید، پس در حال انجام پلیدترین کار هستید. آن چیزی است که خدایان مطلقاً نمی‌توانند بپذیرند - حتی یک خدا هم آن را قبول نمی‌کند. پس بسیار مطمئن شوید که به این موضوع توجه می‌کنید. دوره تزکیه یک شخص تاریخچه آن تزکیه‌کننده است. خدایان بی‌شمار، بی‌اندازه و غیرقابل شمارش در حال نظاره هر فکر و هر عمل مریدان دافا هستند. به عنوان تزکیه‌کنندگانی که مقرر شده به کمال برسند، چرا نمی‌توانید این آزمایش را بگذرانید؟ امروز [صحبت را] در اینجا متوقف می‌کنم. امیدوارم این کنفرانس موفقیت‌آمیز باشد. فردا بعدازظهر به سوالات شما پاسخ می‌دهم. اکنون می‌توانید کنفرانس را ادامه دهید، و شاگردان تجربه‌ها و درک‌های خود را به اشتراک بگذارند.

عصر بخیر!

با قضاوت [درباره] دو روز گذشته، این کنفرانس واقعاً بسیار موفقیت‌آمیز بوده است. کنفرانس‌های بسیاری هرگز نمی‌توانند مانند این یکی باشند - آنها می‌توانند برای شاگردان ما مفید باشند، همگی را قادر به رشد کنند، کمک کنند افراد در جایی که کوتاهی دارند از یکدیگر بیاموزند، و افراد را وامی‌دارند که بطور مستمر با کوشایی پیشرفت کنند. این بسیار خوب است. این دقیقاً هدف کنفرانس‌های فا است. آنها می‌توانند در تمرین تزکیه به شما یاری برسانند، که مقصود کنفرانس‌های دافا است. به علاوه، شاید هم‌اکنون فهمیده باشید که این کنفرانس یک ویژگی جالب توجه دارد: درک شاگردان غربی از فا عمیق‌تر می‌شود. فکر می‌کنم این بار عمیق‌ترین گفتگوها تاکنون را از آنان داشته‌ایم. (تشویق) آن به این خاطر است که آنان به مطالعه فا ادامه می‌دهند،

بیشتر و بیشتر به درکی منطقی از فا می‌رسند، قادرند درباره خود از [منظر] فا صحبت کنند. این واقعاً عالی است. این بعد از ظهر اصولاً برای پاسخ به سؤالات شما است. خوب، اکنون پاسخ به پرسش‌های شما را شروع می‌کنم.

**پرسش:** موسیقی دافا، «پودو» می‌تواند مردم را به گریه بیندازد. این موسیقی تأثیرگذار از کجا آمده است؟

**معلم:** این موسیقی از دیروز در طول کنفرانس پخش شده است. همه شما آن را شنیده‌اید، و آن بسیار موقر و مؤثر است. این موسیقی خود دافای ما است. فکر کردم، از آنجا که شاگردان بیشتر و بیشتری خواهند بود، موسیقی تمرین ما باید توسط مراکز انتشارات برای عموم دردسترس باشد. آن مشمول موضوع [قانون] کپی‌رایت بود. به این دلیل همزمان دو رویکرد را برگزیدم: اول اینکه، مسئله کپی‌رایت را با آهنگساز مطرح کردیم؛ دوم اینکه، از یک تمرین‌کننده آهنگساز خواستم تا یک قطعه مطابق با نیازمان برای موسیقی تمرین بسازد. من شخصاً با آن تمرین‌کننده صحبت کردم و به او گفتم چطور آن را انجام دهد، و بسیار به سرعت، او ساختن این موسیقی را تمام کرد. دو قطعه «جی‌شی<sup>۲</sup>» و «پودو» را ساخت. در همان زمان، آهنگساز موسیقی تمرینی که در اصل به کار می‌بردیم نیز در حال مطالعه فا بود، و بدون قید و شرط آن موسیقی را به دافا اهدا کرد. (تسویق) این قطعاً چیزی است که تقوایی بی‌نهایت به ارمغان می‌آورد. بنابراین فکر کردم آن واقعاً فوق‌العاده است. از این رو ما باید به استفاده از آهنگ اصلی تمرین ادامه دهیم زیرا همه ما هم‌اکنون با آن آشنا هستیم.

وقتی تمرین‌ها را انجام می‌دهیم بر [استفاده از] موسیقی اصلی باقی می‌مانیم، زیرا تغییر آن کمی بر روی همه اثر خواهد گذاشت. به این شکل نیازی نیست چیزی را که عالی است، جایگزین کرد. در عین حال، موسیقی جدید بسیار خوب ساخته شده است. هر کسی پس از گوش دادن به آن حس می‌کند که آن موسیقی عالی است؛ تنها مورد این است که آن بسیار موقر و مؤثر است. به خاطر موقر و تأثیرگذار بودن، به سادگی مردم را به گریه می‌اندازد و درون آنها را تکان داده و احساساتی می‌کند، و برای آنها سخت می‌سازد که در طول تمرین‌ها به سکون وارد شوند. به علاوه، فکر می‌کنم این قطعات موسیقی می‌تواند در طول کنفرانس‌ها یا دیگر فعالیت‌های دافا پخش شود؛ به علاوه، آنها توسط شاگرد دافای ما ساخته شده است، پس آنها موسیقی دافای ما هستند. لطفاً توجه کنید که ما هنوز باید از آهنگ اصلی برای انجام تمرین‌ها استفاده کنیم، زیرا این موسیقی هم‌اکنون اثری بسیار نیرومند بر شاگردان دارد.

**پرسش:** زمان انجام مدیتیشن بطور بارز در میان تمرین‌کنندگان متفاوت است. آیا پس از دستیابی به کمال تفاوت‌های مشابه هنوز وجود خواهند داشت؟

**معلم:** خیر. بدون توجه به اینکه چقدر بالا تزکیه کرده باشید، بدن تان پس از کمال دیگر بدنی نیست که توسط این بعد یا زمان بشری، یا هر عنصری از این بعد، محدود شود. بنابراین بدن شما در آن زمان وقتی مدیتیشن کنید اصلاً تحت تأثیر نخواهد بود - برایتان آسان خواهد بود چه در حال نشسته باشید یا دراز کشیده باشید.

**پرسش:** زمان برای تمرین تزکیه محدود است. بسیاری از مریدان نگرانند که شاید زمان کافی نباشد.

**معلم:** آن فکر درست نیست - آن نوع دیگری از وابستگی است. می‌توانید حسی از فوریت داشته باشید، که به عنوان نیروی محرکی برای رشد سریعتر و کمال فوری شما بکار گرفته می‌شود، اما اگر به این چیزها وابسته باشید، آن قطعاً یک مانع است. به جای آن، رشد شما را به تأخیر انداخته و تزکیه‌تان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین درباره هیچ چیز فکر نکنید، و صرفاً پیش بروید و خود را تزکیه کنید. تا زمانی که خودتان را تزکیه کنید، تضمین می‌شود که به سوی کمال در حرکت هستید. تا وقتی که از میان لحظات بحرانی بگذرید، کمال پیش روی شما است. در تزکیه‌تان، هر یک از شما ممکن است با چیزهایی مواجه شوید که به درون شما ضربه می‌زند، و گاهی حتی احساس آن کاملاً نیرومند است. برخی از آن چیزها شاید مستقیماً اطراف شما، بر بدن تان، یا در چیزهایی که با آن روبرو هستید، ظاهر نشوند. شاید در چیزهایی تجلی یابند که افراد دیگر می‌گذرانند، یا وقتی



دیگران از شما انتقاد می‌کنند، یا در حین برخی تضادهای دیگر. تمام اینها مجبور تان می‌کند که انتخاب کنید دافا را مطالعه کنید یا دافا را مطالعه نکنید، یا این فا را می‌خواهید یا نه. آنچه انتخاب می‌کنید دیده می‌شود. همه با این شرایط روبرو خواهند شد.

بنابراین، وقتی با این چیزها روبرو شده باشید، آن شما را آزمایش می‌کند که آیا می‌توانید به تزکیه ادامه دهید، و آیا می‌توانید بطور استوار در دافا تزکیه کنید. این مهم‌ترین است. باید روشن باشید که در طول روند تزکیه‌تان، در هر لحظه فرصتی به شما ارائه می‌شود که در آن آزمایش می‌شوید که آیا می‌توانید به کمال برسید یا خیر. شاید آن را نگذرانید زیرا نمی‌توانید در دافا محکم باشید، شاید آن را بگذرانید چراکه ایمانی محکم به دافا دارید- با عزم راسخ گذر خواهید کرد. چه موفق باشید چه شکست بخورید، پس از آن احساس می‌کنید آن چیزی نبوده، اما زمانی که در میان آن هستید فکر نمی‌کنید که چیزی نیست. به همین شکل، آن آزمایشی در رابطه با این است که آیا می‌توانید به سوی کمال حرکت کنید. این مهم‌ترین است. در واقع برای ما بسیار آسان است که انسان‌ها را از وابستگی‌های خاصی رها کنیم. وقتی مسلم شده باشد که این فرد قادر است به کمال برسد، می‌تواند زمان خود را برای رها شدن از وابستگی‌های باقی‌مانده‌اش صرف کند. به همین دلیل است که به همه شما می‌گوییم در مسیر تزکیه، شاید با این نوع موقعیت‌ها مواجه شوید. اینکه بتوانید به خوبی آنها را اداره کنید، اینکه بتوانید آنها را بگذرانید، همگی به خودتان بستگی دارد. بدون توجه به اینکه آن، چه کسی است که در میان بدبختی‌های مختلف است، بدون توجه به اینکه آن، چه کسی است که به درونش ضربه زده می‌شود، او را متزلزل می‌کند، تا نتواند با آرامش همیشگی با مسائل حاضر دست و پنجه نرم کند- اینها لحظاتی هستند که مردم را بیشتر آزمایش می‌کند.

*پرسش: آیا خوب است در حالی که صدای معلم را نگره می‌داریم، همزمان ترجمه زبان خارجی موسیقی تمرین را اضافه کنیم؟*

**معلم:** آن خوب است. اما حتی بهتر است که ترجمه همزمان را اضافه نکرد. اضافه کردن آن نیز اشتباه نیست، چراکه ممکن است برای شاگردان جدید مفید باشد. اما نوارهای سخنرانی من باید ترجمه همزمان داشته باشند، و این اکنون انجام شده است. صدای من باید آنجا در آن باشد. همانطور که همگی می‌دانید، صدای من به سادگی یک صدا نیست. به همین خاطر صدای من باید آنجا همراه صدای گوینده باشد. به این شکل، روند گوش دادن و کسب فا توسط شما مشابه شاگردان چینی خواهد بود که به زبان چینی من گوش می‌دهند.

*پرسش: وقتی کسی تا مرحله قراردهی گذر اسرارآمیز تزکیه می‌کند، آیا چشم سوم او باز می‌ماند؟*

**معلم:** چشم سوم برخی افراد باز می‌ماند، برخی نمی‌ماند. آن بستگی به فرد و شرایط خاص او دارد. شما نمی‌توانید به این وابسته باشید. شما صرفاً شنیدید که یکی از شاگردان غربی در سخنرانی خود گفت: «من نمی‌توانم چیزی ببینم، اما بطور محکم به این دافا باور دارم.» اینکه این شخص چقدر خوب تزکیه کرده است را کنار بگذاریم، آن کلمات او حقیقتاً برجسته بودند. (تشویق) رسیدن به کمال از راه روشن بینی- آن واقعاً قابل توجه است. البته نمی‌گوییم افرادی که می‌توانند ببینند برجسته نیستند. هر کسی شرایط خود را در تزکیه دارد. شما قطعاً هر چه را که باید ببینید، مجاز خواهید بود ببینید. تضمین می‌شود چیزی را که نباید ببینید اجازه داده نخواهد شد که ببینید. برخی افراد می‌خواهند ببینند، و این به خودی خود یک وابستگی است. بنابراین، چون این وابستگی را دارید مجاز نخواهید بود ببینید. برخی افراد فقط از طریق روشن بینی در فا می‌توانند به مکان‌های خود بازگردند، اما بر دیدن اصرار دارند. برای اینکه شما به کمال برسید، برای خاطر آینده شما، نمی‌توانیم اجازه دهیم ببینید، و این به نفع خودتان است.

تمام نظم و ترتیب‌هایی که برای شما به عنوان تزکیه‌کننده مهیا شده به نفع خودتان است. آنها قطعاً برای من، استاد شما نیستند. آنها همگی برای کمال شما ترتیب داده شده‌اند. (تشویق) بنابراین امیدوارم از تمام وابستگی‌های خود خلاص شوید- حتی یک ذره از آن را نگه ندارید. شخص بطور طبیعی و بدون در طلب بودن کسب می‌کند. وقتی یک آرزو دارید، آن یک وابستگی است. شما می‌توانید هر چه را که مردم عادی به دنبالش هستند رها کنید. آنچه شما می‌خواهید به دست آورید چیزهایی فوق‌العاده‌تر هستند که مردم عادی نمی‌توانند به دست آورند، و همانطور که شما همگی چیزهای مردم عادی را رها می‌کنید، چرا هنوز

می‌خواهید در طلب آن چیزها باشید؟ آیا به دنبال آنها نیستید تا در میان مردم عادی از آنها استفاده کنید؟ بی‌پرده بگویم، آیا هنوز به این چیزهای بی‌ارزش مردم عادی وابسته نیستید؟ البته، ممکن است فکر کنید، «چقدر خوب است اگر بتوانم در طول تزکیه چیزها را ببینم.» در پشت «چقدر خوب است»، احتمالاً یک وابستگی است. دلایل دیگری وجود دارد، و آن به سادگی آنچه در سطح نمایان می‌شود نیست. برای اینکه بطور واقعی در قبال شما مسئول باشم باید شما را از شر وابستگی‌هایی که در اعماق درون‌تان پنهان شده‌اند رها کنم.

*پرسش: من از اروپا آمدم. یک محنتی وجود دارد که خیلی از اوقات راه رفتن را برای من مشکل می‌کند. آیا در حال انجام کاری اشتباه هستم؟*

**معلم:** بسیاری از غربی‌ها از دویدن و باشگاه رفتن لذت می‌برند. برخی نیز پیاده‌روی را دوست دارند، فکر می‌کنند اینطور عمل کردن آنها را سالم نگه می‌دارد. آیا این چیزها مؤثر هستند؟ می‌توانند، در سطح بدن، برای دفاع در برابر بیماری‌های کوچک و نه چندان جدی، نقشی ایفاء کنند. ساده‌تر و دقیق‌تر بگویم، این عملکرد دفاعی، کارما را از برگشتن به سطح باز می‌دارد. این باعث می‌شود کارما در آنجا بماند. آن می‌تواند بطور موقت کارمای بیماری‌زا را از سطح بدن دفع کند. این نوعی از عملکرد دفاعی است که درباره آن می‌گوییم. اما برای تزکیه‌کنندگان، احتمالاً باید تمام کارمای بیماری‌زای انباشته شده شما را به سطح بیاوریم - تمام آن را به بیرون هل دهیم - و بطور حقیقی شما را بطور اساسی سالم و تندرست کنیم، شما را از کارما رها سازیم، و شما را پاک و خالص گردانیم. بنابراین این ممکن است با [عملکرد دفاعی] در تعارض باشد. شاید به همین خاطر است که به شما نمی‌گوییم آن کار را انجام دهید. تمرین تزکیه تنها راهی است که اجازه می‌دهد یک موجود به یک زندگی همراه با سلامتی واقعی دست یابد. پس اگر شما می‌خواهید از طریق راه رفتن به سلامتی برسید، صادقانه بگویم، این نشان می‌دهد که هنوز بطور محکم به دافا ایمان ندارید. فکر می‌کنید آنطور که پیاده‌روی می‌تواند، دافا قادر نیست باعث شود بدنی سالم بدست آورید. یا، شاید بیندیشید آنقدر عمیق درباره آن فکر نکرده‌اید و اینکه صرفاً از روی عادت برای قدم زدن می‌روید. آنوقت شاید این عادت شما بدون اینکه متوجه باشید تبدیل به یک وابستگی شود، و شما باید این وابستگی را بزدايید. ممکن است این پاک کردن وابستگی خود را یک محنت یا یک مانع تلقی کنید. پس چرا نمی‌توانید از زاویه‌ای دیگر به این نگاه کنید تا ببینید آیا آن زدودن برخی از وابستگی‌هایتان نیست؟ آیا بهتر نیست زمانی را که صرف دویدن در صبح یا شب می‌کنید، برای انجام تمرین‌ها از آن استفاده کنید؟ فکر می‌کنم وقتی که با مشکلاتی مواجه می‌شوید، اگر بتوانید درباره این فکر کنید که چه چیزی در سمت شما اشتباه است، آنگاه با سرعت تمام رشد می‌یابید. وقتی با سختی‌ها روبرو می‌شوید، خودتان را بررسی کنید، و احتمالاً مشکل را پیدا می‌کنید.

*پرسش: آیا وقتی مطالعه می‌کنیم نیز حالت سکون تمرین‌ها می‌تواند پدیدار شود، مانند اینکه بدن ناپدید می‌شود، فقط ذهن باقی می‌ماند که کتاب را می‌خواند؟*

**معلم:** ممکن است اتفاق بیفتد. زیرا این فا است، آن می‌تواند هر حالت را ایجاد کند. هر حالتی می‌تواند ظاهر شود.

*پرسش: برای شرکت در فعالیت‌های اشاعه فا موانعی ذهنی دارم. چه باید بکنم؟*

**معلم:** پس می‌گویید که نمی‌خواهید کارهای انتشار فا (هنگ فا) را انجام دهید. بنابراین سعی کنید علت ریشه‌ای چیزی که مانع شما می‌شود را پیدا کنید. در واقع، می‌توانم به همه شما بگویم: اینطور نیست که هر کدام از شما باید در فعالیت‌های انتشار فا شرکت کند، یا باید این یا آن کار را انجام دهد. ما شرایط این چنینی نداریم. من چنین الزاماتی برای شما ندارم. با این حال، به عنوان شاگردان، وقتی از [دافا] منفعت برده‌اید و آن را خوب یافته‌اید و می‌خواهید به اقوام خود، دوستان، و مردم بیشتری درباره این چیز خوب بگویید، آن عملی از نیکخواهی بزرگ است. آن از قلب شما می‌آید - خودتان می‌خواهید آن را انجام دهید. اگر نمی‌خواهید آن را انجام دهید، خودتان را اجبار نکنید. پس امیدوارم وقتی که آرزوی انجام آن را داشتید آنوقت پیش بروید و

انجامش دهید، زیرا ما درباره نیکخواه بودن صحبت می‌کنیم، و همگی می‌خواهیم چیزهای خوب را با دیگران به اشتراک بگذاریم. در این دنیا، هر چه به دیگران می‌دهید خیلی طولانی باقی نخواهد ماند. اگر به آنها پول بدهید فوراً آن را خرج می‌کنند، درست؟ مهم نیست چیزهایی که به دیگران می‌دهید چقدر خوب باشند، هیچ راهی نیست که بتوانند آنها را برای همیشه نگه‌دارند. وقتی فردی به این دنیا می‌آید، با هیچ چیز می‌آید، و وقتی ترک می‌کند، زیر زمین دفن می‌شود و همه چیزهای متعلق به او می‌پوسند. قادر نخواهید بود چیزی با خود ببرید، پس وقتی ترک می‌کنید نیز، هیچ چیز با خود نمی‌برید. چه چیزی می‌تواند دوام آورد؟ فقط فایده که به دیگران می‌دهید، برای همیشه دوام دارد، و به همین دلیل آن با ارزش‌ترین چیز است. پس به آنچه می‌گفتیم برگردیم، انجام کارهایی برای انتشار فایده‌مقدس‌ترین است. البته، نمی‌گوییم که همه باید این را انجام دهند - می‌گوییم نباید خود را اجبار کنید. اگر می‌خواهید آن را انجام دهید، پس انجام دهید؛ اگر نمی‌خواهید انجام دهید، نمی‌گوییم که اشتباه می‌کنید.

پرسش: برای کمک به غربی‌ها که فا را کسب کنند آیا بهتر است بگوییم فالون گونگ را بخوانند یا جوآن فالون را؟

**معلم:** این بستگی به شرایط محلی شما دارد. هیچ مقررات یکسانی نیست، و هیچ حکمی وجود ندارد. اگر فکر می‌کنید اگر اول فالون گونگ را به آنها بدهید کمک می‌کند بهتر بفهمند، پیش بروید و آن را انجام دهید. اگر احساس می‌کنید که شاگردان کیفیت مادرزادی کاملاً خوبی دارند و درک عمیق‌تری دارند، آنوقت برای شما خوب است که مستقیم جوآن فالون را به آنها بدهید بخوانند. یعنی، کارها را بر طبق وضعیت و شرایط فردی خودتان انجام دهید. آن بسیار ساده است، هیچ حکمی وجود ندارد.

پرسش: معلم گرامی، چگونه «سرشتی» که در «کوتاهی نداشتن در سرشت بودایی» ذکر کردید با «سرشت نیکخواه فطری» که در «سرشت بودایی»<sup>۳</sup> ذکر کردید ارتباط دارد؟

**معلم:** آنها به هم مربوط هستند، اما به یک شکلی هم غیرمرتبط هستند. به این خاطر که سرشت شما تجلی قلمرویی است که توسط سطح‌تان تعیین می‌شود. به کلام دیگر، آن یک تجلی از قلمروی در سطح شما است، یا، یک تجلی و تجسمی از استانداردهای دافا در قلمرو و سطحی است که ابتدا در آن به دنیا آمدید. آن می‌تواند خود را در طول تزکیه نشان دهد؛ یا همانطور که مداوماً در تزکیه خود بهبود می‌یابید، حالت‌هایی به‌طور مستمر به نمایش درمی‌آید که نتیجه‌ای از درک‌تان در سطوح مختلف است که به شکلی فزاینده عمیق‌تر می‌شود - آن سرشت شما است. اما ویژگی خودخواهی چیزی است که به تدریج در طول تاریخ بی‌نهایت طولانی جهان به آن آلوده شده‌اید. اگر کل گیتی و بدن‌های کیهانی از فایده منحرف شوند، آنوقت پدیده‌های یکسانی همه جا ظاهر خواهد شد، بدون اینکه هیچ موجودی در میان خودشان از آن باخبر باشد. آن درست مانند بودن در میان جریان مردم عادی است: هرچند اجتماع بشری تا چنین حد وحشتناکی منحرف شده است، موجودات در اینجا نمی‌توانند آن را حس کنند، و هنوز فکر می‌کنند همه چیز اینجا عالی است. طرز فکر یکسان است. پس، در تزکیه‌تان، نه تنها باید به سطوح در قلمروهای مختلف برسید و به سرشت خود بازگردید، بلکه همچنین باید از چیزهایی که در زمان‌های مختلف، سطوح مختلف، و در قلمروهای مختلف به آنها آلوده شدید رها شوید - باید تمام آن چیزها را پاک کنید. آنچه می‌خواهیم به شما بدهیم توانایی دست یافتن به پاک‌ترین قلمرو از زمان پیدایش آسمان و زمین است. (تشویق)

پرسش: به هنگام انجام تمرین پنجم، ما برای هر یک از سه حالت تقویت کردن بیست دقیقه زمان گذاشتیم، بنابراین با دستورالعمل شفاهی استاد متفاوت شد... [آیا این بدون اشکال است؟]

**معلم:** اگر بتوانید آن را طولانی‌تر از موسیقی تمرین انجام دهید، به عبارت دیگر، اگر قادر هستید تمرین‌ها را پس از پایان موسیقی ادامه دهید، می‌توانید پیش بروید و تمرین را ادامه دهید. چه موسیقی را بکار ببرید یا خیر یکسان است. ما به موسیقی گوش می‌دهیم تا جایگزین افکار آشفته شما شود؛ در غیر اینصورت انواع و اقسام افکار را خواهید داشت. درباره این فکر می‌کنید، درباره آن فکر می‌کنید... گذشته از آن، این موسیقی، موسیقی دافای ما است. معانی درونی و همینطور فای بودای باشکوه پشت

این موسیقی وجود دارد. بنابراین وقتی به موسیقی گوش می‌دهید، مانند این است که به موسیقی بودا یا صدای بودا گوش می‌دهید- آن چنین نقشی ایفا می‌کند. اگر بگویید می‌توانید به سکون دست یابید و افکار سرگردان نداشتید، آنوقت اگر به موسیقی گوش ندهید تفاوتی ندارد. اگر می‌توانید تمرین‌ها را برای زمان طولانی‌تری انجام دهید، آن نیز خوب است بدون گوش دادن به موسیقی این کار را انجام دهید.

*پرسش: رابطه بین وارد شدن به دینگ<sup>۴</sup> و رسیدن به سکون چیست؟*

**معلم:** سکون وقتی به دست می‌آید که آرام شوید و وقتی تمرین‌ها را انجام می‌دهید به چیزی فکر نکنید. وارد شدن به دینگ به این معنا است که قادر هستید دینگ شوید- وارد حالت «فراموش کردن قالب و فراموش کردن خود» شوید. اما باید آگاه باشید که شما در حال انجام تمرین هستید. «فراموش کردن قالب» وقتی است که احساس می‌کنید حتی بدن‌تان ناپدید شده است. «فراموش کردن خود» وقتی است که به هیچ چیز فکر نمی‌کنید به جز اینکه در حال انجام تمرین هستید. آن یک حالت خوبی است، و دینگ شدن یا وارد شدن به دینگ نامیده می‌شود.

*پرسش: پس از مدت زمانی طولانی تطابق با حالت اجتماع بشری عادی، بسیار آسان است که با این جریان رانده شد، اینطور نیست؟*

**معلم:** آن درست است. به همین خاطر است که گفتم تمام شاگردان بدون توجه به اینکه مبتدی یا قدیمی هستید باید برای تمرین به محل‌های تمرین بروید و در مطالعه گروهی شرکت کنید. آن محیط شما را پاک می‌کند، و بطور مداوم زبان، رفتار، و افکار و تصورات‌تان که توسط مردم عادی آلوده شده است را پاک می‌کند.

*پرسش: وقتی در طول تمرین‌ها بسیار ساکت است، اگر به ناگهان صدایی ایجاد شود، همیشه از ترس از جا می‌پریم.*

**معلم:** اشکالی ندارد. گفته‌های بسیاری در روش‌های دیگر هست، مانند اینکه مردم ممکن است واقعاً وحشت کنند و چی آنها از سرشان پایین نیاد، و مانند آن. ما این مشکلات را نداریم. اما همه- بدون توجه به اینکه چه کسی تمرین می‌کند- در موقعیت‌هایی قرار خواهند گرفت که صداهایی مزاحم‌تان می‌شود. صدای بوق از اتومبیل‌های دور، هیاهوی همسایه‌هایتان، و حتی صداهایی که ناگهان در خانه خودتان بلند می‌شود مزاحم شما خواهند شد، و هیچ کسی نمی‌تواند از آنها فرار کند. آن به این خاطر است که مردم کارما دارند، و جایی که کارما باشد محنت هست. اما آن زیاد طول نمی‌کشد. این پدیده اغلب در مراحل ابتدایی تمرین روی می‌دهد. زمانی در تزکیه‌تان این نوع پدیده‌ها از هستی بازمی‌ایستند.

*پرسش: ممکن استاد منشاء تمرین تزکیه را به ما بگویند؟*

**معلم:** اوه، آنچه شما می‌خواهید بدانید موضوع گسترده‌ای است. حتی بدن‌های کیهانی که در طول این روزگار [وجود دارند]، نخستین نیستند. شما هیچ تصویری از بی‌کران بودن مفهوم کیهان که من در حال صحبت از آن هستم، ندارید. مفهوم کیهان که شما تصور می‌کنید، یا اینکه من به شما می‌گویم- بدون توجه به اینکه چقدر بیکران است- هنوز درون یک گستره بسیار کوچک است. پس اگر می‌خواهید خاستگاه تزکیه را ردیابی کنید، آن غیرقابل تفکر و غیر قابل تصور است. به علاوه، آن برای شما بی‌معنا است، و ارتباطی با تزکیه‌تان ندارد.

*پرسش: آنچه معلم اشاعه می‌دهند فای کیهان است. پس چرا بهشت فالون در سطحی بالا نیست؟*

**معلم:** چرا بهشت فالون باید در سطحی بالا باشد؟ همانطور که گفته‌ام، و باید تکرار کنم: من به عنوان یک موجود بشری اینجا نشسته‌ام، پس مرا یک موجود بشری در نظر بگیرید. درست مانند شما، نیاز دارم بخورم و بخوابم. البته، هر موجودی سرمنشاء

خود را دارد. من نیز سرمشء خود را دارم. آخرین منزلگاه پیش از اینکه برای انجام این [کار] به اینجا بیایم، بهشت فالون بود. بنابراین، فراتر از بهشت فالون، شاید [در بهشتی] مانده باشم یا بهشت‌های دیگری در سطوح حتی بالاتر ایجاد کرده باشم. درباره این نگران نباشید- ذهن‌تان را روی این [مسئله] نگذارید.

پرسش: خدایان در سطوح بالا تصویر یک بدن انسانی را ندارند. پس آیا تفاوت بین بوداها و داتوها هنوز آنجا در میان خدایان وجود دارد؟

**معلم:** به یاد می‌آورم که در یک دست‌نوشته درباره این نوشته‌ام: کیهان واقعاً بسیار وسیع است. امروز درک مردم از «بودا»، اینکه چگونه سابقاً «بودا» را درک می‌کردید، بسیار محدود است. در حقیقت مفهوم «بودا» واقعاً گسترده است. اما با وجود اینکه آنقدر گسترده است، هنوز از دامنه‌ای بسیار بزرگ در کیهان فراتر نمی‌رود. مفهوم «دائو» نیز نمی‌تواند کیهان وسیع را دربرگیرد. بنابراین می‌توان گفت آنها در فراتر از سطح خاصی از هستی باز می‌ایستند. اما من انتخاب کردم که تصویر یک بودا را داشته باشم؛ قبلاً تصویر هیچ بدنی را نداشتم- این موضوعی بسیار سطح بالا را به شما می‌گوید. قبلاً ذکر کرده‌ام که من انتخاب کردم تصویر یک بودا را داشته باشم، و اینکه فای کیهان را از نقطه‌نظر مدرسه بودا آموزش می‌دهم. در حقیقت، من تمام تصویرها را دارا هستم. فکر می‌کنم اگر کتاب را زیاد بخوانید، درباره این خواهید دانست. درباره این قبلاً صحبت کرده‌ام.

پرسش: ما مریدان شما هستیم. پس از اینکه به کمال برسیم، آیا قادر خواهیم بود که بدانیم استادمان در بالاترین و بلندترین سطح هستند؟

**معلم:** برخی خواهند دانست، اما آن تمام چیزی است که خواهند دانست. برخی نخواهند دانست، زیرا چیزهای بالاتر از شما برای‌تان آشکار نخواهد شد- هیچ یک از آن چیزها را نخواهید دانست. پس در تصور شما چیزی در بالاتر وجود نخواهد داشت. وقتی به سطوح زیر خود نگاه کنید همه چیز را در یک نگاه خواهید دید؛ هر چیزی درست در پیش چشمان‌تان به نمایش درمی‌آید، اما بالاتر از شما هیچ چیزی نخواهد بود. حالتی که در آن قلمرو ظاهر می‌شود چیزی نیست که اکنون بتوانید درک کنید. اگر چه اصول فا آنجا در آن بالا وجود دارد و در مورد چیزها در سطحی بسیار بالا صحبت کرده‌ام، اما هنوز در حال استفاده از زبان بشری هستیم. در آن زمان، اصول فا که خواهید دانست و خواهید شنید قطعاً به زبانی نخواهد بود که اکنون برای آموزش بکار می‌برم. تمام افکار‌تان تغییر می‌کند، و اینطور به نظر‌تان می‌آید که هیچ چیزی بالاتر از شما وجود ندارد. فکر خواهید کرد شاید چیزهایی در سطوح بالاتر وجود داشته باشد و اینکه شاید حداقل معلم آنجا آن بالا هست، اما فقط همین است. و حتی آن افکار ضعیف خواهند بود. دلیل این است، آن چیزها بوسیله مقام دستیابی شما تعیین خواهد شد، توسط سطح‌تان تعیین خواهد شد. وقتی تا آن سطح تزکیه کرده باشید، بر سطوح زیرین خود قدرت کامل خواهید داشت. اما در مورد سطوح بالاتر از خودتان، اصلاً قدرتی نخواهید داشت.

پرسش: آیا حتماً ضروری است که نماد بزرگ فالون را در نمایشگاه سلامتی به نمایش بگذاریم؟

**معلم:** شاگردان از روی عشق عمیق خود به دافا در نمایشگاه سلامتی شرکت می‌کنند، چراکه می‌خواهند بگذارند مردم بیشتری فا را بدست آورند. در مورد اینکه آیا باید نشان فالون را به نمایش بگذاریم [یا خیر]، با استفاده از عقاید بشری به آن فکر نکنید. ضمناً، همیشه پیشنهاد داده‌ام که ما وقتی این کارها را انجام می‌دهیم شرایط و مقتضیات خاص را در نظر می‌گیریم. در هر موردی نباید به افراط برویم. به‌خاطر اینکه در تزکیه از شکل‌های اجتماع بشری عادی استفاده می‌کنیم، باید در تزکیه خود تا بیشترین حد در تطابق با مردم عادی باشیم. درک شما از این کلمات نباید صرفاً در مواجهه با شیوه تزکیه باشد، بلکه همچنین در فعالیت‌های انتشار فا، در تمرین‌تان، و در تمام رفتار‌تان [نیز باید] باشد. فقط آنوقت است که مردم بیشتری قادر به درک شما خواهند بود، و فقط آنوقت کمک خواهید کرد مردم بیشتری فا را کسب کنند. باعث نشوید مردم فکر کنند کارهای مذهبی یا

کارهای خرافی انجام می‌دهید که سبب شود قادر به درک شما نباشند. اگر این عاملی باشد که مانع مردم برای کسب فاشود، آن خوب نیست. بنابراین هر کاری را باید درست انجام دهیم - وقتی به این می‌رسد باید معقول باشیم.

پرسش: بعد از اینکه مریدان به کمال برسند، آیا قادر خواهند بود استاد را ببینند؟

**معلم:** شما به کمال نرسیده‌اید و پیشاپیش درباره چیزهای بعد از کمال فکر می‌کنید. پس باید تمرکز خود را اکنون بر تزکیه بگذارید. قبلاً درباره این به شما گفتم: من می‌توانم در هر قلمرو و سطح تجلی یابم. من تصویر بدن کامل تمام سطوح را از بالا تا پایین دارم از جمله سطح بشری - این چیزی نیست که شما بتوانید درک کنید. هر زمان بخواهم می‌آیم. یادم می‌آید که شعری نوشتم: «گنبد آسمان فاصله‌ای بی‌نهایت دور است، اما فقط با یک فکر // آن درست پیش چشم است...» بدون توجه به اینکه چقدر می‌تواند وسیع باشد، برای موجودات در سطوح مختلف غیرممکن است بالاتر از سطوح خودشان بروند. برای رفتن به سطوح زیرین آنها، توسط فاصله‌های زمانی، دیواره‌های جداگر وجود دارند - یعنی، [موضوع] زمان را شامل می‌شود، آن زمان می‌برد. اما برای من، استادان، هیچ مفهوم زمانی مانع‌آم نمی‌شود. البته، این چیزی نیست که بتوانید اکنون درک کنید.

پرسش: معلم گرامی، چرا شما برای نجات ما باید چندین بار بر روی زمین باز پیدا می‌شدید؟

**معلم:** زیرا تمام افرادی که اینجا نشسته‌اند موجودات بشری نیستند، و همه آنها در یک دوره زمانی یکسان به زمین نیامدند. اگر فقط یک بار باز پیدا می‌شدم، آنوقت آنهایی که بعداً می‌آمدند، و راهی برای بناکردن رابطه‌ای تقدیری با من نمی‌داشتند چه می‌شدند؟ عوامل بسیار بسیار پیچیده‌ای در آماده‌سازی برای این رویداد در کار بودند. همچنین، من در کشورهای مختلف و قومیت‌های مختلف باز پیدا شده‌ام. زندگی‌های زیادی پیش از این، شاید امپراتور، پادشاه، ژنرال، یک راهب، یک دانشمند، یا یک جنگجو در کشور شما بوده‌ام. (تشیویتی) این را شوخی در نظر بگیرید. آنچه می‌گویم درباره رابطه‌های تقدیری است.

پرسش: آب دریا قطرات اشک یک بودا است. لطفاً به ما بگویید چرا قطرات اشک یک بودا در بعد ما متجلی می‌شود؟

**معلم:** آن درست مثل این است که خدایان در بهشت‌ها می‌توانند به زمین سقوط کرده و موجودات بشری شوند. باید قادر باشید این را درک کنید. آب دریا یک قطره از اشک‌های بودا بود. اگر این آب دریا را به آسمان ببرید، آن بودا هرگز آن را قبول نخواهد کرد، زیرا بسیار کثیف است.

به عبارت دیگر، آن ماده‌ای از این قلمرو شده است.

پرسش: من هنوز بچه هستم. والدینم اجازه نمی‌دهند تمرین تزکیه را انجام دهم. باید چه کار کنم؟

**معلم:** اگر اکنون به اندازه کافی رشد کرده‌اید که چیزها را درک کنید، باید برای خود تصمیم بگیرید. اینکه تزکیه کنید یا خیر به خودتان بستگی دارد. اگر واقعاً می‌خواهید تزکیه کنید، فکر نمی‌کنم مانند این باشد که به حد رشد رسیده‌اید و والدین‌تان برای شما مانع درست کنند. نکته کلیدی این است که آیا مصمم هستید. هر کسی در آغاز تزکیه با محنت‌هایی روبرو خواهد شد، و هر کسی موانعی خواهد داشت. دیروز یک شاگرد ذکر کرد که می‌خواست در یک کنفرانس فاش شرکت کند، اما مدرسه در را برای او باز نمی‌کنند از این رو نتوانسته آدرس را که آنجا جامانده بود بردارد. آن مانع او بود. هر کسی برای کسب فاش با موانعی مواجه خواهد شد، اما تجلی این موانع کاملاً ناچیز هستند [در مقایسه با اتفاقی که می‌توانست بیفتد]. اگر حتی از پس این موانع کوچک برنیایید آن یک مسئله است. فاش چیزی نیست که صرفاً بتوانید کسب کنید. هر چند همگی اینجا نشسته‌اید، اما نمی‌دانید چقدر برای این فاشکاری کرده‌اید تا این رابطه تقدیری را بنا کنید، از جمله در دوره‌های مختلف تاریخ - نمی‌دانید از میان چندین محنت گذر کرده‌اید تا آن را بدست آورید. برخی از آنها را می‌دانید، برخی را نمی‌دانید. لحظه‌ای که با فاش روبرو شدید به نظرتان

کاملاً طبیعی بود، در حالیکه در حقیقت تلاش بسیار زیادی صرف شده است تا زمان و مکانی که فا را کسب می‌کنید نظم و ترتیب داده شود. شما درباره آن چیزها نمی‌دانید.

پرسش: یک شاگرد [دافا] در پکن برای ترجمه کتاب‌های دافا یک کتاب راهنمای چینی-انگلیسی نوشته است. باید با این چه کار کنیم؟

معلم: باید اینطور بگویم: او می‌خواهد کار خوبی برای دافا انجام دهد، اما این کتاب مطلقاً نمی‌تواند منتشر شود، زیرا هیچ یک از اصطلاحات در دافا نمی‌تواند در اصطلاحات بشری عادی تعریف شود. همانطور که می‌دانید، تمام کتاب‌های دافا، فایه هستند که آموزش داده‌ام - آنها تماماً کلمات من هستند. شخصاً تمام کتاب‌هایی که منتشر شده‌اند را ویرایش کردم. بدون ویرایش یا موافقت من، مطالب نمی‌توانند منتشر شوند، آنها مطالب من نیستند، و به دافا تعلق ندارند. هیچ کسی نمی‌تواند مطالب را آنطور که می‌خواهد جمع‌آوری کند. درباره این قبلاً صحبت کرده‌ام. البته، نیت این شاگرد خوب بود. ما باید آن مطالب را پس بدهیم.

پرسش: بدن بشری در این چرخه بهترین است، و هرکسی آن را می‌خواهد. آیا این با نظم و ترتیب برای اصلاح فا ارتباط دارد؟

معلم: بدن بشری در این چرخه بهترین نیست. می‌دانید، بدن بشری در اعصار میانی این کیهان بهترین بود. به اعصار میانی این تمدن بشری اشاره نمی‌کنم. این چیزی نیست که بتواند در افکار شما بگنجد، بنابراین خیلی درباره این چیزها فکر نکنید.

پرسش: افکارم توسط چیزهای بد زیادی کنترل شد، و خواندن کتاب و مطالعه فا به نظر نمی‌رسد کمکی کرده باشد. آیا استاد هنوز مرا نجات خواهند داد؟

معلم: باید از دو زاویه به این نگاه کنم. اگر شما یکی از آن افرادی باشید که در دست‌نوشته اخیر نام بردم، که مرا قبلاً به عنوان استاد خود در نظر نگرفتند، یا اگر تماماً توسط آن چیزها کنترل شده باشید، مانند آنچه در آن دست‌نوشته توضیح داده شده است - یعنی، شما در حال تمرین فقط در یک راه تزکیه نبوده‌اید - آنوقت باید خودآگاه اصلی خود را قوی نگه‌دارید، و بدون توجه به اینکه چه اتفاقی می‌افتد تحت تأثیر قرار نگیرید. نگران نباشید اگر چیزی در حال تکان خوردن است، یا اگر جایی احساس درد وجود دارد، فقط پیش بروید و مطالعه کنید و تزکیه کنید و استوار باشید، و همه چیز تغییر خواهد کرد. به عنوان یک تزکیه‌کننده، وقتی در بدن خود احساس ناراحتی می‌کنید، آیا این به خودی خود چیز خوبی نیست؟ اگر تزکیه نکرده باشید، آن چیزهای بد در بدن‌تان به حرکت در نمی‌آمدند. نوشتن و انتشار آن دست‌نوشته برای این بود که به شما فرصتی دیگر داد. اگر هنوز نمی‌خواهید تغییر کنید این فرصت را از دست خواهید داد. چرا بدن‌تان تا این درجه تغییر کرده است؟ آن به خاطر خود شما است. باید از میان این شرایط جاری خود را آگاه سازید. ممکن است فکر کنید: «به محض اینکه پشیمان شوم، استاد فوراً همه چیز را برایم تغییر می‌دهند.» آن عملی نیست - این تزکیه نیست.

تمرین تزکیه جدی است. در روند مستمر تقویت اراده خود، مطالعه مستمر فا، و عمیق کردن مداوم درک‌تان، به تدریج تغییر خواهید کرد. قبلاً، شما بطور حقیقی در دافا تزکیه نکردید. اگرچه کتاب را می‌خواندید، هدف‌تان از خواندن این بود که بدن‌تان تنظیم شود یا از شر چیزی که محنت در نظر می‌گرفتید خلاص شوید. من فا را اشاعه دادم تا مردم را نجات دهم، تا آنها را قادر کنم از طریق تزکیه به کمال برسند. آن برای این نبود که برخی بحران‌ها را برای مردم حل کنم، بیماری‌های افراد را درمان کنم، یا از شر چیزهایی که مردم بد در نظر می‌گیرند خلاص‌شان کنم. بنابراین فقط وقتی شما واقعاً بخواهید تزکیه کرده و باوری استوار به دافا داشته باشید همه چیزتان تغییر خواهد کرد. اگر فقط برای آن چیزها دافا را مطالعه می‌کنید، چیزی کسب نمی‌کنید. چرا! اینطور نیست که ما برای مردم نیک‌خواهی نداریم. به این دلیل است که آنچه ما مراقبت می‌کنیم شاگردان و تزکیه‌آنان است، درحالی‌که مردم در نهایت باید کارمایی که ایجاد کرده‌اند را بازپردازند. (تشویق)

پرسش: استاد، لطفاً ما را آگاه کنید که علت نهفته در واکنش‌های متفاوت نسبت به دافا توسط موجودات سطوح مختلف کیهان چیست؟

**معلم:** این اصلاً ارتباطی به تزکیه شما ندارد. همچنین من نمی‌توانم این اسرار آسمان را برای شما فاش کنم. اجازه دهید به شما بگویم: کل کیهان در طول یک دوره زمانی طولانی از قانون بزرگ کیهان منحرف شده است، و از آنجا که همه چیز منحرف شده است، هیچ کسی نمی‌داند که خودش منحرف شده است. فقط زمانی می‌تواند بفهمد که اصلاح شده باشد. این درست مانند موجودات بشری است، مانند تزکیه‌کنندگانی که امروز اینجا نشسته‌اند: وقتی برمی‌گردید و به آن مردم عادی نگاه می‌کنید، خواهید دید که چقدر بد شده‌اند. اما قبل از اینکه تزکیه را شروع کنید، اصلاً آن را حس نمی‌کردید. آن همین ایده است. انواع مختلفی از توهم در قلمروهای مختلف وجود دارد.

پرسش: از امروز به بعد و برای میلیاردها سالی که می‌آید، آیا تمام موجودات باید این را در ذهن داشته باشند که همیشه به درون نگاه کنند؟

**معلم:** این حالت یک موجود بشری در حال تزکیه است، برای خدایان صدق نمی‌کند. هدف از وجود یک موجود تزکیه نیست، صرفاً روشی است که مردم با آن خود را ارتقاء می‌دهند. چطور می‌توانست ممکن باشد برای تصور امور خدایان روش فکری انسان را به کار برد؟ مطلقاً یکسان نیست. موجودات بشری... دلیل اینکه گفته‌ام من بخش بشری شما را گرامی می‌دارم این است که می‌توانید تزکیه کنید - این موجودات بشری نیستند که من گرامی می‌دارم. برای خدایان، انسان‌ها کثیف هستند. حتی برای من، [قلمروی] بشری چیزی بیش از پایین‌ترین سطح - هرچند ضروری - از کیهان نیست. به همین خاطر [گفتم که] افکار شما همیشه با قلمروی انسانی محدود شده است، اینطور و آنطور فکر کردن درباره انسان‌ها و بکار بردن تفکر بشری برای تصور درباره خدایان، اما نمی‌توانید آن را اصلاً تصور کنید؛ آن مشابه خدایان است که هیچ‌گونه افکار بشری ندارند.

پرسش: چرا مردمی که نیت‌های پاک ندارند وقتی برای یادگیری فا می‌آیند هنوز بیماری‌هایشان می‌تواند شفا یابد و وضعیت سلامتی آنها بهبود یابد؟ چرا هنوز بخت و اقبال خوب دریافت می‌کنند؟

**معلم:** به این دلیل که آن تجلی دافا در پایین‌ترین سطح است. به این خاطر که فای کیهان به منظور تزکیه انسان‌ها نیست - آن محیط‌های زندگی مختلف را برای موجودات در سطوح مختلف خلق می‌کند. شما با تجلی فا در این سطح، پایین‌ترین، وضعیت بشری، و در محیط زندگی انسان‌ها در تماس بوده‌اید. البته، انسان‌ها تزکیه نمی‌کنند، انسان‌ها فقط انسان هستند. بهترین شرایط برای انسان‌ها این است که از بیماری رها باشند، تندرست باشند و بخت و اقبال خوب داشته باشند. از آنجایی که با فا در تماس بوده‌اید، تمام اینها را می‌توانید دریافت کنید.

پرسش: استاد، شما گفته‌اید: «وقتی دافا خود را برای بشریت آشکار می‌کند، اینها تنها چیزهایی نیستند که از دست خواهید داد.»

**معلم:** آن درست است. این کیهان چقدر وسیع است! حتی خدایان در سطوح مختلف و قلمروهای مختلف اگر قوانین آسمان را نقض کنند سقوط خواهند کرد. در طول دوره زمانی طولانی، وقتی آنها بد شده‌اند و نمی‌توانند در قلمروهای خود بمانند، به قلمروهای پایین‌تر می‌افتند. برخی به‌طور خاص بد می‌شوند و به سطح بشری فرو می‌افتند. برخی حتی بدتر از انسان‌ها می‌شوند، بنابراین حتی این فرصت را ندارند که انسان باشند، و حتی ممکن است نابود شوند. آنوقت برای موجودات بشری، آن حتی بدتر است. به عبارت دیگر، «اینها تنها چیزهایی نیستند که شما از دست می‌دهید» - به این معنا است. فا تا این اندازه در دنیای بشری تجلی یافته است - اکنون شما در حال تزکیه هستید - آن هنوز به مرحله‌ای نرسیده که قدرت خود را در دنیای بشری آشکار کند. وقتی آن حقیقتاً در دنیای بشری ظاهر شود، زمانی است که فای دنیای بشری را اصلاح می‌کند. در آن زمان، این مسئله وجود خواهد داشت که افراد فاسد شده گوناگون پاکسازی می‌شوند. اینکه کجا می‌روند بستگی دارد در چه جایگاهی خود را قرار دهند.



پرسش: یک ضرب‌الاجل برای تمرین تزکیه وجود دارد. اگر تا موعد مقرر تزکیه را کامل نکرده باشیم...

**معلم:** اینطور فکر کردن چه کاری از پیش می‌برد؟ بارها این نکته را تأکید کرده‌ام: فکر کردن درباره آن، یک وابستگی است. آن را رها کنید و درباره آن فکر نکنید. زمان داده شده به شما برای تزکیه قطعاً کافی خواهد بود، اما عملی نیست اگر نهایت استفاده را از زمان نکنید. اگر بگویید: «آنوقت اجازه دهید سر فرصت تزکیه کنم. آیا زمان به قدر کافی خواهیم داشت؟» نه، نخواهید داشت، زیرا فا بوقار است.

پرسش: خون یک تزکیه‌کننده بسیار گرانبها است. چطور می‌تواند توسط پشه‌ها مکیده شود؟

**معلم:** آیا می‌دانید در طول تزکیه وقتی کارمای تان بیرون رانده می‌شود خون تان چقدر کثیف است؟ آیا می‌دانستید آنچه پشه‌ها می‌مکند چیزی کثیف است؟ البته، در تزکیه ما، وقتی بدن‌هایمان تندرست‌تر و سالم‌تر شده و از بدن‌های مردم عادی بهتر و بهتر می‌شود، هنوز می‌تواند آن اتفاق بیفتد. فرض کنید که پشه یک زندگی بوده که قبل از این دوره زندگی آن کشته‌اید - آیا نباید آن را باز بپردازید؟ اما آنچه مکیده می‌شود قطعاً چیزی گرانبها نیست. همیشه به این نگاه نکنید که شما چگونه آسیب دیده‌اید. چرا درباره این فکر نمی‌کنید که چگونه آن بدهی‌های کارمایی که بدهکار هستید را باز بپردازید؟ برخی افراد مردم بسیار زیادی را در زندگی‌های قبلی خود کشته‌اند، و کارهای بد بسیاری انجام داده‌اند. حالا امروز می‌خواهند تزکیه کنند و حتی نمی‌گذارند پشه‌ها آنها را نیش بزنند؟ صرفاً می‌خواهید اینجا را ترک کنید گویی اتفاقی نیفتاده است؟ آن چگونه عملی است؟ اگر واقعاً خوب تزکیه کرده باشید یا کارمای بسیار اندکی داشته باشید، خواهید دید که پشه‌ها نمی‌توانند نزدیک شما شوند - آنها افراد در اطراف شما را نیش می‌زنند اما با شما کاری ندارند. به این خاطر که وقتی کارمای سیاه در بدن تان نداشته باشید، پشه‌ها جرأت نمی‌کنند به درون این نوع از محیط مثبت و پاک (یائگ) وارد شوند. پشه‌ها می‌توانند وقتی بیابند که محیط منفی (بین) باشد، که مناسب آنها است، و آن را دوست دارند. فقط وقتی خون شما مطابق استاندارد آنها باشد دوست دارند آن را بمکند. اگر خون تان پاک باشد، پشه‌ها واقعاً آن را دوست ندارند. آیا اینطور کار نمی‌کند؟ (تشویق)

پرسش: از آنجایی که تمام مواد در بعدهای دیگر یک وجود واقعی دارند، چرا یک مسئله تبدیل با نیت ذهنی وجود دارد؟

**معلم:** آن درست است، اما خیلی وارد جزئیات نشوید. گفته‌ام که حتی افکار مردم ماده است. آنچه فکر می‌کنید می‌تواند تجسم مادی یابد و کلمات شما، آنچه می‌گویید یک شکل دارد. فقط اینطور است که شما نمی‌توانید آن را ببینید. هر چیزی وجودی مادی دارد. ماده در نظر انسان‌ها متفاوت از ماده نزد خدایان است. شکل‌های وجود ماده که توسط انسان مشاهده می‌شود واقعی نیست، و آنها ساکن نیستند. آن تجلی حقیقی هستی جهان است. افکار بشری بسیار فاسد شده است - آنچه فکر می‌کنند تماماً چیزهایی شرور، شیطانی، نامهربان، خودخواه، پر از طلب و احساسات (چینگ)، و غیره هستند. به همین خاطر است که آنچه آنها به آن فکر می‌کنند همگی نمودهایی کاذب دارند. شما همگی همیشه بسیار محدود فکر می‌کنید. چرا گفته شده است که خرد یک بودا بی‌کران است؟ او متفاوت از شما فکر می‌کند، ظرفیت او عظیم است، و به چیزها فقط از یک جنبه فکر نمی‌کند.

پرسش: من یک شاگرد غربی هستم، احساس می‌کنم که «عشق» به نظر می‌آید جای خود را در جوان فالون از دست داده است.

**معلم:** بگذارید به شما بگویم، عشقی که عیسی، مریم مقدس، و یهوه درباره آن صحبت کردند «عشقی» نیست که توسط موجودات بشری درک شد - آن سی‌بی<sup>۵</sup> است. از آنجا که نوع بشر امروزه کلمه سی‌بی را در زبان غربی ندارد، مردم نسل‌های بعد کلمه «عشق» را به جای آنچه خدایان گفتند بکار بردند. این نوع از عشق، از نظر خدایان، کثیف است، درحالی‌که سی‌بی مقدس است. به خاطر عشق، انسان‌ها در تمایلات جنسی غوطه‌ور شدند. به خاطر عشق، مردم در رفتارهای جنسی منحرف و گناه‌آمیز غرق شدند. به خاطر عشق، انسان‌ها کارهای بد بسیاری انجام می‌دهند و کارهایی انجام می‌دهند که خدایان نمی‌توانند تحمل کنند. عشق جنبه‌ای دارد که بشریت آن را خوب در نظر می‌گیرد، که شامل کمک به یکدیگر است. همزمان، آن جنبه‌ای بد و

منفی دارد. سی‌بی، از سویی دیگر، کاملاً خوب است. پس عشقی که خدایان غربی در گذشته گفته‌اند، دوباره بطور واضح می‌گوییم، سی‌بی نامیده می‌شود، و نه عشقی که مردم در این دنیای بشری از آن حرف می‌زنند. زیرا هیچ مفهومی از سی‌بی در فرهنگ شما وجود ندارد. نیاکان شما از کلمه «عشق» استفاده کردند تا حرف خدایان را ثبت کنند، همین.

پرسش: برای غربی‌ها، «تسخیر روح» بسیار عجیب است و درک آن دشوار است. چگونه می‌توانیم «تسخیر روح» را به روشنی برای غربی‌ها توضیح دهیم؟

**معلم:** بازپیدایی چیزی است که در غرب نیز وجود دارد. این چیزی است که انسان نمی‌تواند از آن بگریزد. صرفاً اینطور است که عیسی فقط درباره جهنم صحبت کرد و اشاره‌ای به بازپیدایی نکرد. عیسی ذکر کرد که مردم گناहانی داشتند، اما فاش نکرد که دلیل گناهکار بودن مردم این بود که کارما داشتند. این به خاطر تفاوت در فرهنگ‌های بشری است. در مورد تسخیر روح، اینطور نیست که آن در فرهنگ غربی وجود ندارد. آیا به یاد می‌آوردید که کتاب انجیل داستان‌هایی دارد که عیسی روح‌هایی که مردم را تسخیر می‌کردند بیرون می‌آورد؟ آنها در انجیل ثبت شده است. آن روح‌ها گفتن: «این ربطی به تو ندارد عیسی، این هیچ ارتباطی با تو ندارد.» اما عیسی بر بیرون راندن آنها اصرار داشت. با قضاوت بر این اساس، شما فرهنگ خودتان را کاملاً درک نمی‌کنید.

پرسش: «وقتی ضربه می‌خورید ضربه نزنید؛ وقتی توهین می‌شوید توهین نکنید.» می‌توانیم این را بگوییم: «آنچه انجام می‌دهی درست نیست؟»

**معلم:** برای تزکیه‌کنندگان، اینطور عمل کردن «وقتی ضربه می‌خورید ضربه نزنید؛ وقتی توهین می‌شوید توهین نکنید» مناسب‌ترین راه اداره آن است. دلیل این است، وقتی یک شخص شما را می‌زند و به شما دشنام می‌دهد، همیشه در نتیجه مجادله و کشمکش است. اگر به او بگویید: «نباید مرا بزنی»، شاید کمی بیشتر شما را بزند. اگر برای او دلیل و برهان بیاورید آنوقت خود را با او درون یک جدال قرار می‌دهید. چیزها فقط وقتی تمام می‌شود که شما هیچ توجهی به او نکنید. بنابراین، «وقتی ضربه می‌خورید ضربه نزنید؛ وقتی توهین می‌شوید توهین نکنید» مناسب‌ترین راه را بیان می‌کند. (تسویق) ما افرادی را داریم که می‌توانند این را انجام دهند. می‌گوییم که آنها واقعاً خوب تزکیه می‌کنند، اصلاً بد نیست. برخی افراد قطعاً می‌دانند: «وقتی مرا می‌زنی، تو را نمی‌زنم؛ وقتی سر من داد می‌زنی، سر تو داد نمی‌زنم.» اما هنوز در اعماق درون احساس آشفتگی می‌کنند و هنوز می‌خواهند چند کلمه اضافه کنند: «تو نباید مرا بزنی.» آن به این خاطر است که هنوز در اعماق درون آن را رها نکردید، و هنوز نمی‌خواهید آن قرضی که به او بدهکار هستید را بپردازید، یا حتی وقتی آن را باز می‌پردازید هنوز تمایلی ندارید در قلب‌تان آن را آنجا رها کنید. بنابراین هنوز می‌خواهید یک کلمه دیگر اضافه کنید تا خود را راحت کنید. البته، آنچه می‌گوییم تاحدی منطقی به نظر می‌آید. می‌خواهم پرسم: شاگردان غربی و سیاه‌پوست من، وقتی به این روش صحبت می‌کنم آیا می‌توانید درک کنید؟ (تسویق) خوب است، متشکرم.

پرسش: شغل من تدریس فلسفه و ادبیات است. فکر می‌کنم فلسفه و ادبیات برای جامعه بشری ارزشمند است.

**معلم:** به همه می‌گوییم، در تزکیه ما باید تا حداکثر ممکن با جامعه بشری مطابقت داشته باشیم. شما باید هر شغلی که قرار است انجام دهید را ادامه دهید، و اشتباه نمی‌کنید، زیرا کار شما از تزکیه جدا است، و فقط اینطور است که شین‌شینگ شما در نحوه انجام کارتان منعکس می‌شود. همه خواهند گفت که شما خوب هستید و اینکه افرادی که دافا را تزکیه می‌کنند بسیار خوب هستند، زیرا به خوبی عمل کردند. در مورد اینکه [فلسفه و ادبیات] در آینده چه جایگاهی خواهند داشت، خوب، حتی تمام کیهان از فاجعه منحرف شده است، بنابراین به جز دافا در اجتماع بشری کجا دیگر یک قطعه سرزمین پاک وجود دارد؟ کجا دیگر مکانی پاک وجود دارد؟ نمی‌خواهم درباره چیزهای آینده صحبت کنم. در هر صورت، هر چیزی در جامعه بشری فاسد شده است. شاید آنهایی که نمی‌توانند در آینده خوب باشند پاکسازی شوند، و این فقط به انسان‌ها محدود نمی‌شود. برای الان صرفاً پیش بروید و

به کارتان ادامه دهید، زیرا اصلاح فاهنوز به این مرحله بشریت نیامده است. اکنون فقط اینطور است که فادر حال نجات شما است.

**پرسش:** مسائل در خانواده من به خوبی پیش نمی‌روند، که سبب شده والدینم نسبت به دافا بی‌احترامی کنند. آیا من کارما ایجاد می‌کنم؟

**معلم:** نباید به این شکل به آن نگاه شود. باید از دو جنبه به آن نگریده شود. اولین احتمال این است که کارمای خودتان سبب آن شده است. احتمال دوم این است که شما وابستگی‌های خود را در تزکیه از بین نبرده‌اید. هر دو دلیل وجود دارد، اما همچنین به خاطر عدم درک کافی افراد مختلف از دافا موقعیت‌های متفاوتی ظاهر می‌شود.

**پرسش:** برخی مسیحیان به مسیر شش‌گانه بازپیدایی باور ندارند.

**معلم:** آیا عیسی نگفت که اگر مردم کارهای بد انجام دهند به جهنم می‌روند؟ فقط می‌توانم در ادامه اینطور بگویم. بعضی از شما شاید عهد جدید و عهد قدیم را خوانده‌اید. عهد جدید، مخصوصاً، توسط این یا آن شخص نوشته شده است، پاراگراف به پاراگراف از کلمات ثبت شده - کلماتی که از حافظه [افراد] ثبت شده‌اند. یعنی، کسانی که به آموزش‌های عیسی گوش دادند، آنها را براساس آنچه به خاطر آوردند نوشته‌اند. اما آیا می‌توانست سخنان عیسی در طول دوره زندگی او - همگی درباره آن فکر کنید - به این اندازه که محتوای آن کتاب است کم باشد؟ آنقدر اندک؟ عیسی درباره خیلی چیزها صحبت کرد. چیزهای بسیار زیادی توسط مردم فراموش شده و در نتیجه ثبت نشدند. بنابراین چرا آنها ثبت نشدند؟ دلیل دیگر این بود که انسان‌ها صرفاً سزاوار بودند این اندازه بدانند.

از آنجایی که فای بود، حتی در سطح تاتاگاتا، نمی‌تواند کاملاً برای موجودات بشری شناخته شود، آنچه شاکيامونی به هنگام بودن در این دنیا آموزش داد فای آرهای بود، و موجودات بشری فقط آن اندازه می‌توانستند بدانند. آنچه عیسی گفت کافی بود برای اینکه بگذارد کسانی که کلماتش را دنبال می‌کردند به بهشت برسند - آن به قدر کافی بود. بنابراین خدایان اجازه ندادند مقدار زیادی از آن اینجا باقی بماند. در شرق، حتی اگرچه متون زیادی وجود دارد، تمام آنها موارد ثبتی تکه‌تکه و ناکاملی از حافظه هستند - مطمئناً اینطور است. از منظری متفاوت، برخی از سفیدپوستان از آسیایی‌ها بازپیدا شده بودند. پس اگر شما در حالیکه در غرب هستید این چیزها را ندارید، آیا ممکن نیست زمانی که به عنوان آسیایی بازپیدا شدید آنها را تجربه کرده باشید؟ علاوه بر این، بسیاری از آسیایی‌ها و غربی‌ها بطور متقابل بازپیدا شدند، یعنی، آنها در یکدیگر به شکل پس و پیش بازپیدا شدند. برخی افراد به فرهنگ آسیایی احساس نزدیکی می‌کنند، برخی به فرهنگ غربی. این امکان هست که به دلیل خصیصه‌های باقی‌مانده از بازپیدایی‌های آنها در دوره‌های زمانی مختلف است. اما هرچند ممکن است سفیدپوست باشید، یا زرد یا سیاهپوست باشید، می‌توانید متعلق به هر نژادی باشید.

**پرسش:** به خاطر ضعف در قدرت بینایی، افراد مسن دوست دارند به سخنرانی‌ها بر روی نوارها گوش دهند. آیا این به اندازه خواندن دافا مؤثر هست؟

**معلم:** یکسان است. اگر فادر تمام قلب خود مطالعه کنید، این امکان هست که چشمانتان دستخوش تغییراتی شوند. گوش دادن و خواندن یکسان هستند. درباره اینکه چقدر پیر یا جوان هستید صحبت نکنید. آن نیز می‌تواند وابستگی و مانع شما باشد. در دافا، سن هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کند، فقط پیش بروید و تزکیه کنید. به یاد می‌آورم، در گذشته در سال‌هایی که فادر پکن آموزش می‌دادم، شاگردان دوست داشتند مرا «استاد بزرگ» صدا کنند. بعداً مردی مسن در میان حضار، که احتمالاً در دهه هفتاد یا هشتاد زندگی خود بود، سؤالی را مطرح کرد، می‌گفت: «چرا شما خود را "استاد بزرگ" می‌نامید؟ تا به این سن پیری که رسیدم، حتی خودم را "استاد بزرگ" نامیدم» (خنده) پس به او گفتم: «من خود را "استاد بزرگ" نامیدم. مردم از روی احترام

اینطور مرا صدا می‌کنند. آنها این اصطلاح "استاد بزرگ" را ایجاد کردند. درواقع، شما می‌توانید مرا هر چیزی بنامید. می‌توانید مرا به نام صدا کنید، یا «معلم» یا «آقا» صدا کنید، همه خوب است. من به این چیزها اهمیت نمی‌دهم، و به هیچ تشریفات اهمیت قائل نیستم. درواقع سن و سال بشری برای تزکیه‌کنندگان کاربردی ندارد زیرا روح اصلی شخص (یوان‌شن) در هر سنی می‌تواند باشد، و آن خود حقیقی شما است. با صحبت در این معنا، من در جهان پیرترین هستم. هیچ کدام شما از من پیرتر نیستید. (تشویق)

پرسش: «لونیو» کل محتوای جوان فالون را دربرمی‌گیرد. لطفاً به ما بگویید چرا آن «لونیو» نامیده می‌شود.

معلم: می‌دانید، به نظر می‌رسد کنفوسیوس نیز یک «لونیو»<sup>۶</sup> دارد، اما مفاهیم و محتوای آن کاملاً متفاوت است. من در حال صحبت (لونیو) درباره این فای بودا با استفاده از زبان بشری هستم (یو)، بنابراین آن را لونیو نامیدم. (تشویق) ایده این است. زبان بشری برای این فا باید بکار می‌رفت، پس به هر نحوی آن را به کار ببرم خوب است. تا زمانی که چیزها می‌توانند به روشنی توضیح داده شوند، تا زمانی که بتوانم نجات‌تان دهم، و تا جایی که این فا را بتوان به روشنی آموزش داد، این شیوه را به کار خواهیم برد. پس زبان‌ها و واژگان مدرن و استاندارد شده مرا محدود نمی‌کنند.

پرسش: یک مرید دافا که در یک بیمارستان سرطان کار می‌کند برنامه دارد که فا را در آنجا اشاعه دهد. آیا این مناسب است؟

معلم: آن بستگی به این دارد که چه قصدی در کار باشد. فرض کنید که می‌خواهید از دافا استفاده کرده تا بیماری مردم را درمان کنید. دافا می‌تواند هر حالت غیرعادی را اصلاح کند. ابتلاء مردم به بیماری، وضعیتی غیرطبیعی است، اما دافا به منظور اصلاح شرایط غیرطبیعی مردم نیست. هدف از آموزش فا به مردم این است که آنها را نجات داد. آن این قانون باشکوه آسمان است که محیط‌های زندگی مختلف برای موجودات مختلف در جهان را خلق کرده است. (تشویق) اگر از آن برای درمان بیماری‌های موجودات بشری استفاده کنید، اگر قصد و نیت شما آن است، آنوقت صحیح نیست، درست؟ «اوه، دافا می‌تواند سرطان را درمان کند. بیایید به بیمارستان‌ها برویم تا سرطان مردم را مداوا کنیم.» این نجات مردم نیست، بلکه استفاه از دافا برای معالجه بیماری است - آن درست نیست.

اینطور نیست که ما رحمت نداریم. به شما گفته‌ام، بدون توجه به اینکه عیسی باشد، مریم مقدس، یهوه (که قدرتش حتی از دو نفر قبلی فراتر است)، یا بوداها در مذاهب شرقی، با یک موج دست‌شان حتی یک فرد بیمار بر روی این زمین کوچک باقی نمی‌ماند. چرا آنها رحمت ندارند و این کار را برای مردم انجام نمی‌دهند؟ زیرا مردم خودشان کارهای بد انجام می‌دهند. اگر امروز آن را برای شما انجام دهم، همچنان فردا کارهای بد انجام می‌دادید. البته این تنبیه کردن مردم نیست - این اصول جهان است که تمام موجودات را ارزیابی می‌کند. از آنجا که انسان‌ها کارهای بد انجام داده‌اند، باید خودشان برای آنها بپردازند. فرض کنید شخصی را کشتید، و یک بودا کارما را برای شما پاک کرد. آنوقت، آیا این معنی را می‌دهد که مجازید هرطور مایلید مردم را بکشید؟ چطور برای یک بودا قابل قبول است که به محض اینکه مردم را کشتید و کارما ایجاد کردید بیماری‌های شما را بزداید؟ وقتی مردم کارهای بد انجام می‌دهند باید برای آن بپردازند و مسئولیت را قبول کنند. اما وقتی مردم کارهای بد انجام داده باشند، بارزترین تجلی آن در بدن بشری بیماری است، که برای مجازات مردم به کار می‌رود. من تنها کسی نیستم که این را می‌گوید - عیسی هم گفت که مردم گناهکار هستند. چرا مردم گناهکارند؟ دقیقاً به این خاطر که مردم در بدن خود کارما دارند. فرهنگ غربی کلمه «کارما» را ندارد - چنین لغتی در فرهنگ غرب نیست. بنابراین عیسی از کلمه «گناه» استفاده کرد تا اصلی کلی را نشان دهد. در حقیقت، آیا داشتن کارما مشابه داشتن گناهان نیست؟ بدون گناهان، چگونه می‌توانست کارما وجود داشته باشد؟ ایده همان است.

پرسش: پس از کمال، وقتی ما به سطوح خودمان برسیم، آیا بدن‌هایمان علامت‌گذاری معلم ارجمندمان را حمل خواهد کرد؟

**معلم:** پس از اینکه به کمال برسید موضوع علامت‌گذاری روی بدن‌تان وجود ندارد. علامت‌گذاری برای مردم در توهم است؛ فقط پس از اینکه به اینجا سقوط کردید علامت‌گذاری شدید. پس از کمال موجودی مستقل خواهید بود، خدایی باشکوه که خودش می‌تواند تصمیم بگیرد. آنچه به شما می‌دهم محدودیت نیست، بلکه [فرصتی برای تبدیل شدن به] یک خدای باشکوه است. (تسویق)

پرسش: مردمی که فالون دافا را تمرین نمی‌کنند از شنیدن موسیقی «پودو» و «جی‌شی» لذت می‌برند، استاد لطفاً به ما بگویید، آیا می‌توانیم اجازه دهیم به آن گوش دهند؟

**معلم:** بله، آن فقط موسیقی است. البته، وقتی آنها موسیقی دافای ما را می‌شنوند، قطعاً برای آنها خوب است.

پرسش: در اجتماع امروز، مفهوم تساوی بین مردان و زنان شایع شده است. به عنوان مریدان زن، همانطور که با کوشایی در تزکیه پیشرفت می‌کنیم چگونه می‌توانیم آرام و لطیف باشیم؟

**معلم:** مردم امروزه می‌گویند که زنان بیشتر و بیشتر آزادخواه می‌شوند و شخصیت‌شان قوی‌تر می‌شود. در حقیقت، شما با سمت مهربان خود (شن) پیش نمی‌روید. فکر نمی‌کنم قدرت، لزوماً در حالت بیرونی فرد انعکاس یابد. اگر در زندگی روزمره خود مانند یک زن حقیقی آرام باشید، شایستگی شما می‌گذارد بطور یکسان هر چه را که سزاوارش هستید داشته باشید. ضرورتاً نیازی نیست خودتان را به شیوه‌ای مردانه و سخت ابراز کنید تا آن چیزها را کسب کنید. آیا متوجه می‌شوید به چه چیزی اشاره می‌کنم؟ (تسویق) به عبارت دیگر، اگر یک زن هستید، باید مانند یک زن رفتار کنید، و مهربان و آرام باشید. فقط آنوقت می‌توانید احترام و عشق از مردان دریافت کنید. اگر مهربان و آرام نیستید، مردان وقتی شما را ببینند خواهند ترسید/خنده حضار) و قادر نخواهید بود عشق یا حتی عواطف خانوادگی را که قرار است، داشته باشید. از سوی دیگر، اجازه دهید فقط درباره زنان صحبت نکنیم - ما مردان، نیز، باید مانند مردان رفتار کنیم. اما تمام جوامع امروزه بر روی زمین بد شده‌اند، بنابراین فقط می‌توانم از مریدانم بخواهم به این شیوه رفتار کنند - آن برای جامعه قابل دستیابی نیست. به خاطر می‌آورم که در غرب پیش از دهه پنجاه، مردان بسیار بزرگ‌منش بودند، و با زنان با احترام رفتار می‌کردند. و به خاطر اینکه زنان مانند زنان عمل می‌کردند، مردان دوست داشتند که به آنها کمک کنند، به آنها احترام بگذارند، و از آنها مراقبت کنند. همزمان، به شیوه‌ای زنانه، زنان شوهران خود را گرمی می‌داشتند. آن رفتار انسان بود. اما امروز آن را تماماً خراب کرده‌اید.

در جامعه آسیایی، زنان بیش از حد قوی شده‌اند، و موجب شده است که مردان مانند زنان شوند. می‌توانم به شما بگویم که در اعماق وجودتان می‌خواهید که مردهایتان قوی باشند، اما در ذهن‌تان می‌خواهید بر آنها تسلط یابید. آیا این متناقض نیست؟ اگر شیوه جامعه مانند این باشد، آیا مردان هنوز می‌توانند با اعتماد و عزت نفس قدم بردارند؟ آیا آنها مردانگی خود را خواهند داشت؟ دو نفر نمی‌توانند در رأس یک خانواده باشند، درست مانند اینکه دو پادشاه نمی‌توانند در یک کوهستان باشند. پس وقتی دو ببر با هم می‌جنگند، یکی از آنان باید آسیب ببیند، (خنده حضار) و خانواده محکوم به ناهماهنگی است. چگونه عملی خواهد بود که دو پادشاه بزرگ زیر یک سقف زندگی کنند؟ باید یک رئیس برای خانواده باشد. به همین خاطر طلاق‌ها و اختلافات در خانواده‌ها وجود دارد. همیشه موضوعی را می‌گویید: مردان می‌گویند که زنان اصلاً مانند زنان نیستند، و زنان می‌گویند که مردان اصلاً مانند مردان نیستند.

آن حتی در اجتماع غربی بارزتر است که وقتی با یکدیگر ازدواج می‌کنند، پیشاپیش اموال‌شان از هم جدا است: «وقتی در آینده طلاق گرفتیم، این به من تعلق دارد و آن به تو تعلق دارد.» آن حتی ناهنجارتر است. حس تکیه کردن زن به مردش وقتی ازدواج می‌کنند واقعاً وجود ندارد. و مردان فکر نمی‌کنند که وقتی زنان با آنها ازدواج می‌کنند، با تمام زندگی خود به آنها اعتماد کرده‌اند و بنابراین باید در برابر آنان مسئول باشند - آنها دیگر اصلاً به آن شکل فکر نمی‌کنند. نفع شخصی و آزادی شخصی بر همه چیز غلبه کرده است. آنوقت دیگر کجا گرمای یک خانواده را پیدا می‌کنید؟ مردم با هم رقابت می‌کنند و سعی دارند بر هم چیره شوند - هیچ کسی نمی‌خواهد دست بکشد. به شما می‌گویم، موجودات بشری نباید اینگونه باشند! (تسویق) وقتی حتی

زوج‌ها جرأت نمی‌کنند به هم اعتماد داشته باشند، و مکانی نیست که به شما حسی از امنیت، گرما، و عاطفه بدهد، آیا در یک زندگی اندوهناک گذران عمر نمی‌کنید؟ در ذهن‌تان با خود می‌اندیشید: «نباید اینطور باشد. ما باید یک مکان گرم و عاطفی داشته باشیم.» اما رفتار بیرونی شما در حال تخریب تمام این است، و خصوصیات خودخواهانه شما داشتن چنین مکانی را غیرممکن می‌سازد. وقتی همه به این شکل رفتار می‌کنند ارتباطات عالی میان انسان‌ها از دست می‌رود. البته من فقط به مریدانم، به شما، می‌توانم این چیزها را بگویم، و بگویم که اینها درست نیستند. دیگر هیچ راه درمانی برای نوع بشر وجود ندارد و همه چیز را برگرداندن غیرممکن است. امروزه مباحثه‌ها در اجتماع و گرایش رسانه‌ها تماماً درباره آزادی شخصی و رهایی فردی است. می‌توانم به شما بگویم، این رهایی فردی شاید موجب شود آزاد به نظر برسید، اما درواقع، دیگر هرگز قادر نخواهید بود از گرما و مهر و عاطفه لذت ببرید! و هرگز دیگر کسی را نخواهید داشت که به او اعتماد کنید! (تسویق)

پرسش: آیا مریدان دافا که تا دنیاها بوداها ترکیه می‌کنند موجوداتی عادی می‌شوند؟ (خنده حضار)

معلم: نخندید. این سؤال مفهومی است. ترکیه‌کنندگان مقام دستیابی دارند، بنابراین قطعاً فقط مردمی عادی نخواهند شد. آنها همگی پس از رسیدن به کمال مقام دستیابی دارند.

پرسش: دافا می‌تواند مرا در سطح تغییر دهد همانطور که در سطوح مختلف بدهای گوناگون مرا تغییر می‌دهد. آیا این درک درست است؟

معلم: این درک نادرست نیست. این را قبلاً گفتم: بدون یک بدن انسانی، تمرین ترکیه غیرممکن است، و رشد فرد امکان‌پذیر نیست. آنوقت چگونه بدن‌های شما در بدهای دیگر احتمالاً می‌تواند تغییر کند؟ بدون این بدن بشری نمی‌توانید ترکیه کنید، پس باید اینجا ترکیه کنید، در این مکان بشری، تا خود را تغییر دهید. گاهی اوقات، وقتی یک کتاب دافا را مطالعه می‌کنید، متمرکز نیستید، لب‌هایتان خواندن یک قطعه را تمام می‌کند اما ذهن‌تان آنجا نیست. آن به این خاطر است که خودآگاه کمکی شما یا عوامل دیگر در کار هستند. گاه و بی‌گاه توجه‌تان حضور دارد، فقط کمی بعد از آن ناپدید می‌شود. اگر اغلب این مشکل را دارید، آنوقت مانند این است که تمام این چیزها را واگذار می‌کنید و این فا را به شخص دیگری می‌دهید. نمی‌توانید آن کار را انجام دهید، و اجازه نمی‌دهم به آن شکل ترکیه کنید.

پرسش: چگونه باید تفاوت میان عشق و وابستگی را درک کنیم؟

معلم: آنها دو مفهوم متفاوت هستند. عشق می‌تواند وابستگی‌ها را به بار آورد، می‌تواند در طول ترکیه وابستگی‌ها را ایجاد کند، اما در میان مردم عادی و در جامعه، هنوز چیزی ضروری است. بدون عشق، موجودات بشری حتی بیشتر احتمال دارد کارهای بد انجام دهند، و سرشت اهریمنی آنان حتی قوی‌تر شود. پس انسان‌ها نمی‌توانند بدون عشق یا احساسات زندگی کنند. آن به این خاطر است که احساسات چیزی بشری است - آن عنصری ضروری برای محیط زندگی فراهم شده برای موجودات بشری است، اما آن برای خدایان نیست. به عنوان ترکیه‌کنندگان، باید از آن فراتر روید، و آن وابستگی‌هایی که در نتیجه عشق و احساسات هستند را ترکیه و رها کنید. این رابطه بین این چیزها است. اگر می‌خواهید که بتوانید بدون وابسته شدن عشق بورزید، آن غیرممکن است. اما در روند ترکیه، به هیچ وجه نمی‌توانید همین حالا هر چیزی را سبک بگیرید، همه چیز را رها کنید، و وابسته نباشید. بنابراین در مرحله حاضر، در هر حالتی که هستید، می‌توانید صرفاً در آن باشید.

خودتان را مجبور نکنید: «در اعماق درون عشق می‌ورزم، به اعضای خانواده‌ام عشق می‌ورزم، اما خودم را مجبور به ترک این عشق به آنها می‌کنم.» آن اشتباه است، زیرا قلمروی شما بالا نرفته و فقط سعی می‌کنید آن را به زور انجام دهید. اگر این کار را بکنید، باعث می‌شوید مردم درباره دافا دچار سوءتفاهم شوند، و به تصویر دافا آسیب می‌زنید. همانطور که عشق در ترکیه‌تان کاهش می‌یابد، بوسیله نیکخواهی (سی‌بی) پدیدار شده جایگزین می‌شود. می‌دانید، من اینجا نشسته‌ام و - با استفاده از کلمات - به

تک تک شما عشق می‌ورزم و مراقبتان هستم. در واقع، آن نوعی از نیکخواهی است (تشویق)، اما آن کاملاً با آن نوع احساسات شخصی شما متفاوت است. مطمئنم می‌توانید بین عشق میان خودتان و آن [نوعی] که من دارم تمایز قائل شوید. (تشویق)

پرسش: در طول تمرین گروهی، وقتی فردی با دیر آمدن و زود رفتن سر و صدای زیادی ایجاد می‌کند، و برای دیگران وارد شدن به سکون را سخت می‌کند، آیا باید این را به او تذکر بدهیم؟

**معلم:** این سؤال مطلب دیگری را به یادم آورد. بگذارید به شما بگویم، قبل از انقلاب فرهنگی، مردم چین در تمام دنیا به آداب و نزاکت مشهور بودند، و به لحاظ متمدن بودن، بهداشت و چیزهایی که در سطح آشکار می‌شود، بسیار منحصر بفرد بودند. فرهنگ‌های تمام کشورهای همسایه چین توسط مردم چین به ارمغان آورده شد - آنها از چین آموختند. (تشویق) اما می‌دانستید که پس از انقلاب فرهنگی، آنها به عنوان «چهار قدیمی» دور انداخته شدند؟ در عوض، کیفی در تمام بدن فرد و داشتن پینه‌های ضخیم بر روی دست‌ها باعث افتخار بودند، و حتی شپش‌ها «حشرات انقلابی» نامیده شدند. مردم آلودگی را چیز خوبی در نظر گرفتند. آن نوع طرز فکر ادامه یافت، و اکنون، باینکه شرایط زندگی مردم بهبود پیدا کرده و مردم بیشتر نسبت به چیزها بادقت شده‌اند، اما این افکار که از انقلاب فرهنگی بازمانده‌اند هنوز آسیب می‌زنند. حتی اگر چه به اجتماع غربی آمده‌اید، مردم جوامع غربی احساس می‌کنند که واقعاً تحمل کردن شما از این لحاظ بسیار سخت است.

شما به جزئیات آداب معاشرت توجه نمی‌کنید، خودتان را آراسته نمی‌کنید، نامرتب به نظر می‌رسید، بدون توجه به اینکه در چه مکان یا شرایطی هستید بلند صحبت می‌کنید، و بهداشت را رعایت نمی‌کنید. البته، گفته‌ام که در حالیکه تزکیه می‌کنید باید تا بیشترین حد ممکن با مردم عادی سازگار باشید. به عنوان مریدان تزکیه‌کننده، باید به آن برسید. این نباید مسئله‌ای باشد، و چیزی نیست که می‌خواستم بگویم. اما آیا می‌دانید که به خاطر رفتار شما، برخی از شاگردان غربی زمانی که فا را منتشر می‌کنید می‌ترسند ملحق شوند؟ حالا باید به این توجه کنید! این فقط موضوعی از رفتار نیست. باید در این رابطه به مسائل توجه کنید. از شما نمی‌خواهم که در پوشیدن لباس براساس مد، خاص باشید. باید از نزاکت انسانی در بیرونی‌ترین سطح آگاه باشید. می‌توانم به شما بگویم، معنی درونی دافا در واقع آنچه در پایین‌ترین سطح است را هم دربرمی‌گیرد. وقتی در هر کاری که انجام می‌دهید دیگران را در نظر بگیرید، فکر می‌کنم قادر خواهید بود هر کاری را به خوبی انجام دهید. (تشویق)

پرسش: یک شاگرد گفت در مورد مسائلی خاص از معلم سؤال کرده و تأیید ایشان را گرفته است. اما دیگران فکر می‌کنند که رفتار، کلمات، و سلوک او مانند یک تزکیه‌کننده نیست.

**معلم:** وقتی دو نفر جروب‌بحث می‌کنند و نمی‌توانند به توافق برسند، خیلی از آنها از من نقل قول می‌کنند، «معلم این کار را کرد» تا از وابستگی‌های خود دفاع کرده و آن وابستگی‌هایی که باید رها می‌کردند را بپوشانند. آن بسیار بد است. اما در مقابل، شما به خاطر اینکه می‌بینید برخی از کلماتش و رفتارش مطابق دافا نیست نمی‌توانید بگویید که او یک شاگرد نیست یا خوب تزکیه نکرده است. در حقیقت، او هم‌اکنون بسیاری از وابستگی‌های خود را پاک کرده، و بسیار بهتر از مردم عادی است. فقط وابستگی‌هایی که نتوانسته پاک کند می‌تواند ظاهر شود. پس وقتی آنها را می‌بینید، برای یک تزکیه‌کننده سخت است که قبول کند. آن به این معنی است که نباید شخص را آنطور که عمل می‌کند قضاوت کنیم. هم‌اکنون این را از دو زاویه مورد بحث قرار دادم.

پرسش: صورت برخی از شاگردان قدیمی تیره است و لکه‌های تیره زیادی دارد، برخی بسیار لاغر هستند. آیا این پدیده‌ها طبیعی هستند؟

**معلم:** تزکیه پیچیده است. اگر شما به این چیزها بسیار اهمیت بدهید، عمداً وادار خواهید شد که شاهد آنان باشید که دیده شود آیا هنوز تزکیه خواهید کرد. به عبارت دیگر، وقتی آن اشخاص چنین شرایطی را رشد می‌دهند، ما واقعاً باید نگاه کنیم که آیا آنها حقیقتاً بطور کوشا تزکیه می‌کنند. شاید کتاب را می‌خوانند و تمرین‌ها را انجام می‌دهند، اما در اصل، واقعاً چگونه عمل می‌کنند؟

برخی افراد کتاب‌ها را می‌خوانند، اما بیش از یک سال هست که خواندن جوآن فالون را تمام نکرده‌اند هرچند همیشه در حال خواندن هستند، تمرین‌ها را بطور کوشا انجام می‌دهند، و حتی بقیه را تشویق می‌کنند که این را تمرین کنند. تمرین تزکیه جدی است. هیچ چیز در این دنیا جدی‌تر از تزکیه نیست. ما باید بتوانیم مطابق الزامات باشیم.

*پرسش: اگر کسی در تمرین‌های گروهی صبحگاهی شرکت نکند، و با بادهای شدید، آفتاب داغ، سرمای سخت زمستان یا گرمای شدید تابستان آزمایش نشده باشد، آیا کمال او تحت تأثیر قرار خواهد گرفت؟*

**معلم:** آن چیزها واقعاً عواملی نیستند. آیا ذکر نکرده‌ام که هدف از گذشتن از میان سختی‌ها پاک کردن وابستگی‌هایتان است تا رشد کنید؟ وقتی افراد صرفاً سختی را تحمل می‌کنند این معنای آنچنانی ندارد- بدون توجه به اینکه از میان چه مقدار سختی می‌گذرند. نکته کلیدی این است که محیط تمرین گروهی می‌تواند مردم را متعادل و پاک کند. در بیرونی‌ترین سطح یک فرد، همیشه در اجتماع مردم عادی با غیرتزکیه‌کنندگان سروکار دارد. ترجیح می‌دهید توسط چه کسی تحت تأثیر قرار بگیرید- توسط آنها یا مریدان دافا که در دافا هستند؟ این چیزی است که درباره آن می‌گویم.

*پرسش: کدام یک جهان را خلق کرد، فا یا خدایان؟ شنیده‌ام که خدایان جهان را خلق کرده‌اند، اما به ندرت می‌شنوم که بوداها یا داتوها جهان را خلق کردند.*

**معلم:** آنوقت چه کسی آن خدایانی که شما درباره آنها شنیده‌اید را خلق کرده است؟ شما باید فا را بیشتر مطالعه کنید. اما کلمات شما چیزی را به ذهنم آورد. شاید بسیاری از مردم شنیده باشند که مذاهب غربی ادعا می‌کنند که لرد آنها دنیا را خلق کرده است، و بودیسم در شرق آموزش می‌دهد که آن کارمای بودا بود که جهان را خلق کرد. درک آنها از کارما این است که انجام هر کاری کارما است، یا نتیجه‌ای از کارما است. در اسطوره‌های شرقی و افسانه‌های باستان، می‌شنویم که پَنگو<sup>۷</sup> آسمان و زمین را خلق کرد. اجازه دهید درباره داستان پَنگو که آسمان و زمین را خلق کرد صحبت کنیم. شاید در داستان شنیده باشید که پَنگو، در پایان، فوراً بدن خود را به آسمان، زمین، کوه‌ها، رودخانه‌ها، و ستاره‌های آسمان تبدیل کرد. بدون توجه به اینکه آن چطور گفته شد، می‌توانم به همگی بگویم که در سطوح مختلف، بدون توجه به اینکه چه خدایی در کدام سطح باشید، غیرممکن است که درباره چیزهای بالاتر از خود بدانید. در طول گذشت زمانی طولانی از تاریخ [موجودات] بسیار پیش از این از فا منحرف شدند، و بسیاری از موجودات حتی دیگر درمورد فا نمی‌دانند؛ آنها آن را فراموش کرده‌اند. چرا آن را فراموش کرده‌اند؟ از تمام موجودات چرخه تمدن اخیر، بدون توجه به اینکه سطح‌شان چقدر بالا بود یا هست، بیشتر آنها در طول چرخه نهم خلق شدند. در مورد اینکه فا پیش از چرخه نهم به چه شکل بود، مردم نمی‌دانند. و وقتی به چرخه نهم آمدند، حتی کمتر درباره اینکه فا چیست می‌دانند، و فقط می‌دانند که در سطوح مختلف استانداردهای مختلفی وجود دارد. به عبارت دیگر، اکنون موجودات اصلی نخستین تقریباً وجود ندارند، و به همین خاطر [موجودات] نمی‌دانند که جهان چگونه ایجاد شد.

وقتی در سطوح مختلف جهان فجایع اتفاق می‌افتد، درواقع بدن‌های کیهانی مختلف منحل می‌شوند. به کلام دیگر، منفجر می‌شوند. پس از انفجار، یک خدای سطح بالا پایین نمی‌آید و اجازه نمی‌دهد که خدایان سطح پایین او را در حال خلق جهان ببینند. خدای سطح بالا خدای یک سطح پایین‌تر از خود را خلق می‌کند و او جهان در سطح بعدی را خلق می‌کند، پس در آن سطح خدایان جدید به دنیا می‌آیند. گفته‌ام که موجودات می‌توانند در تمام سطوح مختلف بوجود بیایند. خدایی که در یک سطح خاص به دنیا می‌آید باید توانایی خلق جهان در آن لایه را داشته باشد. اینکه آیا خدایانی در سطوح بالاتر جهان وجود دارند، او چیزی نمی‌داند.

آنچه اکنون توضیح دادم درواقع یک اصل است: یعنی، بوداها، داتوها، و خدایان در سطوح مختلف همگی توانایی خلق همه چیز در جهان سطح خود یا پایین‌تر از سطح خود را دارند. اما از آنجا که آن درون محدوده او است، فکر می‌کند که خودش جهان را خلق کرده است. در مورد خدایان نسبتاً اصلی نخستین موضوع این است. فرض کنید یک خدا جهانی وسیع‌تر را خلق می‌کند، آنوقت بعداً یک خدا در سطحی معین و در طول دوره معینی از آن جهان به دنیا می‌آید. اگر پس از گذشت زمانی بی‌نهایت



طولانی، مسائلی در جهانی که این خدا در آن به دنیا آمد، پدیدار شود، آن توسط خدایان بالاتر از او منحل می‌شود، و انفجارهایی اتفاق می‌افتد. آنوقت زمانی که او پس از آن، همه چیز را دوباره می‌سازد فکر می‌کند جهان را دوباره خلق کرده است. او نمی‌داند که جهان‌های بزرگتر بالای این جهان وجود دارند. بنابراین به همین ترتیب، چنین چیزهایی می‌تواند در لایه‌های کوچکتر از لایه او نیز روی دهد. در لایه‌هایی بسیار کوچکتر از لایه او هم، خلق جهان‌ها در سطوح مختلف اتفاق می‌افتد. درک می‌کنید چه می‌گویم؟ (تشویق) من این را در سخنرانی پنجم جوآن فالون توضیح دادم: خدایان مختلف جهان‌هایی را با ویژگی‌های مختلف خلق کردند. بسیاری از شما [درباره آن] سؤال‌هایی پرسیدید، مگر نه؟ آن دقیقاً موقعیتی است که اکنون گفتم. کیهان بسیار وسیع است. تغییراتی که در سطوح مختلف رخ می‌دهند صرفاً ذراتی کوچک در بدن‌های کیهانی بی‌نهایت وسیع هستند، و این، حتی برای خدایان، باور نکردنی است.

پرسش: آیا خدایان ذکر شده در یونان باستان و افسانه‌های چینی تصور شده‌اند یا واقعاً وجود داشتند؟

**معلم:** می‌توانم به شما بگویم، مردم اجتماع امروزه، که توسط علم پیش می‌روند، عمیق‌تر و عمیق‌تر در «واقعیت» کاوش می‌کنند. اما این واقعیت جعلی است، و حقیقت واقعی و باشکوه جهان بطوری فزاینده توسط این واقعیت کذب پوشانده شده است. آن توسط خود انسان‌ها ایجاد شده است. این خود آنها هستند که بیشتر و بیشتر به این چیزهای سطحی باور آورده‌اند. بسیاری از افسانه‌های باستان حقیقی هستند، اما مردم آنها را داستان‌هایی در نظر می‌گیرند که توسط دیگران ساخته شده است. امروز من در حال آموزش قانون بزرگ کیهان هستم. هر چیزی که آن به ارمان می‌آورد و هر چیزی که در آینده بوقوع می‌پیوندد تمام موجودات را شوکه خواهد کرد. در آینده، اتفاقاتی که حتی غیرعادی‌تر هستند آشکار خواهند شد، زیرا فا به اینجا به دنیای بشری می‌رسد. هر چه که مردم به آن باور ندارند اتفاق خواهد افتاد، آنقدر شوکه‌کننده خواهد بود که مردم زبان‌شان بند می‌آید. اما بدون توجه به اینکه آن اتفاق چه واکنش شدیدی را سبب شود یا تا چه مدت دوام داشته باشد، بعد از هزاران سال یا ده‌ها هزار سال، مردم آن را افسانه در نظر خواهند گرفت، و بعد از گذشت سال‌های بیشتر، مردم احتمالاً به همان شکل آن را چیزی در نظر می‌گیرند که توسط دیگران ساخته شده است. موجودات بشری این اندازه محدود هستند. آیا افرادی نیستند که بودن عیسی را انکار می‌کنند؟ می‌گویند مردم آن را ساخته‌اند. آیا همچنین کسانی نیستند که می‌گویند وجود داشتن شاکيامونی در شرق ساختگی است؟

پرسش: والدین من برای سال‌ها در بودیسم تزکیه کرده‌اند. آنها جزو کسانی هستند که، همانطور که در دست‌نوشته اخیر استاد توصیف شد، در توهم گم شده‌اند. چگونه می‌توانم آنها را به تمرین روش راستین تزکیه بیاورم؟

**معلم:** دست‌نوشته‌هایی که نوشتیم را به آنها نشان بدهید- این تمام کاری است که می‌توانید انجام دهید. هیچ کسی نمی‌تواند به جای شخص دیگر کاری انجام دهد. ما فقط می‌توانیم به مردم توصیه کنیم آنچه خوب است را انجام دهند، و نمی‌توانیم سایرین را به هیچ کاری وادار کنیم. نمی‌توانیم آنها را مجبور کنیم. آنچه مردم می‌خواهند کسب کنند به خودشان مربوط است. اگر به انجام کاری وادار شوند به حساب نمی‌آید. فقط زمانی به حساب می‌آید که خودشان آن را انجام دهند و خودشان تزکیه کنند.

پرسش: اگر شرایط زندگی کسی کاملاً خوب باشد، اما اکنون عملاً با صرفه‌جویی زندگی کند، آیا آن یک وابستگی محسوب می‌شود؟

**معلم:** شاید به خاطر این است که مردم چین از میان دوره زمانی بسیار سختی گذشته‌اند و می‌ترسند فقیر شوند، و این شاید سبب شده که مردم بیش از حد صرفه‌جو باشند. اگر کسی به افراط برود، خوب نیست. بطور عادی زندگی کنید. صرفه‌جو بودن چیز بدی نیست، اما اگر هر چیزی بیش از حد باشد، چیز بدی می‌شود. یک تزکیه‌کننده نباید هیچ فکر از پیش تعیین‌شده‌ای داشته باشد. در صرفه‌جو بودن هیچ چیز اشتباهی وجود ندارد.

پرسش: وقتی یک شاگرد در چین تزکیه می‌کند یا به اروپا سفر می‌کند آیا بدن قانون یکسانی از او مراقبت می‌کند؟

**معلم:** همان بدن قانون، بدن‌های قانون مختلف... آیا تفاوتی میان بدن‌های قانون وجود دارد؟ می‌توانم به شما بگویم که همگی آنها توسط همان خرد من مراقبت می‌شوند. به هیچ وجه تفاوتی وجود ندارد. در حقیقت، بدن‌های قانون، من هستند. بدن‌های قانون همانطور فکر می‌کنند که من فکر می‌کنم.

پرسش: لطفاً به ما بگویید یک «بدن حقیقی» چیست و یک «بدن گونگ» چیست؟

**معلم:** تفاوتی وجود دارد. در چشم خدایان، هر چیزی اینجا در این مکان بشری غیرواقعی است، و فقط بدن یک بودا یا یک خدا واقعی است، بنابراین آنها بدن در آن سطح یا بالاتر را یک «بدن حقیقی» می‌نامند. یک «بدن گونگ» چیزی است که فقط من دارم. هیچ موجود دیگری در کیهان آن را ندارد. آن گونگ بیکران من است که می‌تواند همزمان به شکل تصویرم درآید. (تشویق)

پرسش: وقتی تمرین‌ها را انجام می‌دهم، همیشه می‌شنوم معلم صحبت می‌کنند.

**معلم:** اگر آن درباره فا باشد، و با آنچه در کتاب گفته شده یکسان باشد، جای نگرانی نیست. آن روشی است که توانایی‌های فوق‌طبیعی شما ظاهر می‌شود- آن مظهری از توانایی‌های فوق‌طبیعی شما است. اگر آن چیزی نباشد که در فا است، آنوقت باید مداخله باشد.

پرسش: وقتی تمرین‌ها را به کودکان می‌آموزیم، گذشته از اینکه به آنها می‌گوییم افراد خوبی باشند، آیا باید متون را هم برای آنها بخوانیم؟

**معلم:** وقتی به آنها می‌گویید که افراد خوبی باشند، صرفاً در حال گفتن این هستید که افراد خوبی در میان مردم عادی باشند. فقط فا می‌تواند سبب شود افراد صعود کنند. آیا اینطور نیست؟ کودکان می‌توانند تا جایی که قادر هستند تمرین‌ها را انجام دهند. اگر نمی‌توانند انجام دهند برای آنها اشکالی ندارد بعد از آنکه کمی بزرگتر شدند تمرین‌ها را انجام دهند.

پرسش: آیا مناسب است که اصول دافا را به زبانی که برای کودکان قابل درک باشد برای آنان توضیح دهیم؟

**معلم:** فکر نمی‌کنم مشکلی باشد. از آنجا که یک تزکیه‌کننده هستید آن را به روشی اشتباه توضیح نخواهید داد. برای توضیح آن به کودکان از دلیل و برهان استفاده کنید. فکر نمی‌کنم آن مشکلی باشد.

پرسش: آزمایشی داشتیم اما عزم و اراده‌ام را از دست دادم. می‌خواهم دوباره در تزکیه شروع کنم.

**معلم:** همین الان یک شاگرد از من پرسید آیا می‌تواند هنوز تزکیه کند. به عبارت دیگر، شاید چیزهایی وجود داشته‌است که او در آنها به خوبی عمل نکرده است یا احساس کرده که مطابق استانداردهای یک مرید نبوده است. بعد از اینکه مرتکب اشتباه می‌شوید، آیا هنوز می‌توانید تزکیه کنید؟ اینکه بتوانید تزکیه کنید یا نه تماماً به شما بستگی دارد. هم‌اکنون فا را شنیده‌اید و آن را کسب کرده‌اید. البته، به خوبی انجام نداده و آزمایش را نگذرانید- در حقیقت آن ضرری بسیار بزرگ است. می‌توانید دوباره تزکیه کنید، ذهن خود را آرام کنید، استوار باشید، و دوباره شروع کنید. از آنجا که هم‌اکنون عزمتان را برای تزکیه در دافا راسخ کرده‌اید و فهمیده‌اید که اشتباه کردید، چرا دوباره اراده خود را آهنین و عقب‌ماندگی را جبران نکنید؟ تا وقتی که آن فکر را دارید و می‌خواهید آنطور عمل کنید، نیازی نیست به من یا شخص دیگری بگویید- فقط پیش بروید و تزکیه کنید، و فکر می‌کنم درست خواهید بود. درواقع، آیا همه شما فقط به خاطر اینکه خواستید تزکیه کنید آن را شروع نکردید، و به این ترتیب فا را کسب نکردید؟ اما نمی‌توانید به از دست دادن فرصت‌هایتان ادامه دهید و اشتباه کنید. تزکیه جدی است، پس اگر به اشتباهات ادامه

دهید، می‌ترسم که در آینده فرصت‌های دیگری مانند این نداشته باشید که وارد این فرصت را داشته‌اید که وارد فا شوید، آن را دوباره از دست ندهید.

پرسش: تقریباً تعداد کمی از مردمان ساکن در آمریکای شمالی با شریک زندگی خود بدون ازدواج هم‌خانه هستند. برخی حتی بچه دارند. آیا آنها باید گواهی ازدواج که شامل [موضوعی از] گذشته است را بگیرند؟

**معلم:** بله. به شما گفته‌ام که در تزکیه خود تا حداکثر ممکن با شیوه جامعه بشری عادی مطابقت داشته باشید. اجازه دهید به روشی دیگر بگوییم. در چین، وقتی مردم در گذشته ازدواج می‌کردند، به تأیید زمین و آسمان نیاز داشتند، به همین خاطر «تعظیم در برابر زمین و آسمان» وجود داشت. آنها باید تأیید والدین خود را می‌داشتند، بنابراین باید در مقابل والدین خود تعظیم می‌کردند. در جوامع غربی، مردم باید تأیید لرد یا خدای‌شان را می‌داشتند، برای همین باید به کلیسا می‌رفتند و در برابر لرد متعهد می‌شدند، و لرد یا خدا شاهد آنان می‌بود و وصلت آنها را تصدیق می‌کرد. در جوامع غربی امروزه این چیزها از هم‌گسیخته شده است و [خیلی] از مردم دیگر هیچ تشریفات را انجام نمی‌دهند. دو نفر صرفاً بدون هیچ محدودیتی کنار هم قرار می‌گیرند؛ وقتی با هم شادند، کنار هم می‌مانند، و وقتی شاد نیستند، یک شریک زندگی دیگری پیدا می‌کنند. این غیرقابل قبول است. به عنوان شاگردان دافا، شما باید حداقل این اصول ابتدایی را بدانید. بی‌بندوباری در امور جنسی در غرب مقدار عظیمی کارما ایجاد کرده است. به نظر من مردم در شرق حتی بدتر هستند. شما باید به این چیزها توجه کنید. ما می‌گوییم که موجودات بشری فاسد شده‌اند، و هنوز وقتی یک تزکیه‌کننده با خودش حتی بدتر از یک فرد عادی رفتار می‌کند، آیا آن یک مشکل نیست؟ البته ممکن است فکر کنید، «اگر چه ما کاغذبازی را انجام نداده‌ایم، در ذهن و رفتارمان درست مانند این است که ازدواج کرده‌ایم. و اکنون که از هم بچه داریم، جدا شدن در این مرحله خیلی عملی نیست.» اما شما از تشریفات مناسبی نگذشته‌اید. اگر احساس می‌کنید که می‌توانید در قبال یکدیگر مسئول باشید، می‌گوییم که آن کاملاً خوب است، اما چرا تشریفات را انجام نمی‌دهید؟ حداقل این است که بگذارید جامعه مردم عادی شما را یک زن و شوهر قانونی بدانند. آیا نباید به این شکل باشد؟ به کلام دیگر، وقتی به این چیزها می‌رسد نباید خیلی غیررسمی باشید. زمان بیشتری را به این موضوع اختصاص نمی‌دهم. بدون توجه به اینکه در گذشته چه کار کردید، گذشته‌ها گذشته است. به جلو پیش بروید و آن را درست انجام دهید.

پرسش: چگونه می‌توانیم تعیین کنیم که یک تصویر نتیجه خروج روح اصلی از بدن است یا ناشی از رسیدن به روشن بینی است؟

**معلم:** در مورد این قبلاً صحبت شده است. می‌دانید، بطور واضح این [موضوع] را در متنی با عنوان «چرا فرد نمی‌تواند ببیند» توضیح داده‌ام. چرا نمی‌توانید ببینید؟ حتی وقتی که می‌بینید، واضح نیست. به عبارت دیگر، حتی وقتی قادر به دیدن چیزها هستید آنقدرها واضح نیست. اگر واضح باشد، سطح محدودی را دربرمی‌گیرد. [بینایی شما] بطور قطع نامحدود نخواهد بود، مانند بینایی خدایان، که همه چیز را بدانید و همه چیز را درست مانند تماشای یک فیلم ببینید. البته، کسانی هستند که موقعیت‌های بخصوصی دارند. من حالت کلی را شرح دادم.

پرسش: در هوای طوفانی شدید برای شرکت در یک کنفرانس فا رفتیم و ماشینیم در جاده خراب شد. خانواده‌ام دلیل رفتار مخاطره‌آمیزم را درک نکردند.

**معلم:** هیچ چیزی نمی‌تواند در [قالب] یک فرمول ساده قرار گیرد، طوریکه هر چیزی برطبق آن فرمول انجام پذیرد. در تزکیه، شرایطی که هر شخص با آن روبروست پیچیده است، و دلیل مسئله‌ای ممکن است این یا آن باشد. برای مثال، برخی افراد مشکلاتی دارند زیرا نتوانستند یک آزمایش شین‌شینگ را بگذرانند، یا شاید به این خاطر باشد که چیزهای دیگر مهم‌تر هستند. همچنین ممکن است به این دلیل باشد که آن سختی قرار بوده اتفاق بیفتد، و بنابراین به سختی می‌افتید و با موانعی مواجه می‌شوید. پس تزکیه بی‌نهایت پیچیده است، و به آن سادگی که فکر می‌کنید نیست. همچنین می‌تواند اینطور باشد که خراب

شدن ماشین شما از تصادف در چند مایل جلوتر جلوگیری کرده باشد. هر نوع دلیلی می‌توانست در کار باشد. در تزکیه، هر چیزی که تجربه می‌کنید چیز خوبی است، و شما در حال بنا کردن تقوای عظیم خود هستید.

پرسش: ما فقط دو روز زمان داریم که سمیناری برای معرفی دافا برگزار کنیم. آیا این خوب است؟

**معلم:** اگر شما فقط دو روز برای برگزاری سمینار معرفی فالون دافا دارید، زمان بسیار کم است. اگر کسی نتواند جوآن فالون را بدون اینکه از موضوع اصلی دور شود، به طور کامل بخواند، برایش سخت خواهد بود که دوباره کتاب را بردارد. چرا اینطور است؟ به این خاطر که مردم کارمای فکری دارند. آن افکاری در ذهن شخص است که باعث ایجاد کارما می‌شود. وقتی کتاب را می‌خوانید، کارما در ذهن تان پاک می‌شود. کارما زنده است، و می‌داند که در حال پاک کردن آن هستید، پس شروع می‌کند که نگذارد به کتاب دست بزنید. حتی وقتی که زمان دارید، باعث می‌شود فراموش کنید کتاب را بخوانید. به همین خاطر خیلی از افراد اگر اولین بار خواندن کتاب را تمام نکنند برای ادامه خواندن کتاب، دیگر زمان ندارند. در مورد تماشای نوارهای ویدئویی هم همین طور است. اگر [تماشای] کل مجموعه را تمام نکنید، به نظر می‌رسد که پیدا کردن زمان برای تماشای بیشتر آنها سخت است. اهریمنان در حال مداخله هستند. آنها اجازه نمی‌دهند وقت پیدا کنید و انواع و اقسام روش‌ها را به کار می‌برند که دوباره به آن دست نزنید. به همین دلیل این مشکل وجود دارد. به عبارت دیگر، زمان زیادی برای اشاعه فا ندارید. با توجه به این مسئله، فقط می‌توانید آن را برطبق شرایط خودتان اداره کنید.

پرسش: اگر کسی هدایایی با نیت خوب را برای مدتی طولانی از یک هم‌تمرین کننده قبول کند، آیا بطور بی‌پایانی تقوای خود را از دست می‌دهد؟

**معلم:** مثالی برایتان می‌زنم. خانواده یک شاگرد بطور ناگهانی دچار مشکلات مالی می‌شود. برای یک تزکیه‌کننده، این سختی بسیار محتمل است که ناشی از این نوع بدهکاری در گذشته باشد. در طول روند پاک کردن کارما، باید چیزی مانند این را تحمل کند، اما خیلی طول نخواهد کشید. می‌گوییم که شاید موضوع این باشد. آنوقت، برخی شاگردان فکر می‌کنند که چون چنین زمان سختی را دارد، «ما باید به او کمک کنیم». چگونه به او کمک کنیم؟ هر کسی مقداری پول کمک می‌کند، به او پول می‌دهد، و خانواده او را تأمین می‌کند. خوب، از آن به بعد او انجام هر کاری را متوقف می‌کند. به غیر از خواندن فا، صرفاً در خانه می‌ماند و با پول آنها زندگی می‌کند. کمی بعد، از مطالعه فا هم دست می‌کشد: «فقط پول را برای من بیاورید و حالا صرفاً اینگونه زندگی می‌کنم.» همگی در این باره فکر کنید. شما نیکخواهی دارید، اما نمی‌توانید این چیزها را به این شکل اداره کنید. هر کسی سختی‌های خودش را دارد. می‌توانید از روی نیکخواهی به او کمک کنید یک شغل پیدا کند یا بطور موقت به برخی موارد ضروری رسیدگی کنید، اما مطلقاً نمی‌توانید برای مدت زمانی طولانی آن را انجام دهید. مسیری که برای او نظم و ترتیب داده‌ام را مختل می‌کنید و برای او غیرممکن می‌سازید که تزکیه کند. در پایان، تزکیه را متوقف خواهد کرد. از جستجوی شغل دست می‌کشد، و از آنجا که پول برای خرج کردن دارد نمی‌خواهد مشکل را حل کند، و می‌گوید، «فقط هر ماه برای من پول بیاور.» آنوقت، می‌گوییم، شاگردان واقعاً در حال انجام چه کاری هستند؟

دادن هدیه؟ هدیه دادن چیست؟ کسی به شخص دیگر چیزی بدهد؟ چرا کسی که شما را نمی‌شناسد باید چیزهایی به شما بدهد؟ خوب، پس شما یکدیگر را می‌شناسید و همگی شاگرد هستید. اما، آیا یک شاگرد باید همین‌طوری به شاگرد دیگر چیزهای گران‌قیمت بدهد؟ چرا آن کار را انجام می‌دهید؟ باید دلیلی وجود داشته باشد! حتی اگر آن چیزها گران نباشند، چرا به تأمین آنها برای چنین مدتی طولانی ادامه می‌دهند؟ چرا؟ و شما چرا آنها را قبول می‌کنید؟ آیا به این خاطر نیست که نمی‌توانید وابستگی خود به حرص و طمع را ترک کنید؟ یا دلائل دیگری وجود دارد؟ چرا سعی نمی‌کنید آنها را پیدا کنید؟ آن غیرقابل قبول است. این دافای ما درگیر پول یا اموال مادی نمی‌شود، و ما پول یا دارایی‌های مادی جمع نمی‌کنیم. آمده‌اید که تزکیه را تمرین کنید، و از همه شما که اینجا نشست‌اید، حتی یک ریال هم نمی‌خواهم. چرا اینطور است که وقتی افراد دیگر به شما چیزهایی می‌دهند، نمی‌توانید آن را رها کنید؟ اینجا درباره موضوعی بخصوص نکته‌ای را می‌گوییم: تمام آنهایی که برای دافا کار

می‌کنند، و تمام آنهایی که برای استاد کار می‌کنند، بدون توجه به علت، مطلقاً نمی‌توانید چیزی از شاگردان قبول کنید. چیزهایی که برای استاد ارسال می‌شوند باید به استاد داده شوند تا اداره کند. اجازه اداره کردن آن چیزها را به خودتان ندهید، آنها را برای خود نگه ندارید، که محکم به آنها چسبیده، یا نامه‌ها و چیزهای دیگر که برای استاد فرستاده شده را باز کنید.

**پرسش:** آیا فساد یک موجود در نتیجه آلوده شدن روح اصلی آن موجود به وابستگی‌ها است یا سرشت روح اصلی تغییر کرده است؟

**معلم:** من به آن چیزها اینگونه نگاه نمی‌کنم. وجود شخص یک ذات مستقل است، و شما نمی‌توانید بگویید که روح اصلی شما، روح کمکی شما، یا بدن شما اینطور و آنطور شده است. اگر کسی اشتباه کند، آن موقع اشتباه می‌کند، زیرا هر یک فکر شما شامل تمام شماها در سطوح مختلف می‌شود. وقتی کسی اشتباه خود را تصحیح می‌کند، آنوقت فردی خوب است. اگر کسی بتواند خود را تزکیه کند، می‌تواند به بالاتر پیش رود.

**پرسش:** در جهان کوچک یک بدن انسانی، آیا تمام موجودات با روح اصلی که آن بدن بشری را کنترل می‌کند در سطحی یکسان هستند؟

**معلم:** آنها در یک سطح نیستند. شما بالاتر از همه موجودات درون بدن تان هستید. همزمان، در میان تمام سلول‌های تان یک سیستم کنترل با افکار همسان وجود دارد.

**پرسش:** من سیزده سال دارم و در ژاپن به دنیا آمدم. به علت موانع زبانی، نمی‌دانم چگونه تزکیه کنم.

**معلم:** افراد بزرگسال [اطراف او] باید به حل این مشکل کمک کنند. چون در ژاپن به دنیا آمده است، چینی را نمی‌فهمد. چون بسیار جوان است، نمی‌تواند کاملاً برخی از چیزها در زبان ژاپنی را هم درک کند، و تمام حروف را نمی‌شناسد، بنابراین احتمالاً مشکلاتی دارد. وقتی شما قسمت‌های خاصی را نمی‌فهمید، صرفاً از بزرگسالان سؤال کنید، و به تدریج همه چیز را درک خواهید کرد. گذشته از همه اینها کودکان [در یادگیری] بسیار سریع هستند. می‌دانید، در چین افراد مسنی هستند که هرگز به مدرسه نرفته‌اند، اما جوآن فالون را می‌خوانند، و پس از بارها و بارها خواندن آن می‌توانند تمام کتاب را بخوانند. تقریباً تعدادی از افراد مانند این در میان مریدان دافا هستند. چندین دهه یا حتی بیشتر عمرشان گذشته است، و هرگز تصور نمی‌کردند که بتوانند حروف را تشخیص دهند. اما، از طریق خواندن دافا، توانستند جوآن فالون را در دوره زمانی کوتاهی بخوانند، و حتی از طریق خواندن کاملاً با متن آشنا شدند. آن حقیقتاً یک معجزه است! از آن گذشته، این فا است، پس این چیزها می‌توانند روی دهند. البته، کودکان شاید پشتکار بزرگسالان را نداشته باشند، اما آن را در نظر خواهیم گرفت. هرچه باشد، کودک، کودک است. اگر شما کمی تلاش کنید و بزرگترها کمی کمک کنند، می‌تواند مشکل حل شود.

**پرسش:** روح‌های کمکی چه نوعی از روابط تقدیری را در میان خود دارند؟

**معلم:** آنها شاید روابط تقدیری داشته باشند شاید هم نداشته باشند. فرمولی وجود ندارد. هر کسی شرایط منحصر بفرد خود را در زندگی‌های قبلی دارد، و آنها روابط تقدیری انسان‌ها است که هیچ ارتباطی به تزکیه شما ندارد. کافی است که روح اصلی اینجا با آگاهی کامل فا را بدست آورد. همانطور که تزکیه می‌کنید دیگر روح‌های کمکی بطور طبیعی تبعیت می‌کنند.

**پرسش:** آیا می‌توانیم فا را در یک مدرسه هنرهای رزمی ترویج دهیم؟

**معلم:** فکر نمی‌کنم مشکلی باشد که در هر محیطی به مردم کمک کرد فا را کسب کنند. اما یک چیز هست: برخی هنرهای رزمی هنرهای رزمی دائوئیستی هستند، که به رده‌ی چی‌گونگ متعلق هستند. هنرهای رزمی دیگر هیچ مداخله‌ای ایجاد نمی‌کنند. بسیاری از افرادی که دافا را تمرین می‌کنند هنرهای رزمی را هم تمرین می‌کنند، و هیچ یک از آنان بر ما تأثیری ندارد.

پرسش: بعد از اینکه استاد آشکار کردند که علم حقیقتاً چیست و نارسایی‌های گوناگون جامعه بشری چیست، وقتی به قضاوت در مورد چیزها می‌رسد ذهنم بسیار گیج می‌شود، و نمی‌توانم آن را حل کنم.

**معلم:** بگذارید این را تکرار کنم: شما باید در تزکیه خود تا بیشترین حد ممکن با روش جامعه عادی مطابقت داشته باشید. به شما می‌گویم: عوامل حقیقی پشت علم را آشکار کرده‌ام، اما علیه علم نیستم. بگذارید این را دوباره تکرار کنم: من فاش کرده‌ام که علم واقعاً چیست، اما بر ضد علم نیستم زیرا آن، در نهایت، چیزی است که یک شکل از موجودات، در میان تمام موجودات کیهان آن را دارا است. اینجا اشاره کرده‌ام که نوع بشر نباید در این حالت باشند، همینطور اینکه علت فساد بشریت چیست. من مخالف علم نیستم. پیش بروید و هر کاری که انجام می‌دهید را انجام دهید. فقط اینطور است که در مقایسه با فای بودا بسیار محدود است. همانطور که بیشتر تزکیه می‌کنید به تدریج این را درک خواهید کرد.

پرسش: وقتی در ابتدا فا را کسب کردم بی‌نهایت هیجان‌زده بودم، اما چون عمیقاً در توهم گم شده‌ام، کارهای بسیار بدی انجام دادم. آیا کارم تمام است؟

**معلم:** تزکیه در دافا هنوز ادامه دارد، و شاگردان هنوز بطور مستمر سخت‌کوشانه پیشرفت می‌کنند. این یادداشت را اینجا بالا فرستادید، و من حتی آن را برای شما خواندم، پس رابطه تقدیری شما کاملاً قوی است. امروز را غنیمت بشمارید. (تشویق)

پرسش: من اهل لبنان هستم. سایر اعضای خانواده‌ام مذهبی هستند. من مذهبی نیستم، اما نگرانم شاید تحت تأثیر قرار بگیرم.

**معلم:** تحت تأثیر قرار نخواهید گرفت. شما کتاب خود را مطالعه می‌کنید و آنها می‌توانند به اعتقاد خود باور داشته باشند. آن بر شما تأثیری نخواهد گذاشت. زیرا آنچه آنها باور دارند توسط خدایان مراقبت نمی‌شود، و از آنجایی که هیچ خدایی از آن مراقبت نمی‌کند، حتی کمتر اینطور است که هیچ اثری داشته باشد.

پرسش: درست قبل از شرکت در کنفرانس فا چند آزمایش شین‌شینگ برای من پیش آمد. آیا آنها توسط بدن‌های قانون شما نظم و ترتیب داده شده بود؟

**معلم:** تا وقتی که یک شاگرد باشید، من مسئول شما خواهم بود. در مورد اینکه آیا من باعث می‌شوم شما از میان آزمایش‌های شین‌شینگ بگذرید یا به خاطر دلایل خاص دیگری است، به عنوان استادتان، من قطعاً در این چیزها مسئول شما هستم. هر چیزی که برای یک تزکیه‌کننده پیش می‌آید خوب است. فقط پیش بروید و خود را تزکیه کنید. احتمالاً دیروز صبح وقتی شاگردی درباره تجربه‌اش صحبت می‌کرد توجه نکردید، او ذکر کرد که [در یک مرحله] بدون توجه به اینکه چقدر سخت تزکیه کرد، احساس نمی‌کرد که هیچ پیشرفتی داشته است. و سپس یک روز، ناگهان فهمید، «زمان آن است که در این بخش تغییر کنم.» آنوقت همانطور که بیشتر تزکیه کرد، آن دیوار فوراً فروشکست، و در یک لحظه، قلمرویی متفاوت درست جلوی چشمانش بود. فکر می‌کنم شما باید بیشتر به سخنان آن شاگرد فکر کنید.

پرسش: فالون دافا در یک دوره پیش از تاریخ مردم را نجات داد. چرا همه موجودات فا را فراموش کردند؟

**معلم:** به انسان‌ها اشاره می‌کنید یا به خدایان؟ آنهايي که توسط دافا نجات پیدا کردند همگی به بهشت‌ها رفتند. آنوقت شما از کجا می‌دانید که موجودات فا را فراموش کرده‌اند؟ می‌توانم به شما بگویم، وقتی فردی از طریق تزکیه به کمال می‌رسد، همه

چیز او با فا ساخته شده است، و هر چیزی جذب فا شده است. وقتی شما در دافا باشید، بخشی از دافا هستید. در حقیقت، تمام موجودات در کل کیهان بخشی از دافا هستند. فقط اینطور است که به تدریج از فا منحرف شده‌اند. هر چند وقتی یک موجود منحرف شده است، آنگاه آن بخش باید منحل شود، و موجودات جدید پس از آن دوباره خلق می‌شوند.

پرسش: برای ترکیه، شخص باید درک خود را درباره دافا و از برکردن دافا عمیق کند. می‌توان آن را به این شکل گفت؟

**معلم:** آن به این صورت نیست. آنچه اکنون از برمی‌کنید صرفاً پایین‌ترین شکلی است که در آن فا توضیح داده می‌شود- آن فایی که من در میان مردم عادی آموزش می‌دهم. اما وقتی در قلمروهای مختلف به کمال برسید فایی که خواهید دانست متفاوت است، به جز معانی درونی، از فایی که اکنون به شما آموزش می‌دهم- حتی یک کلمه یکسان نیست. درک می‌کنید چه می‌گویم؟ (تشویق) بنابراین هنوز نمی‌توانید از فکر کردن درباره امور خدایان با افکار بشری اجتناب کنید.

پرسش: فهمیده‌ام که با عبور از وابستگی‌ها تا اینجا آمده‌ام، و وابستگی‌ه درباره درست یا اشتباه بودن در ظاهر نیست؛ در عوض، معنای درونی آن متفاوت است.

**معلم:** درست است، زیرا وقتی دافا در سطوح مختلف شما را راهنمایی می‌کند، فقط می‌توانید آن را در ذهن خود درک کنید، اما نمی‌توانید آن را با کلمات بیان کنید. به محض اینکه وارد مرحله تبدیل افکار به زبان مردم عادی می‌شود- حتی قبل از اینکه کلمات را بیان کنید، بلافاصله که وارد روند تنظیم کردن افکار و تبدیل آن به زبان مردم عادی می‌شود، متفاوت می‌شود. به همین علت وقتی که درباره آن حرف می‌زنید، آن دیگر معنای واقعی آن قلمرو نیست. شاید این را به خوبی درک کرده باشید. بنابراین فقط می‌توانید آن را در ذهن خود درک کنید اما نمی‌توانید با کلمات آن را بیان کنید. اما چرا می‌توانید درباره تجربیات و درک‌های تان صحبت کنید؟ به این خاطر که آنچه می‌گویید چیزهایی از پایین‌ترین سطح و در بیرونی‌ترین سطح هستند، یا چیزهایی از گذشته‌تان. البته، آنچه شاگردان جدید درباره آن صحبت می‌کنند تجربیات فعلی آنهاست، زیرا چیزی که شاگردان جدید می‌گویند محدود به چیزهایی در سطح است.

پرسش: استاد تقریباً چند بار اشاراتی به من رساندند، اما نمی‌خواهم در مورد خودم خیلی بالا فکر کنم. آیا پشت این فکر یک وابستگی وجود دارد؟

**معلم:** نه لزوماً، زیرا بعضی اوقات شخص می‌ترسد وابستگی از خودراضی بودن را رشد دهد، پس سعی می‌کند خود را کنترل کرده و از خیلی سطح بالا فکر کردن درباره خود و از خودراضی بودن اجتناب کند. فکر می‌کنم آن خوب است، اما به انجام آن خیلی وابسته نشوید، یا اینکه آن وابستگی دیگری خواهد شد. صرفاً به شیوه‌ای راستین و باوقار ترکیه کنید.

پرسش: برخی افراد از دیگران انتقاد می‌کنند، می‌گویند «تو این وابستگی را داری»، و «تو آن وابستگی را داری». اما آیا آن افراد خودشان وابستگی ندارند؟

**معلم:** هر دو [حالت] امکان دارد. سؤال مطرح شده کاملاً جالب است، اما امکان دارد شخصی که این سؤال را مطرح کرده است به چیزی وابستگی دارد. وقتی بعضی از شما می‌گویید که دیگران وابستگی دارند، به این خاطر است که به وابستگی خودتان ضربه خورده است، بنابراین برمی‌گردید و وابستگی خود را پوشانده، می‌گویید که دیگران وابستگی دارند؟ (تشویق) و آنهایی که گفته شده وابستگی دارند: آیا، به جای ترک وابستگی‌هایتان، می‌گویید کسانی که به شما گفتند وابستگی دارید، [خودشان] وابستگی دارند زیرا شما نمی‌توانید وابستگی‌هایتان را رها کنید؟

پرسش: اگر فردی در یک مقام مسئولیتی به خاطر شخصی با توانایی بیشتر از مقام خود دست بکشد، آیا در تثبیت دافا مشارکت نمی‌کند؟

**معلم:** با نگاه به ظاهر کلمات شما، هر کسی موافق است که درست می‌گویید. این موضوعی نیست. وقتی کسی که نه تنها خود را به خوبی تزکیه می‌کند بلکه بسیار توانا نیز هست شغل خود را انجام ندهد، این یک ضرر برای دافا است. اگر بتوانید از این زاویه به آن نگاه کنید، از نقطه نظر اینکه چه چیزی برای فا خوب است، می‌گوییم که آن واقعاً عالی است. البته، هر چند از زاویه‌ای دیگر، اگر شما افکار عمیقاً پنهان دیگری دارید و حتی جرأت نمی‌کنید آن را در نظر بگیرید ممکن است آنها وابستگی باشند، و اگر هر بار که افکارتان به سمت آن [وابستگی‌ها] می‌روند شما آنها را پوشانده و می‌گذارید منحرف شوند، آنوقت این خوب نیست.

پرسش: اغلب به خودم می‌گویم قلبم و هر چیزی که دارم را در اختیار استاد بگذارم.

**معلم:** احساسات همه را درک می‌کنم. بگذارید به شما بگویم، آن چیزی است که از مذاهب باقی مانده. شاکيامونی - از آنجا که مریدانش باید برای صدقه‌گدایی می‌کردند - در واقع گفت که دادن غذا به راهبان چیزی است که شایستگی بی‌کران به ارمان می‌آورد. اما هرگز نگفت که ارائه چیزی یا تأمین پول برای او شایستگی بی‌کران به ارمان می‌آورد. مذاهب اکنون دیگر قادر نیستند الزامات بودا را دنبال کنند. به این خاطر است که برخی راهبان امروزه بسیار طماع شده‌اند. آنها پول بسیار زیادی می‌خواهند، بنابراین این ایده را ترویج دادند: «فقط اگر مرا تأمین کنی شایستگی بی‌نهایت خواهی داشت.» پس چگونه قرار است آنها را تأمین کنید؟ فرض شده است که هر چه بیشتر به آنها بدهید، بهتر است. حتی فکر می‌کنند عالی است اگر تا حدی آنها را تأمین کنید که تمام منابع مالی‌تان تمام شود. درباره آن فکر کنید، آن بی‌نهایت خودخواهی است. آن افکار خودخواه، حتی تا حدی که تمام دارایی‌های دیگران را بگیرد و هنوز احساس رضایت ندارد، حتی از اهریمنان شیطانی بدتر است. چگونه ممکن است آنها تزکیه‌کننده باشند؟

دافا نمی‌تواند با پول سنجیده شود. شما نیز، یک تزکیه‌کننده هستید، پس چرا شخص دیگری باید شما را تأمین کند؟ چرا پول دیگران را قبول می‌کنید؟ (تسویق) از زاویه‌ای دیگر، فردی که می‌خواهد شما را تأمین کند نیز در حال تزکیه بودا شدن است. در غیر اینصورت، چرا شما را تأمین می‌کند؟ شاید او بهتر از شما تزکیه کرده است! چه چیزی این حق را به شما می‌دهد که توسط او تأمین شوید؟ شما باید او را تأمین کنید! البته، امروزه مردم عادت کردند ببینند که مذاهب به دنبال پول و قدرت می‌روند، و در سیاست درگیر می‌شوند، پس دیگر تعجب نمی‌کنند. دروغ‌ها ممکن است بعد از اینکه سه بار تکرار شوند به نظر حقیقت بیایند، پس هر چه بیشتر مردم آنها را بشنوند، بیشتر قابل قبول می‌شوند، و مردم از فکر کردن درباره اینکه آیا آنها صحیح هستند یا خیر دست می‌کشند. البته، بعضی از شاگردان نگران وضعیت زندگی استاد هستند، و اغلب فکر می‌کنند که به حل برخی از مسائل مربوط به زندگی استاد کمک کنند. نیازی نیست به آن فکر کنید. می‌دانم چه احساسی دارید.

پرسش: تنها هدف زندگی این است که جذب حقیقت - نیکخواهی - بردباری شد. اگر از آن منحرف شوم، درخواست خواهم کرد که هر دوی بدن و روحم نابود شود.

**معلم:** شما هم اکنون درک بسیار عمیقی از فا دارید و عزم شما برای رسیدن به کمال بسیار مستحکم است. فکر می‌کنم این بسیار خوب است. و فکر می‌کنم که فقط فردی که بنیان بسیار محکمی از تزکیه در این فا دارد می‌تواند چنین کلماتی را بنویسد.

پرسش: در آینده، پس از استاد آیا هر کسی به اشاعه این دافا ادامه می‌دهد؟

**معلم:** پس از آنکه این انجام شود تمام خواهد شد. شما در لحظه یک انتقال در کیهان هستید. بعد از اینکه اصلاح فا تمام شود، نوع بشر آینده از نو رشد می‌یابد. آنها درباره دافا نخواهند دانست، اما می‌دانند که چیزی مانند این در تاریخ اتفاق افتاده است. در



مورد اصول این دافا، آنها یک کلمه از آن را نخواهند دید. وقتی تمدن جدید آنها بنا گذاشته شود، بوداها، داتوها، یا خدایان جدیدی خواهند بود که به دنیای بشری پایین می‌آیند تا مردم را نجات دهند، بنابراین موجودات در آینده نیز فای بودا را خواهند شنید. شاید در آن زمان در اجتماع غرب خدایی مانند عیسی دوباره به دنیای بشری بیاید. آن چیزها در دورانی جدید رخ خواهند داد، و ارتباطی به شما ندارند.

پرسش: آیا جوآن فالون و دیگر کتاب‌های معلم که منتشر شده‌اند همان قدرت فا را دارند؟

معلم: این درست است. هر چیزی تا وقتی به دافا تعلق دارد، همان معانی درونی بی‌کران را دارد. [اما] به شما می‌گویم اگر می‌خواهید به شکلی نظام‌مند تزکیه کنید، باید بر یک کتاب، جوآن فالون، تمرکز کنید. تمام کتاب‌های دیگر صرفاً مرجع شما هستند. کتاب‌های مکمل ارزش تکمیلی مختلفی در سطوح مختلف دارند، چراکه معانی درونی مختلف در سطوح مختلف وجود دارد. اما اگر می‌خواهید بطور نظام‌مند تزکیه کنید، با جوآن فالون پیش بروید. به همین دلیل باید جوآن فالون را بارها بخوانید.

پرسش: آیا درست است که تمام مریدانی که به کمال می‌رسند به سطوح بی‌نهایت بالا برده خواهند شد؛ در غیر اینصورت، به فایی به آن اندازه بی‌کران نیازی نداشتند؟

معلم: به عبارت دیگر، شما می‌گویید: «معلم چنین قانون بزرگ عمیق و سطح بالایی را به ما آموزش داده است. اگر، با وجود اینکه چیزهایی به آن بالایی را به ما آموزش دادید، نتوانیم آنقدر بالا برویم، آنوقت آیا آن چیزها را بیهوده به ما آموزش داده‌اید؟» بگذارید به شما بگویم - و برخی از شاگردان شاید آن را دیده باشند - در هر کنفرانس فا، آنهایی که به فا گوش می‌دهند به شما موجودات بشری محدود نمی‌شود. البته، معانی درونی همان جمله‌ای که آنها می‌شنوند با آنچه شما می‌شنوید و تزکیه‌کنندگان در این سطح درک می‌کنند متفاوت است.

پرسش: وقتی شاگرد دیگری در سخنرانی خود گفت: «آرزو می‌کنم به خانه‌ام برگردم»، به دلائلی نتوانستم از اعماق قلبم گریه نکنم.

معلم: شاید آن اساسی‌ترین بخش شما را، [همان] میکروسکوپی‌ترین بخش را تحت تأثیر قرار داده است.

پرسش: سری‌واتسا نماد سطح یک بودا است. پس آیا برای سطح یک داتو نمادی وجود دارد؟

معلم: نمی‌توانید برای مسائل در آسمان‌ها یک فرمول بکار ببرید - آن اینطور نیست. در واقع، تجلی خدایان مختلف به این بستگی ندارد که چه نوع نمادهایی دارند یا چه تعداد نماد دارند. سری‌واتسا صرفاً یک تجلی از یک بودا است - آن یک بودا را نشان می‌دهد. البته، یک بودا اینگونه تجلی می‌یابد؛ بوداها این نماد را دارند که سطح آنها را منعکس می‌کند. در حقیقت، شما می‌توانید با یک نگاه سطوح خدایان در آسمان‌ها را ببینید - با یک نظر سطوح آنها را خواهید دید.

پرسش: در گذشته، در تمام شیوه‌های تزکیه، این روح‌های کمکی بودند که گونگ را بدست می‌آوردند. آنوقت در روش‌های تزکیه مذاهب غربی، چه کسی گونگ را بدست می‌آورد؟

معلم: آیا در این باره تردیدی وجود دارد؟ در روش‌های تزکیه غربی، آیا یکسان نیست - که روح کمکی بعد از اینکه بدن فیزیکی می‌میرد صعود می‌کند؟ حتی یک نفر بر روی زمین مستثنی نیست. پس روح اصلی فرد به بازپیدایی ادامه می‌دهد.

پرسش: غربی‌ها فکر می‌کنند خدا تنها خالق این جهان است. ما چگونه می‌توانیم این مانع را از میان برداریم؟

**معلم:** برخی افراد آنطور فکر می‌کنند. می‌توانید برای آنها دلیل و برهان بیاورید، یا کتاب را به آنها بدهید که بخوانند. به غیر از اینها رویکرد دیگری وجود ندارد. نمی‌توانید آنها را مجبور کنید که به این باور بیاورند. اگر خودشان باور نداشته باشند، اکنون هیچ راه دیگری وجود ندارد. گفته‌ام که برای خدایان در سطوح مختلف در کیهان، بدون توجه به اینکه چقدر سطوح آنها بالا است یا به چه سطوحی تعلق دارند، هیچ تصویری ندارند که بالاتر از آنها چه چیزی وجود دارد. امروز، در اصول فایه که آموزش می‌دهم، به شما می‌گویم که آن قلمروهای بالا وجود دارند، صرفاً درحالی که تمام این اصول گوش می‌دهید که در میان توهم بشری هستید. اما وقتی واقعاً در فا ذوب شوید، بخشی از آن سطح از فا خواهید شد، و در آن زمان، وقتی کسی به شما درباره قلمروهای بالاتر بگوید اصلاً باور نخواهید کرد. به این خاطر که درست پیش چشمان تان حقیقتاً هر چیزی در سطح خود یا زیر سطح خود را بدون اینکه چیزی از قلم بیفتد خواهید دید، و در آن حالت، مطلقاً به وجود آنچه که نتوانید ببینید باور نخواهید داشت. اکنون فکر می‌کنید، «از آنجا که استاد این را به ما گفته است، در آینده به آن باور خواهم داشت.» بگذارید به شما بگویم، در آن زمان نه سبک زبانی و نه شکل فایه که اکنون به شما آموزش می‌دهم، چیزی که اکنون هست نخواهد بود.

*پرسش: آیا خدایان روح اصلی دارند؟*

**معلم:** نمی‌توانید خدایان را با انسان‌ها مقایسه کنید زیرا انسان‌ها در توهم هستند. خدایان روح‌های اصلی، روح‌های کمکی، یا دیگر اشکال هستی را ندارند- خدایان صرفاً خودشان هستند. اما خدایان بدن‌های خدایان را دارند، اگر چه طوری که آن بدن وجود دارد برخلاف شیوه‌ای است که روح اصلی یک موجود بشری با بدن بشری ارتباط دارد- ارتباط آن اینگونه نیست، زیرا آنها یکی هستند. و بسیار شفاف و واضح درباره تمام این چیزها می‌دانند، درحالی‌که انسان‌ها چیزی نمی‌دانند.

*پرسش: من یک تازه‌وارد هستم. نمی‌توانم واقعاً به وجود خدایان و بهشت‌ها ایمان داشته باشم. اگر فا را با پشتکار مطالعه کنم، ذهنم را تزکیه کنم، و تمرین‌ها را انجام دهم، آیا می‌توانم مرید شما باشم؟*

**معلم:** بله می‌توانید. همه شما می‌توانید. فقط پیش بروید و تزکیه کنید. تعداد زیادی از افراد هستند که طرز فکرشان سرسختانه‌تر از افکار شما است، اما در نهایت همه آنها سطح خود را از طریق تزکیه ارتقاء داده‌اند. درباره آن نگران نباشید و فقط تزکیه کنید. در حقیقت، از کلمات شما [می‌توانم بگویم که] فکر یادگیری دافا را آغاز کرده‌اید، که صرفاً یک شروع است. با توجه به پایه تفکر شما در حال حاضر، واقع‌بینانه نیست که هر چیزی تغییر کند، بنابراین بوسیله مطالعه فا به تدریج به درک چیزها در اصول فا می‌رسید، و کم‌کم به مرحله‌ای ترفیع می‌یابید که چیزها را حس می‌کنید، با آنها در تماس قرار می‌گیرید، و آنها را می‌بینید.

*پرسش: من می‌بینم که بسیاری از افراد تصاویری دارند که همزمان با آنها وجود دارند. آیا این افراد می‌توانند در تزکیه یک بدن حقیقی موفق شوند؟*

**معلم:** از آنجایی که دافا با سرعتی باورنکردنی افراد را تغییر می‌دهد، شما تصاویر بدن‌های آنها که در بعدها دیگر وجود دارند را دیدید.

*پرسش: من دوست دارم قبل از اینکه بخوابم به نوارهای صوتی سخنرانی‌های استاد گوش بدهم، اما اغلب پیش از اینکه به پایان برسند خوابم می‌برد. آیا این بی‌احترامی به استاد است؟*

**معلم:** اینطور فکر می‌کنم: اگر می‌خواهید با پشتکار تمرین کنید باید مطالعه فا را جدی تلقی کنید. اگر خوابتان نمی‌برد و فقط وقتی می‌توانید بخوابید که در حال گوش دادن به این فا باشید، آنوقت از فا استفاده می‌کنید که کمک کند بخوابید. از کجا می‌آید؟ بطور مشابه، برخی افراد در حقیقت وقتی به فا گوش می‌دهند به خواب می‌روند. چرا آن اتفاق می‌افتد؟ چگونه می‌توانید

آنچه شما را به خواب می‌برد و باعث می‌شود به فا گوش ندهید اهریمن تلقی نکنید؟ و اگر اینطور است، چرا بر آن غلبه نمی‌کنید؟

پرسش: *شانه‌های یک هم‌تمرین‌کننده وقتی که تمرین‌ها را انجام می‌دهد به شدت می‌لرزد، و حتی وقتی چشم‌هایش را باز می‌گذارد این جریان ادامه دارد.*

**معلم:** از او بخواهید زمان بیشتری را برای مطالعه فا و خواندن کتاب‌ها صرف کند، و حقیقتاً خودش را براساس فا رشد دهد. وقتی یک شخص نمی‌تواند بر یک راه تزکیه تمرکز کند، این نوع مشکل اتفاق می‌افتد. یا اگر در تزکیه فردی مشکلاتی در شانه‌اش داشته باشد، وقتی بیماری‌ها مداوم می‌شوند شانه‌های او ممکن است آنطور بلرزد. اگر این برای مدتی طولانی ادامه یابد، به این معناست که او هنوز در مرحله ابتدایی درمان بیماری است و هیچ پیشرفتی نکرده است. با ذهنی پاک تزکیه کنید. وقتی او حقیقتاً در درک خود از فا رشد کند، آن را به سرعت خواهد گذراند، و از آن سطح عبور می‌کند. وقتی در طول تزکیه به لحاظ فیزیکی احساس معذب بودن می‌کنید و آن برای مدتی طولانی برطرف نمی‌شود، چرا وابستگی‌هایتان را رها نمی‌کنید و واقعاً خود را در دافا تزکیه نمی‌کنید؟ وقتی صرفاً می‌خواهید بوسیله تمرین‌ها از بیماری‌ها رها شوید، یا اگر می‌خواهید تزکیه کنید اما کتاب‌ها را نمی‌خوانید، چگونه می‌توانید خود را تغییر دهید؟ چگونه می‌توانید آنجا گیر نکنید و در آن حالت باقی نمانید؟

پرسش: *در زندگی روزمره به خیلی چیزها اهمیتی نمی‌دهم. آیا این باعث می‌شود در طول تزکیه نیز نسبت به آزمایش‌ها بی‌تفاوت باشم؟*

**معلم:** اگر در طول تزکیه، دافا نتواند شما را به حرکت درآورد و به نظر برسد هیچ تفاوتی با تمام چیزهای معمولی دیگر ندارد، آنوقت فکر می‌کنم این واقعاً یک مشکل است. در آن صورت باید زمان بیشتری صرف کرده تا بر خواندن فا تمرکز کرده، و بر این مانع غلبه کنید. وقتی آن مانند یک دیوار آهنی است و نمی‌توان از آن عبور کرد، و بطور جدی برای کیفیت روشن‌بینی و درک‌تان از فا مانع ایجاد کرده است، چرا از آن عبور نکرده و آن را باز نمی‌کنید؟

پرسش: *کاری وحشتناک انجام دادم. آیا هنوز می‌توانم تزکیه کنم؟*

**معلم:** بعد از اینکه فا را کسب کرده‌اید واقعاً نباید بارها و بارها دوباره آنطور اشتباه کنید! وابستگی‌هایی که قادر نبوده‌اید رها کنید باعث می‌شود شما دانسته مرتکب اشتباه شوید. اگر درس عبرت نگیرید و از آنها برای تغییر دادن خود به طور اساسی الهام نگیرید و از نو شروع نکنید، این فرصت را از دست خواهید داد.

پرسش: *اغلب درک‌هایی جدید از حقایق فا دارم. آیا اینها فقط در سطح تئوری هستند؟*

**معلم:** وقتی درک‌های جدید دارید درحال رشد یافتن هستید. تفاوت بزرگی را حس می‌کنید، و وقتی تفاوتی حس می‌کنید، در حال پیشرفت هستید. مردم عادی هیچ چیز اشتباهی در مورد خودشان نمی‌بینند. درکی که در آن حالت به آن روشن و آگاه می‌شوید صرفاً در سطح تئوری نیست - آنطور نیست. زیرا تغییرات میکروسکوپی نمی‌تواند در اجتماع بشری عادی تجلی یابد، شما فقط می‌توانید آن را از دریافت‌های منعکس شده از حقایق فا درک کرده یا حس کنید. آن به این شکل است.

پرسش: *«اگر حسادت از بین نرود، تمام افکاری که تزکیه کرده‌اید شکننده می‌شوند.» این به چه نوعی از «افکار» (شین) اشاره می‌کند؟*

**معلم:** «شین» که اینجا ذکر شده است مطمئناً به تمام افکار درست در طول تزکیه‌تان اشاره دارد. افکار درست در واقع درک‌های درست هم هستند. آن به این معناست که آن بخش از شما که بطور کامل تزکیه شده است بسیار شکننده می‌شود.

این موضوعی را به یادم آورد. کتاب جدید، سخنرانی در کنفرانس فای دستیاران در چانگ چون، که در هنگ کنگ منتشر شد، این کلمات «فای نوع بشر» را در خط سوم از صفحه دوازدهم دارد. «نوع بشر» را به «کیهان» تغییر دهید بنابراین اینطور خوانده می‌شود «فای کیهان». برای کتابی که در سرزمین اصلی چین منتشر شد، احتمالاً این در صفحه چهاردهم است.

پرسش: مطالعه گروهی کتاب جوآن فالون و مطالعه شخصی آن در خانه با سرعت متفاوتی پیش می‌رود. آیا این ترکیه را عقب می‌اندازد؟

**معلم:** اگر با دقت مطالعه کنید آن تأثیری بر شما ندارد. به شما می‌گویم، وقتی جوآن فالون را می‌خوانید، آن را از ابتدا تا انتها بخوانید. اگر نمی‌توانید امروز آن را تمام کنید، فردا از همانجایی که قطع کردید ادامه دهید؛ اگر دوباره نتوانید تمامش کنید، دفعه بعد از همان نقطه‌ای که قبلاً متوقف کرده بودید ادامه دهید. به این شیوه بخوانید، و در خواندن گزینشی عمل نکنید. بدتر اینکه وقتی مردم جوآن فالون را برای اولین بار می‌خوانند و فا را با افکار بشری خودشان می‌سنجند: «اوه، اینجا حس خوبی دارد. درباره چیزهایی که آنجا ذکر شده شک دارم.» آنوقت او کل کتاب را بدون هیچ فایده‌ای خوانده است - چیزی بدست نمی‌آورد، چقدر حیف! زیرا این فا قانون باوقار آسمان است یک موجود بشری نمی‌تواند تصور کند چه مقدار کارما دارد، یا افکارش از کجا می‌آید. زیرا او فایی مانند این را با ذهنی بشری می‌سنجد، قادر به دیدن چیزی نخواهد بود. کتاب را بدون هیچ عقیده از قبل شکل گرفته‌ای بخوانید. بعد از اینکه خواندن آن را تمام کردید می‌توانید قضاوت کنید. در طول روند خواندن، آن را ارزیابی نکنید.

پرسش: در زمستان، برای انجام تمرین‌ها در بیرون باید لباس‌های بسیار ضخیمی بپوشیم، و دستمان به سادگی لباس‌ها را لمس می‌کنند. آیا این با مکانیزم‌های انرژی تداخل ایجاد خواهد کرد؟

**معلم:** وقتی دستان لباس‌های ضخیمی که به خاطر هوای سرد پوشیده‌اید را لمس می‌کنند، آن تمرین شما را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. وقتی هوا خیلی سرد است، باید برای تمرین‌ها دستکش بپوشید، و خودتان را دچار سرمازدگی نکنید. در واقع، تمرین‌کنندگان دچار سرمازدگی نخواهند شد، اما برخی افراد به هنگام انجام تمرین‌ها سرمازده شده‌اند. چرا آن اتفاق افتاد؟ درباره آن فکر کنید: در دافا هیچ کسی مجبور به تزکیه کردن نمی‌شود - فرد خودش باید بخواند آن را انجام دهد. در طول تزکیه دافا بسیاری از شاگردان جدید می‌آیند که فا را یاد بگیرند. آنها چنان کیفیت روشن‌بینی خوب یا بالایی ندارند، یا هنوز سطح بالایی ندارند، و هنوز آزمایش نشده‌اند، پس هنوز نمی‌توانیم بگوییم که آنها آمده‌اند تزکیه کنند. به عبارت دیگر، وقتی ما نتوانیم هنوز آنها را به‌عنوان مریدان تزکیه‌کننده واقعی در نظر بگیریم، اگر دچار سرمازدگی شوند، آیا آن اثر شدیدی بر فا خواهد داشت؟ از آنجایی که آنها صرفاً در سطح مقدماتی هستند و تازه ملحق شده‌اند، هنوز مشخص نیست که تزکیه‌کننده هستند. وقتی آن را امتحان می‌کنند اگر دچار سرمازدگی شوند، چه اثر بزرگی خواهد داشت. شاگردان جدید می‌آیند تا تزکیه را برگزینند، بنابراین نمی‌توانید آن کار را انجام دهید. برخی از شاگردان دچار سرمازدگی شدند زیرا به انجام آن اصرار داشتند. در واقع، از یک جهت، آن به پاک شدن کارمای آنها کمک می‌کند؛ از جهتی دیگر، آن راهی است که آنها به این روشن و آگاه شوند.

پرسش: حرکات تمرین برخی از افراد بسیار نادرست است. آیا آن مکانیزم‌های انرژی و فالون را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

**معلم:** اگر حرکات خیلی نادرست باشند آن یک مشکل است. اگر اختلاف ناچیز باشد، ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که همه دقیقاً یکسان باشند گویی از یک قالب بیرون آمده‌اند. همانطور که آنها دقیقاً یکسان نیستند مانند اینکه توسط ماشین‌هایی ساخته شده‌اند، به ناچار تفاوت‌هایی در میان آنان وجود دارد. حتی اگر هیچ تفاوتی وجود نمی‌داشت، اگر از فرد کنار خود بلندتر باشید آیا هنوز تفاوتی وجود نمی‌داشت؟ باید گفت غیرممکن است که همه چیز یکسان باشد، درست؟ اما اگر حرکات‌تان خیلی اختلاف داشته باشد، آن یک مسئله است. ما باید حرکات‌مان را تا جایی که ممکن است تصحیح کنیم.

پرسش: وقتی به جای اینکه تمرین‌ها را در خانه انجام دهیم بیرون از خانه در سرمای زمستان یا گرمای تابستان آنها را انجام دهیم آیا کارما سریعتر از بین می‌رود؟

**معلم:** همانطور که لحظه‌ای پیش گفتیم، کاملاً خوب است که تمرین‌ها را بیرون از خانه انجام داد، اما شما نمی‌توانید از روی قصد به دنبال سختی باشید. اگر در شمال زندگی می‌کنید و زمستان بسیار سرد باشد، باید پالتو و دستکش بپوشید. صادقانه بگوییم، سرمازدگی کارمای زیادی را از بین نمی‌برد. ارتقاء *شین شینگ* چیزی است که برای رشد شما حیاتی است. (تشیویق)

پرسش: نمی‌توانیم استاد را در چین ببینیم. مریدان در منطقه من مکرراً خواستند درودشان را به استاد برسانم.

**معلم:** از همگی ممنونم. (تشیویق) خیلی خوب می‌دانم شاگردان در چین چه احساسی دارند. همانطور که می‌توانید ببینید، بسیار آسان است که یک کنفرانس تبادل تجربه در خارج از چین برگزار کرد. به‌تازگی یکی در لس‌آنجلس داشتیم، و کمی بعد از آن دوباره اینجا همدیگر را می‌بینیم. برای مریدان در چین آن کاملاً سخت است. ده‌ها میلیون، تقریباً صد میلیون مرید در چین وجود دارد، و واقعاً برای آنها بسیار سخت شده است که مرا ببینند. وقتی بفهمند من به کجا می‌روم یا در کجا می‌مانم، به نظر می‌رسد تمام شاگردان می‌خواهند به آنجا بروند. هواپیماها و قطارها بسیار پر می‌شود، خیابان‌ها مسدود می‌شود، و این برای حکومت غیرقابل قبول است. پس برای اینکه محیط برای آنها باثبات باشد، و بگذاریم بدون مداخله تزکیه کنند، و اجتماع را آشفته نکنیم و زحمتی برای حکومت ایجاد نکنیم، نمی‌توانم اینطور با آنها ملاقات داشته باشم.

پرسش: آیا استاد فرصتی برای آمدن به بلژیک خواهند داشت؟ در طول فعالیت‌های اشاعه فا، با موقعیت‌هایی روبرو شده‌ایم که افراد دیگر برای سازمان دادن کلاس‌ها یا سمینارها پول اهدا می‌کنند.

**معلم:** مجالی خواهم داشت تا از بلژیک دیدن کنم. (تشیویق) هر کسی برای برگزاری کلاس‌ها یا سمینارها پول جمع کند یک مرید دافا نیست - آن مسلم است (تشیویق). از آنجا که دافا را با پول معامله می‌کند، این مسئله کوچکی نیست. اما اگر شاگردان داوطلبانه کمک می‌کنند که برای برگزاری یک فعالیت مکانی داشته باشیم، آنوقت مخالف آن نیستیم. به غیر از آن، قابل قبول نیست.

پرسش: اخیراً احساس کرده‌ام که زمان به سرعت سپری می‌شود، با سرعتی که امسال بیشتر از پارسال است. این چه معنایی دارد؟

**معلم:** البته، درباره این قبلاً صحبت کرده‌ام. شاید برای مردم باور آنچه گفتیم سخت باشد، چراکه باید در سطحی بالا مورد بحث قرار گیرد، و شما هنوز به پرسش درباره این چیزها ادامه می‌دهید... من در حقیقت تمام زمان‌ها را پشت سر گذاشتم تا این را انجام دهم. در غیر اینصورت - درباره آن فکر کنید - وقتی موجودی وارد یک میدان زمانی می‌شود، توسط آن زمان محدود می‌شود؛ وقتی وارد میدان زمانی دیگری می‌شود، آنوقت توسط آن میدان زمانی محدود می‌شود. گذاشتن تمام دوره زندگی‌ام، یا ده، یک‌صد، یک‌هزار، یا ده‌ها هزار از زندگی‌هایم برای تمام کردن این امر کافی نمی‌بود. از آنجا که برای انجام این از تمام زمان‌ها فراتر رفتم، توسط هیچ زمانی محدود نمی‌شوم. برای سرعت بخشیدن به این، باید از زمان کل کیهان پیشی بگیرم. بنابراین بزرگترین فالون از بالاترین نقطه هنوز در حال تندتر کردن چرخش خود و به جلو راندن است. تمام کیهان به‌عنوان یک کل به هم وصل است، از بالا تا پایین، پس زمان تندتر و تندر می‌شود. تقریباً چقدر سریع شده است؟ موجودات در زمان مکان‌های مختلف سرعت آن را حس نمی‌کنند زیرا بدون توجه به اینکه چقدر سریع می‌شود، هر چیزی در بعدهایشان همراه با آن سریع می‌شود. آیا می‌توانید درک کنید چه می‌گوییم؟ هنوز بیست و چهار ساعت در شبانه‌روز وجود دارد و مردم بطور یکسان مشغول کار خود هستند. زمان در تمام این بعد بسیار سریعتر به پیش هل داده شده است، اما ساعت هنوز بر طبق میزان

بیست و چهار ساعت در شبانه‌روز تیک‌تاک می‌کند، بنابراین مردم احساس نمی‌کنند که آن سریع شده است. و می‌بینند که خورشید درست مانند معمول طلوع و غروب می‌کند.

وقتی هر چیزی تندتر می‌شود، هر چیزی هم در اینجا تندتر می‌شود- متابولیسم شما، هر حرکت‌تان، هر نگاه، و طرز فکر تماماً همراه با آن تندتر می‌شود. بطور مشابه، محیط‌هایی که موجودات مختلف در آنها ساکن هستند نیز تندتر می‌شوند. هر چیزی تندتر می‌شود، از این رو هیچ کسی تندتر شدن را حس نمی‌کند. پس چقدر سریع‌تر شده است؟ امروز آنچه تقریباً یک روز است یک ثانیه است. درواقع، بیایید درباره آن فکر کنید، موجودات بشری کاملاً رقت‌انگیز هستند، اما هنوز مجذوب انجام کارهای بشری هستند و همچنان خود را شگفت‌آور می‌دانند. نوع بشر هنوز می‌خواهد پیشرفت خود را بیشتر کند. موجودات بشری صرفاً موجودات بشری هستند. وقتی از روی جهل در حال نابود کردن خود هستند حتی آن را تشخیص نمی‌دهند. روزی که آنها واقعاً یک فرد را شبیه‌سازی کردند روزی است که موجودات فضایی بطور رسمی شروع کردند جایگزین موجودات بشری شوند. خدایان برای یک موجود بشری شبیه‌سازی شده نظم و ترتیب قرار ندادند که یک روح داشته باشد، بنابراین شخصی که تولید شده است صرفاً مانند یک جسد است. بدون یک روح در همان تولد مرده است. آنوقت چه اتفاقی می‌افتد؟ موجودات فضایی از این فرصت بهره برده و داخل آن بدن‌ها می‌شوند، و روح آنها می‌شوند.

پرسش: پس از اینکه به کمال برسیم آیا هنوز می‌توانیم جوآن فالون را مطالعه کنیم؟

**معلم:** خدایان در آسمان‌ها نیز درحال یادگیری دافا هستند، اما کلمات شبیه این‌ها نیستند. بلکه آنها تجلیات فا در سطح آنها هستند.

پرسش: استاد مسیر تزکیه ما را برنامه‌ریزی کردند. اگر ما عمداً کار خود و محیط‌های زندگی خود را تغییر دهیم، آیا تزکیه‌مان را تحت تأثیر قرار خواهد داد؟

**معلم:** من از شما نمی‌خواهم به شکلی عمدی دنبال سختی‌ها باشید. اما یک چیز هست: اگر شرایط اجازه دهد و مساعد باشد، و بخواهید یک شغل بهتر داشته باشید، از اینکه آن را انجام دهید استقبال خواهم کرد. اگر شرایط، مساعد و فراهم باشد و عوامل دیگر نیز مساعد باشد، فکر نمی‌کنم پیدا کردن مکان دیگری برای زندگی چیزی را تحت تأثیر قرار دهد، و شاید آن نیز بخشی از تزکیه شما باشد. اما قطعاً اگر به انجام کارهایی که بدست آوردن‌شان غیرممکن است اصرار دارید یا بر جستجوی سختی‌ها پافشاری کنید، آنوقت شاید چیزها را خراب کنید. وقتی سعی می‌کنید از حقایق فا در دافا روشن و آگاه شوید، حتماً باید به امور فکر کنید و خلاف جریان طبیعی نروید.

پرسش: استاد گفتند ما نباید فا را تفسیر کرده یا تحلیل کنیم. برخی افراد فکر می‌کنند همچنین ما نمی‌توانیم درباره درک‌ها و دریافت‌مان از فا صحبت کنیم.

**معلم:** آن چطور می‌تواند درست باشد؟ آنوقت آیا این برای ما اشتباه است که امروز اینجا نشستیم و درباره مسائل صحبت کنیم؟ نمی‌توانید آن را به این شکل درک کنید. اگر شما حتی نتوانید درباره درک‌ها و تجربیات خودتان مانند آنچه در کنفرانس امروز انجام می‌دهیم، صحبت کنید، آنوقت می‌گوییم آن اشتباه است. به عبارت دیگر، اگر می‌خواهید درباره موضوعاتی که به آنها وابسته هستید و نتوانسته‌اید رها کنید، و آن وابستگی که موجب درک‌های خاص اشتباهی از فا شده یا اثری گیج‌کننده بر مسیر [مربوط به] دافا داشته است، سخنرانی کنید، آنوقت باید فکر کنید چرا دیگران اجازه نمی‌دهند شما صحبت کنید. اگر این مسائل را ندارید، آنوقت طرف دیگر اشتباه می‌کند. اگر در این کنفرانس مقدس می‌خواهید از زبان من استفاده کنید تا از کسی انتقاد کنید موفق نخواهید شد، زیرا می‌توانم ببینم افکار شما از کجا می‌آید.

پرسش: یک روز، ناگهان متوجه شدم کلمه «استاد» معانی کاملاً جدیدی دارد. آن مقدس‌ترین کلمه است.

**معلم:** آنگاه به این دلیل است که معنی پشت آن کلمه برای شما آشکار شده است. هیچ کلمه‌ای را در دافا دست کم نگیرید. بوداها در پشت هر یک کلمه وجود دارند، و هر یک کلمه فا است. به همین خاطر وقتی برخی افراد می‌گویند: «من فا را گزینشی می‌خوانم» و یک بخش یا بخش دیگری را جا می‌اندازند، یا می‌گویند یک بخش را درک می‌کنند اما با پاراگراف دیگر موافق نیستند، قادر نخواهند بود چیزی از آن کسب کنند.

*پرسش: شما بهشت‌های مختلفی را در سطوح مختلف خلق کرده‌اید. نام این بهشت‌ها چه هستند؟*

**معلم:** موجودات بشری فقط مجاز هستند درباره تاتاگاتاها در سطح شاکيامونی بدانند. شما اجازه ندارید چیزی درباره خدایان در سطوح بالاتر بدانید. در مورد این چندین بار قبلاً صحبت کرده‌ام - حتی در روزهای ابتدایی این را مورد بحث قرار دادم. موجودات بشری مجاز نیستند بدانند. انسان‌ها اجازه ندارند نام خدایان در سطوح بالاتر را بدانند. انسان‌ها اجازه ندارند نام آنها را بگویند، چراکه آن برابر با کفرگویی است. زیرا برای آنها، موجودات بشری صرفاً بسیار پایین هستند. می‌توانم به شما بگویم، خدایان هرگز انسان‌ها را خویشاوند خود در نظر نمی‌گیرند. اگر چه نسبت به انسان‌ها حس ترحم و لطف دارند، آنچه که به آن حس ترحم دارند شکل زندگی بشری است. با این وجود انسان را حیوان در نظر می‌گیرند (که، به هر حال با مفهوم تعریف شده در تئوری تکامل یکسان نیست).

*پرسش: فالون دافا در مقیاسی وسیع در یک دوره پیش از تاریخ مردم را نجات داد. در این چرخه نوع بشر، این اولین بار است که یک چنین فای سطح بالایی آموزش داده می‌شود. آیا فایی که در گذشته آموزش داده شد با دافایی که اکنون آموزش داده می‌شود یکسان است؟*

**معلم:** اول از همه، چه کسی اولین بود، که این فای کیهان را از ابتدایی‌ترین زمان‌ها، آموزش داد؟ دوماً، اگر پس از آن، در طول تاریخ من یک بخش از این فای بزرگ کیهان را آموزش دادم، آیا در حال آموزش این فای نبودم؟ وقتی فا را به موجودات بشری آموزش می‌دهم، آیا الزامی برای من وجود دارد که درباره فا در چنین سطح بالایی صحبت کنم؟ خیر. اگر در تاریخ نیامدم که فا را اصلاح کنم و صرفاً بخشی از فا را آموزش دادم که توانست مردم را نجات دهد، آنوقت آیا آن فای کیهان نبود؟ من صرفاً در سطحی آموزش دادم که موجودات بشری قرار بود بدانند، نه بالاتر. آیا آن همان فا نبود؟ آن همان فا است.

*پرسش: چرا در کیهان موجودات بوجود می‌آیند؟*

**معلم:** درست مانند میکروارگانیسم‌ها که نمی‌توانند از شیوه فکر خود برای درک موجودات بشری استفاده کنند، ذهن انسان هرگز قادر نخواهد بود شیوه وجودی خدایان و تفکر آنان را درک کند. موجودات بشری حتی کیهان را درک نمی‌کنند، و هیچ تصویری ندارند که آن به چه شکل است، پس چگونه می‌توانستند درباره امور در کیهان بپرسند؟ این سؤال برابر با این است که بپرسیم، «چرا کیهان باید وجود داشته باشد؟» بیایید خودمان را نگران نکنیم که چرا یک کیهان وجود دارد یا چرا زندگی وجود دارد، زیرا اینها چیزهایی نیستند که باید بدانید یا بتوانید بدانید. حتی وقتی به سطح بالایی تزکیه کرده‌اید، مهم نیست چقدر آن بالا باشد، اینها چیزهایی نیستند که شما خواهید دانست. البته خلق یک کیهان خالی بدون حیات یا بدون چیزی درون آن بی‌معنی می‌بود، نمی‌بود؟ با استفاده از کلام بشری، آن لرد (پادشاه پادشاهان)، یا، یگانه لرد گرامی تمام بوداها، داثوها، و خدایان بود که آن را به این شکل خواست.

*پرسش: هدف نهایی حیات یک موجود چیست؟*

**معلم:** شما برای تفکر درباره جهان و معنای زندگی از شیوه تفکر بشری استفاده می‌کنید - هرگز آنطور که انسان‌ها آن را درک می‌کنند نیست. بگذارید درباره انسان‌ها صحبت کنیم: اگر انسان‌ها از زندگی خسته می‌شدند، هیچ نیازی نمی‌بود من برای

آموزش فایم. آن به این دلیل است که هر کسی می‌خواهد که زندگی کند. درباره انسان‌ها بطور کل با شما صحبت می‌کنم. در حقیقت هیچ تصویری از آنچه آموزش می‌دهم ندارید که بالاتر از چیزی است که قادر به دانستن آن هستید. موجودات در سطوح مختلف همگی معنای زندگی خود را دارند و همگی درک‌های حقیقی خودشان از وجودشان را دارند. درک‌های حقیقی آنها در سطوحشان کاملاً با درک شما متفاوت است. به این خاطر که درک انسان‌ها وارونه شده است، آنها نمی‌توانند حقیقت را ببینند، نمی‌توانند آینده خود را ببینند، قادر نیستند بطور کامل چیزها را درک کنند، و نمی‌توانند از میان چیزها ببینند. مهم نیست علم چقدر پیشرفت کرده است، هنوز در این بعد حرکت می‌کند. به همین دلیل افکار عجیب فراوانی دارید. اگر می‌توانستید چیزها را بدون باورهای از پیش کسب‌شده بسنجید، بطوری باورنکردنی یک خدای فوق‌العاده می‌بودید. اما برای موجودات بشری انجام این غیرممکن است.

ممکن است بگویید: «می‌توانم آن را انجام دهم. می‌بینید، آنچه می‌گویم تماماً برای نفع دیگران است، بدون هیچ فکر دیگری، اما دیگران هنوز آن را دوست ندارند.» آیا واقعاً حقیقت دارد که کلمات شما هیچ فکر دیگری را حمل نمی‌کند؟ آیا تأثیر ترکیب افکار شکل گرفته پس از تولد، افکار شکل گرفته در طول دوره‌های زمانی مختلف، و کارمای فکری که به هنگام صحبت کردن نقشی ایفا می‌کند را تشخیص می‌دهید؟ افکار انسان هرگز پاک نخواهد بود. برخی از چنین افکاری خودشان را به شما نشان می‌دهند، پس [از آنها] آگاه هستید؛ برخی نشان نمی‌دهند، پس [از آنها] آگاهی ندارید. بعضی افراد حتی وقتی این افکار ظاهر می‌شوند تشخیص نمی‌دهند. بنابراین عوامل در آنچه که می‌گویید شامل موارد بسیار پیچیده‌ای می‌شود. کلمات خدایان، برای انسان‌ها، کاملاً پاک هستند. شما می‌گویید که رحمت (سی‌پی) دارید، اما در حقیقت رحمت شما عوامل زیادی از افکار بشری شکل گرفته در طول دوره‌های زمانی مختلف را دارد که در آن مخلوط هستند. شیوه تفکر شما شیوه بشری است، و آن شامل هر چیزی می‌شود. افکاری که از ذهن شما ساطع می‌شود هر چیز و همه چیزی را در خود دارد. دقیقاً برای اینکه هر چیزی که ناپاک و ناقص است پاک شود، شخص خودش را تزکیه می‌کند.

پرسش: گریه کردن باید حالتی در یک دوره زمانی مشخص باشد، اما چرا من بعد از اینکه یک سال گذشته است نتوانستم به آن غلبه کنم؟

معلم: آن می‌تواند مداخله هم باشد. چرا بعد از زمانی طولانی از آن عبور نکرده‌اید؟ اگر بسیار گریه کنید طوری که نتوانید حتی فا را بشنوید این اشتباه است. البته، من به این شاگرد اشاره نمی‌کنم. وقتی به چیزهای خاصی می‌رسد - به شرط اینکه با تزکیه شما مداخله نکند - شما این حالت را تجربه می‌کنید، آنوقت ممکن است دلائل دیگری وجود داشته باشد. [برای مثال] شما در گذشته اشتباهاتی مرتکب شده‌اید، می‌بینید که چطور تغییر کرده‌اید - تمام تغییراتی که اتفاق افتاده‌اند فراتر از عنان گسیخته‌ترین تصور شما هستند - یا [می‌بینید که] از جهنم بیرون آورده شده‌اید، پاک شده‌اید، و حتی تمام این چیزهای باشکوه به شما داده شده است. چگونه می‌توانید گریه نکنید؟

یا شاید در یک دوره زندگی خاص با من ارتباطی داشته‌اید. همه نوع احتمالی وجود دارد. دلیل این است.

پرسش: گفته شد، برای مثال، وقتی موجوداتی که در جهانی با طلای ۱۸ عیار به وجود آمدند دیگر خالص نیستند، بعد از اینکه فا اصلاح شد برای اینکه به جهانی با طلای ۲۴ عیار بازگردند، می‌توانند فقط با نگه‌داشتن استانداردی بالا برای خود به کمال برسند. آیا آن صحیح است؟

معلم: درست است. اما چیزی نیست که بتوان فوراً به آن دست یافت؛ در عوض، به تدریج از طریق روند دائمی تزکیه کسب می‌شود. در آن زمان هر چیزی بسیار طبیعی و ملایم است، و مجبور به انجام کاری نیستید. با صحبت درباره این، یاد چیزی افتادم که وقتی در سال‌های اول از برخی چیزها برای شما مراقبت می‌کردم اتفاق افتاد. بعد از اینکه هر چیزی در میکروسکوپی‌ترین لایه از هستی شما را اداره کردم، احساس کردم هنوز چیزی درست نیست. در مکان‌های حتی عمیقاً پنهان، جایی که هستی شما شکل گرفته بود، متوجه شدم حتی آن ماده بنیادین منحرف شده بود، سرسختانه تمام چیزهایی که



نمی‌توانستند تغییر کنند را شکل داده بود. در آن مرحله، در چشم خدایان دیگر حتی سرشت بنیادین موجودات دیگر به اندازه کافی خوب نبود و دیگر امکان آن نبود که این جهان را نگه داشت. اما تمام آن را برای شما برعکس کردم. (تشویق) انجام آن کار واقعاً سخت بود. هر انحراف یا خوب عمل نکردنی [حتی] به ناچیزترین مقدار، هر جنبه از آینده‌تان را تحت تأثیر قرار می‌داد. انجام آن بی‌نهایت مشکل بود. در پایان به یاد آوردم که وقتی تازه شروع به اصلاح فا کرده بودم، واقعاً سخت بود. آنچه درباره آن می‌گویم پدیده وجود شما در اینجا است، اما آیا شرایط مشابه اما میکروسکوپی‌تری در سطوح بالاتر وجود ندارد؟ بنابراین انجام آن کاری بسیار سخت بود، اما آن را انجام دادم، استانداردها را برآورده کردم، و از بهترین استانداردهایی که تا بحال وجود داشته فراتر رفتم. (تشویق)

همچنین متوجه شدم که انحراف نوع بشر نتیجه‌ای از انحراف ماده در سطوح بسیار بالا است. و آن چیزهای منحرف بسیار لجوج هستند. شیوه‌ای که آن مستقیماً اینجا در میان موجودات بشری تجلی می‌یابد را می‌توان در رفتار بیرونی جوانان امروز دید، که بی‌مسئولیت، و بی‌نظم هستند، و قادر به کنترل خود نیستند. آنها جیغ می‌زنند و داد می‌کشند، به شکلی غیرعادی با موسیقی می‌رقصند، و با بازی‌های ویدئویی بازی می‌کنند. خلاصه، ذهن آنها پر است از آن چیزهای به اصطلاح سبک زندگی مدرن.

پرسش: در حالت یکی از پاها روی دیگری، مدیتیشن می‌کنم. درد شدیدی که در پاهایم تجربه می‌کنم پیوسته است، متناوب نیست.

**معلم:** البته درد متناوبی که به آن اشاره می‌کنم زمانی است که شخص می‌تواند به صورت ضربدر بنشیند - آنوقت درد متناوب ظاهر می‌شود. وقتی به تازگی توانستید ضربدری بنشینید درد پیوسته خواهد بود، و به این خاطر است که قبلاً هرگز ضربدری ننشسته بودید. یا اگر تازه موفق شدید پاهای تان را ضربدری کنید، درد واقعاً بدون توقف خواهد بود، گویی حتی برای یک ثانیه نمی‌تواند تحمل شود و باید پاها را فوراً باز کرد. این احساسی است که در درون دارید. از درد می‌لرزید، که تحمل آن سخت است و در قلب تان نفوذ می‌کند و آن را آشفته می‌کند. هر چیزی که از میان آن می‌گذرید را عمیقاً درک می‌کنم. اگر قرار است درباره این وضعیت صحبت کنیم، آنوقت درباره آن از دو جنبه صحبت خواهیم کرد: شاید هرگز پاهای خود را قبلاً ضربدری نکرده‌اید و بنابراین استخوان‌های پاهای تان سفت و تاندون‌هایتان انعطاف‌ناپذیر هستند؛ یا ممکن است نتیجه‌ای از کارما باشد. هر دو امکان‌پذیر است.

پرسش: همیشه احساس می‌کنم در برابر الزامات دافا کوتاهی دارم، و همیشه حس می‌کنم که وقت کافی ندارم. آیا آن یک وابستگی است؟

**معلم:** قسمت دوم یک وابستگی است. قسمت اول درست بیان شده است. اصلاً درباره این زمان [که آیا به اندازه کافی وجود دارد یا خیر] نگران نباشید. تا زمانی که به تزکیه ادامه می‌دهید در حال حرکت به سوی کمال هستید. اما یک چیز هست: شما باید کوشا باشید! اگر بگویید، «عجله نخواهم کرد، ده سال، هشت سال، یا بیست سال - آن را به تدریج انجام خواهم داد»، آنوقت برای شما صبر نخواهم کرد.

پرسش: آیا موجوداتی که نجات داده می‌شوند و به بهشت‌های کسانی که در تزکیه موفق شده‌اند برده می‌شوند نیز روابط تقدیری با تزکیه‌کنندگان دارند؟

**معلم:** تمام موجودات در بهشت شما احتمالاً در دنیای بشری با شما روابط تقدیری داشته‌اند. آنچه به آن نگاه می‌کنم قلب شما است. وقتی به کمال برسید، قرض‌هایی که بدهکار هستید چه می‌شوند؟ وقتی تزکیه می‌کنید، من دنیای شما را به کمال می‌رسانم. برخی از موجوداتی که به آنها بدهکار هستید موجوداتی عادی در بهشت شما خواهند شد، و آنوقت البته که آنها خوشحال خواهند بود. آن انعکاسی از رحمت و تقوای عظیم شما است، و همزمان شما آنها را نجات داده‌اید، و به چیز خوبی تبدیل کرده‌اید. (تشویق)

پرسش: آیا صحیح است بگوییم روشن‌بین شدن به فا در طول تزکیه برای هدف روشن‌بین شدن به معنای درونی خاص جن-شن-رن است، که در بالاترین سطح است؟

**معلم:** موضوع این نیست. آن روشن‌بینی که من درباره‌اش گفتم اشاره می‌کند به اینکه آیا شما قادر هستید در طول تزکیه خود هر چیزی را با افکار درست اداره کنید. جمله‌ای که اکنون گفتم دقیقاً آن نوع روشن‌بینی که در طول تزکیه در دافا اتفاق می‌افتد را توضیح می‌دهد. آن درباره این نیست که اینجا بنشینید و با قصد فکر کنید، یا سعی کنید هر معنایی را از یک کلمه بخصوص بیرون بکشید. آن اینگونه نیست. برخی افراد در درک این چیزها کند هستند. وقتی کمی احساس معذب بودن می‌کنند، از من می‌پرسند چرا احساس خوبی ندارند: «معلم، چرا اینطور است که احساس خوبی ندارم؟» یا، ممکن است از شخص دیگری بپرسند، «امروز چه اتفاقی برای من افتاده است؟» روز بعد وقتی با چیزهای ناراحت‌کننده روبرو می‌شوند، [می‌گویند] «چرا چیزهای ناراحت‌کننده همیشه برای من اتفاق می‌افتد؟» پس ما می‌گوییم که این افراد کیفیت روشن‌بینی ضعیفی دارند. در واقع، وقتی آنها به لحاظ فیزیکی معذب هستند، زمانی است که بیماری‌هایشان زوده می‌شود، یا یک تجلی از رشد گونگ‌شان است. اما آنها آن را چیز بدی در نظر می‌گیرند. چرا با سختی‌ها مواجه می‌شوند، آن فرصتی است برای آنها که شین‌شینگ خود را رشد دهند. باید خود را تزکیه کنند. بدون چنین شرایطی، چگونه می‌توانستند آن را به انجام برسانند؟ غیرممکن می‌بود تزکیه کنند. این نشان می‌دهد که کیفیت روشن‌بینی این افراد صرفاً بسیار ضعیف است. آن نوع روشن‌بینی که به آن اشاره می‌کنم این است.

پرسش: مردم زیادی در چین و در دنیا هستند که تزکیه نمی‌کنند. معلم، لطفاً چند کلمه که مهم‌ترین است را به آنها بگویید.

**معلم:** تمام فایده آن صحبت می‌کنم معنا و هدفی دارد. موجودات بشری صرفاً موجودات بشری هستند. از من می‌خواهید به موجودات بشری چه چیزی بگوییم؟ اجازه دهید به شما بگویم... به شما می‌گویم، من شما را موجودات بشری در نظر نمی‌گیرم، زیرا شما موجوداتی بشری هستید که در حال تزکیه هستید، و در حالت یک خدا هستید. (تشویق)

پرسش: مرکز دستיاری به شاگردان [دافا] فقط اجازه می‌دهد تمرین‌ها را در همسایگی خودشان انجام دهند، و برای فعالیت‌های گروهی برای اشاعه فا یا انجام تمرین‌ها اجازه نمی‌دهد.

**معلم:** موقعیتی که شما توصیف کردید شاید سوءتفاهم شما است؛ همچنین می‌تواند به خاطر نامناسب بودن عملکرد هماهنگ‌کننده آن مرکز دستياری باشد. هر دو امکان دارد. نمی‌توانم درباره این مورد به‌طور خاص به شما توضیحی بدهم. اما باید چیزی را که گفته‌ام به خاطر داشته باشید: وقتی دو نفر با هم تضادی دارند و شخص سومی آن را می‌بیند، حتی آن شخص سوم باید درباره اینکه آیا مشکلی در سمت او وجود دارد فکر کند - «چرا اتفاقاً من باید این را ببینم؟» برای دو نفر درگیر در تضاد بیشتر اینطور است. آنها حتی بیشتر باید خود را بررسی کنند، زیرا آنها باید دروناً خود را تزکیه کنند. بنابراین وقتی می‌بینید که با چیزی موافق نیستید، آیا اینطور است که آن با افکار شما سازگار نیست، یا با دافا سازگار نیست؟ باید این را نیز بررسی کنید. اگر حق با شما باشد، آنوقت به‌خاطر مسئول بودن در قبال دافا، می‌توانید نظر درست و منطقی خود را با هماهنگ‌کننده مطرح کنید. فکر می‌کنم از آنجا که او یک تزکیه‌کننده است آن را در نظر خواهد گرفت. اینگونه باید عمل کرد.

پرسش: در دست‌نوشته «عزم راسخ»، معلم بیان می‌کنند که مداخله از بعدها دیگر وسیله‌های گوناگونی را بکار می‌برد که به شاگردان نزدیک شده و سبب آسیب شود.

**معلم:** بگذارید اینطور بگویم: شما نمی‌توانید کاری که به شما گفته شده را انجام دهید اگر آن در تناقض با دافا باشد، نمی‌توانید هیچ حرکتی که به شما آموزش داده شده را یاد بگیرید اگر حرکات دافا نیستند، و نمی‌توانید در انجام کارهایی از آنها پیروی کنید وقتی چیزهایی نیستند که ما باید در دافا انجام دهیم. [تا وقتی این کار را انجام دهید] کافی است. برخی چیزهای شرور تظاهر

می‌کنند که بدن‌های قانون من هستند. خود را بخوبی اداره کنید و چیزها را با دافا بسنجید. اگر کسی به بدن‌های قانون وابسته باشد که به او بگوید چه کار کند، این اهریمنان را جذب می‌کند.

**پرسش:** استاد، آیا می‌توانید به ما درباره برخی چیزهایی بگویید که وقتی در حال اشاعه فا بودید، انجام دادید؟

**معلم:** آنچه می‌توانم به شما بگویم این فا است، و اینکه چگونه به بالا تزکیه کنید. فقط توجه خود را بر آن متمرکز کنید. تمام چیزهای دیگری که می‌خواهید بدانید تا بعد از کمال عقب بیندازید. اکنون زمان خود را به رؤیابافی نگذرانید.

**پرسش:** معنای عمیق‌تری در بخشیدن فالون به مریدان توسط استاد وجود دارد، اینکه بعد از رسیدن به کمال و بازگشت به جایگاه‌های اصلی مان، دیگر هرگز سقوط نخواهیم کرد.

**معلم:** این چیزی است که در نظر دارم انجام دهم. (تشویق)

**پرسش:** معلم لی، آیا می‌توانید فروغ و روشنی خود را به آفریقا بیاورید؟

**معلم:** چیزهای خاصی آنطور که شما فکر می‌کنید نیست. در حقیقت، برخی از شاگردان چینی در زندگی‌های قبلی خود سیاه‌پوست بودند؛ برخی از شاگردان سفیدپوست هم احتمالاً سیاه بودند. باید گفت، چیزی به این عظمت به سادگی شکل ظاهری که شما تصور می‌کنید نیست. من هیچ کسی را که قرار است نجات یابد پشت سر رها نمی‌کنم. (تشویق) امیدوارم شما کتاب‌ها را بیشتر بخوانید و فا را زیاد مطالعه کنید، و بطور مداوم خودتان را رشد دهید.

**پرسش:** ممکن است لطفاً توضیح دهید وقتی شما آموزش فا را متوقف کنید چگونه ما می‌توانیم از اینکه فالون دافا تبدیل به مذهب شود جلوگیری کنیم.

**معلم:** نیازی نیست نگران آن باشید. من تمام مسیر همراه با این دافا اینجا خواهم بود تا اینکه همه چیز در این دنیای بشری را تمام کنم. (تشویق)

**پرسش:** وقتی از انجام کارهای خاصی لذت می‌برم، حس گناه دارم. چرا اینطور است؟

**معلم:** این را به شما می‌گویم: خیلی از چیزهای لذت‌بخش لزوماً خوب نیستند. چرا؟ به این خاطر که مردم امروزه خودشان را با جریان زمانه تطبیق داده‌اند، و قادر نیستند که وجود سمت منفی چیزها را تشخیص دهند. اگر قادر باشید امور را با ارزش‌های باستانی مردم در گذشته قضاوت کنید، خواهید فهمید که [مسائل امروز] اشتباه هستند. اگر آنها را با دافا بسنجید، خواهید فهمید که حتی بیشتر اشتباه هستند، و با فا متناقض هستند. به علاوه، گرایش قوی به داشتن سرگرمی یک وابستگی است که بر تزکیه شما در دافا تأثیر می‌گذارد.

**پرسش:** بعضی اوقات صحنه‌ای از رشد شین‌شینگم در ذهنم جرقه می‌زند، این حس را می‌دهد که آن واقعاً اتفاق افتاده است.

**معلم:** صحنه‌ای دلپذیر از رشد شین‌شینگتان قطعاً چیز خوبی است، و واقعی است. در حال حاضر، آنچه احساس می‌کنید فقط می‌تواند به این شکل از قوه ادراک‌تان دریافت شود و هنوز نمی‌تواند در واقعیت مردم عادی تجلی یابد. به این دلیل که هنوز در حال تزکیه هستید، هنوز در حال تزکیه با یک بدن بشری هستید. هنوز چیزهای بد بسیاری هستند که در بدن بشری وجود دارند، بنابراین وقتی آنها را دارید نمی‌توانید مانند خدایان ظاهر شوید. به هر حال، دوباره چیزی را ذکر می‌کنم. اخیراً افراد زیادی، شامل شاگردان جدید و قدیمی، وابستگی‌های شدیدی را به چشم سوم رشد داده‌اند. بگذارید چیزی را به شما بگویم که بسیار حقیقی است، و دلیل اصلی پشت تمام آن را بگویم: شما افکار و باورهای بد بسیاری در ذهن خود دارید، و وقتی بینایی خرد

چشم سوم شما صحنه‌هایی و رای بعد بشری را می‌بیند، آن چیزها نیز آن صحنه‌ها را می‌بیند. اما آن چیزهای بد نمی‌توانند مجاز به دیدن ظاهر حقیقی خدایان باشند. درک می‌کنید؟ به همین خاطر بسیاری از افراد در حال حاضر نمی‌توانند ببینند.

پرسش: من از وضعیت شین‌شینگم آگاه هستم، و همزمان، حس می‌کنم که سرشت اهریمنی دارم. چگونه باید سرشت اهریمنی خود را از بین ببرم؟

معلم: آن واقعاً وضعیتی عالی است. به عبارت دیگر، شما قادر هستید سمت بد خود را احساس کنید، بنابراین باید آن را رد کنید، در برابر آن مقاومت کنید و آن را دفع کنید. باید آن را در ذهن خود پس بزنید، از آن افکار پیروی نکنید، و انجام آن چیزهای بد را متوقف کنید. آنوقت در حال تزکیه و پیشرفت هستید - این تزکیه نامیده می‌شود.

پرسش: در تمرین گروهی، آیا بهتر است قبل از هر تمرین فقط به فرمولی که بلند توسط شما گفته می‌شود گوش دهیم، یا با هم بلند بخوانیم؟

معلم: از برخواندن آن در ذهن‌تان کافی است - ما همیشه آن فرمول‌ها را در ذهن‌مان از برمی‌خوانیم، اینطور نیست؟ اما مخالف این نیستیم که آنها را بلند بخوانید. البته، اگر آنها را بلند بخوانید، بهتر است آن را با هم در طول تمرین گروهی بخوانید. این به شما بستگی دارد. من به شکل اهمیتی نمی‌دهم. اما وقتی شما در طول تمرین گروهی بیشتر در هماهنگی و نظم هستید، اثر خوبی بر مردم به جا می‌گذارد، درست؟ آن را بر طبق شرایط خود انجام دهید. مخالف آن نیستیم، و نمی‌توانم هیچ احکامی را به شما تحمیل کنم. آن را مطابق با شرایط خود انجام دهید - هر چه فکر می‌کنید خوب است انجام دهید.

پرسش: استاد، لطفاً چند کلمه‌ای به تمام مریدان در چین بگویید. آن برای مطالعه‌ی فا و کوشا بودن در پیشرفت‌مان بسیار گرانبها است.

معلم: درواقع، هر چیزی که اکنون گفتم مریدان در چین را نیز در نظر گرفتم، زیرا می‌دانم که نوارهای صوتی و تصویری که ضبط کرده‌اید به چین منتقل خواهد شد. (تشویق)

پرسش: شما پاک کردن وابستگی احساسات را ذکر کردید. پس چرا خدایان اشک می‌ریزند؟

معلم: آنها اشک‌های رحمت هستند. و احساسات یک خدا و ادراکات او کاملاً با احساسات و ادراک انسان‌ها متفاوت است. آنها مطلقاً در یک سطح نیستند، و مفهوم یکسان ندارند. گذشته از این، خدایان در سطوح حتی بالاتر و بالاتر برای موجودات بشری اشک نمی‌ریزند. فقط برای موجودات زیرین خود اشک می‌ریزند، زیرا از نگاه آنان، انسان‌ها صرفاً انسان هستند.

پرسش: در ذهنم، نمی‌خواهم هیچ کاری انجام دهم. بعد از خواندن دست‌نوشته معلم، شوکه شدم و حسی از فوریت را دریافت کردم، اما نمی‌توانم به ذهنم سرعت بدهم.

معلم: آن به این دلیل است که تنبلی دست به کار شده شما را از پا درآورد، بنابراین باید از آن عبور کنید. هر کسی با این مواجه می‌شود. گاهی اوقات کاملاً قوی ظاهر می‌شود؛ زمان‌های دیگر به‌نظر می‌رسد نسبتاً ملایم است. آن چیزی است که شما را از انجام تمرین‌ها یا کوشا بودن در تزکیه باز می‌دارد. از آن عبور کنید! آن را در هم بشکنید. شاید محور یا نقطه اصلی این مانع، وابستگی شما است، و اگر به آن پی ببرید احتمالاً بر آن غلبه کرده و فوراً از آن عبور می‌کنید. (تشویق)

پرسش: جهان آینده نیاز به موجودات اصلی دارد، برای همین استاد آمدند. آیا آن به این دلیل است که بسیاری از چنین موجودات اصلی بر روی زمین هستند؟

**معلم:** من اینجا نیامدم که برخی «موجودات اصلی» را نجات دهم. این فکر درست نیست. وقتی فا را در این مکان بشری آموزش می‌دهم، تمام بعدهای دیگر نیز فا را می‌شنوند، بنابراین اینجا آدم تا فا را آموزش دهم. در غیر این صورت، اگر بنا بود فا را در سطح دیگری آموزش دهم، موجودات زیر آن سطح قادر به شنیدن آن نمی‌بودند، از جمله موجودات بشری. البته، در تمام سطوح موجودات اصلی وجود دارند.

پرسش: چین به شکلی گسترده مشغول برخی کارهای مربوط به بودیسم شده است. آن درباره چیست؟

**معلم:** بیایید به این چیزها اهمیتی ندهیم - آنها همگی امور مردم عادی هستند. هدف آنها از انجام کارهای مربوط به بودیسم دریافت برکت یا پول درآوردن از آن است. آنها برای پول درآوردن یا صنعت گردشگری معبدی می‌سازند. موجودات بشری صرفاً کارهای بشری انجام می‌دهند. ما خودمان را نگران آن نمی‌کنیم. از آنجا که بودیسم بخشی از موجودات بشری است، هر چه موجودات بشری انجام می‌دهند، فقط بگذارید باشند.

پرسش: تمام مریدانی که از نوزده استان مختلف، شهر، یا ناحیه، و سی و سه منطقه در چین در این کنفرانس شرکت کردند، از طرف مریدان مناطق مربوطه خود بهترین درودشان را به استاد می‌فرستند.

**معلم:** از همه شما متشکرم. (تشویق)

پرسش: تمام مریدان دافا که از کشورهای دیگر در این کنفرانس شرکت کردند از جانب مریدان در کشورها و مناطق مربوطه خود بهترین درودشان را به استاد می‌فرستند.

**معلم:** از همه شما متشکرم. (تشویق)

این کنفرانس فا به زودی پایان می‌یابد. آن واقعاً موفقیت‌آمیز بوده است. می‌دانم که از طریق این کنفرانس شاگردان همگی تا حد خاصی رشد کرده‌اند، متوجه شدند که کجا کوتاهی داشتند، و فهمیدند که باید با پشتکار بیشتری تزکیه کنند. (تشویق) کنفرانس به خوبی به هدف خود رسیده است. این عالی است. علاوه بر شاگردان قدیمی، برخی افراد هم در میان حضار هستند که به اینجا آمدند تا برای اولین بار به فا گوش دهند. امیدوارم هر کسی که به این سالن کنفرانس آمده است بتواند یک جلد از جوآن فالون را بگیرد، نگاهی به آن بیندازد تا ببیند این دافا درباره چیست، و درک‌هایی از آن بدست آورد، زیرا، می‌توانم به شما بگویم، بیش از صد میلیون نفر این را تمرین می‌کنند. (تشویق) این آرزوی من است که این کنفرانس فا به‌عنوان انگیزه‌ای باشد تا شما کوشا تر تزکیه کنید و سریعتر صعود کنید، و باعث شود آنهایی که عقب مانده‌اند عجله کرده و جبران کنند و آنهایی که در مسیری اشتباه سقوط کردند عجله کنند و برگردند! (تشویق) بهتر است این فرصت را از دست ندهید، زیرا آن لحظه دوباره نخواهد آمد. نمی‌توانید بارها و بارها بگذارید فرصت‌ها از دست برود. می‌دانم این کنفرانس به‌عنوان نیروی محرک برای کرانه شرقی، کل ایالات متحده، و مناطق دیگر است. افراد بیشتری خواهند بود که به تزکیه دافا ملحق می‌شوند، مردمی خوب در دنیا می‌شوند، افراد حتی بهتری می‌شوند، تمام مسیر تا اینکه افرادی خوب در قلمروهای حتی بالاتر شوند. (تشویق) همین جا خاتمه می‌دهم. این تمام چیزی است که می‌گویم. از همگی تشکر می‌کنم. امیدوارم همه با بیشترین سرعت ممکن به کمال برسید. (تشویق)

---

<sup>۱</sup> پودو - «رستگاری جهانی»

<sup>۲</sup> جی شی - «نجات دنیا»

<sup>۳</sup> این مقاله‌ای در کتاب *جوآن فالون* جلد دوم است.

<sup>۴</sup> دینگ - حالتی از فکر که در آن ذهن کاملاً ساکت، آرام و رها از افکار اما آگاه است.

<sup>۵</sup> سی پی - نیک خواهی، رحمت

<sup>۶</sup> لون یو - این کلمه‌ای چینی است که برای منتخب آثار کنفسیوس بکار می‌رود.

<sup>۷</sup> خدایی در افسانه چینی باستان که گفته شده جهان را خلق کرد.